

نماذ اقتصاد
ویژہ نامہ

NAMAD
EGHTESAD

صنعت
و معدن
نماذ
اقتصاد
ایران

INDUSTRY ,
MINING
ARE SYMBOLS
OF IRAN'S
ECONOMY

www.namadeghtesad.ir
@Namad_Eghtesad

نماد اقتصاد

صنعت و معدن

صنعت و معدن، موتور پیشرفت و اقتدار ملی
و نماد عزت و خودباوری ایرانی است.
دستان توانمند صنعتگران و تلاشگران این عرصه
زیربنای آبادانی امروز و آینده‌ای روشن برای ایران اسلامی است.

صنعت و معدن
نماد اقتصاد ایران

نماد اقتصاد

سرمقاله
حامد فراهانی
مدیر مسئول

دوقلوی دیجیتال؛ کارخانه‌ای که پیش از ساخته شدن زندگی می‌کند

تصور کنید پیش از آنکه تغییری در یک خط تولید ایجاد شود، بتوان همه سناریوهای ممکن را در محیطی مجازی بررسی کرد؛ از میزان مصرف انرژی و ظرفیت تولید گرفته تا احتمال خرابی تجهیزات و هزینه‌های عملیاتی.

این همان فناوری Digital Twin یا دوقلوی دیجیتال است. دوقلوی دیجیتال، نسخه‌ای هوشمند و پویا از کارخانه، تجهیزات یا فرآیندهای تولید است که به صورت لحظه‌ای با داده‌های واقعی تغذیه می‌شود. مدیران می‌توانند پیش از اجرای هر تصمیمی، پیامدهای آن را در محیطی شبیه‌سازی شده مشاهده کرده و بهترین گزینه را انتخاب کنند.

استفاده از این فناوری در صنایع پیشرفته، کاهش هزینه‌های تعمیرات، افزایش بهره‌وری، کاهش توقف خطوط تولید، بهبود کیفیت محصولات و تسریع تصمیم‌گیری را به همراه داشته است. به همین دلیل، دوقلوی دیجیتال امروز به یکی از ابزارهای اصلی مدیریت کارخانه‌های هوشمند تبدیل شده است.

داده؛ نفت جدید کارخانه‌ها

اگر در گذشته ماشین‌آلات مهم‌ترین دارایی یک کارخانه محسوب می‌شدند، امروز بسیاری از کارشناسان معتقدند ارزشمندترین سرمایه صنایع، داده است.

هر تجهیز صنعتی روزانه هزاران داده درباره دما، لرزش، مصرف انرژی، کیفیت محصول، وضعیت قطعات و عملکرد تجهیزات تولید می‌کند. این اطلاعات، در صورت تحلیل صحیح، می‌توانند به ابزاری قدرتمند برای افزایش بهره‌وری تبدیل شوند.

یکی از مهم‌ترین کاربردهای این داده‌ها، نگهداری پیش‌بینانه Predictive Maintenance است؛ روشی که در آن، تجهیزات پیش از وقوع خرابی شناسایی و تعمیر می‌شوند.

نتیجه این رویکرد، کاهش چشمگیر توقف خطوط تولید، کاهش هزینه‌های تعمیرات و افزایش عمر تجهیزات است.

کارخانه آینده، تنها فولاد، سیمان، خودرو یا مواد معدنی تولید نمی‌کند؛ بلکه هم‌زمان داده تولید می‌کند و از تحلیل همین داده‌ها ارزش اقتصادی می‌آفریند.

صنعت در آستانه یک انقلاب خاموش

پنج روندی که کارخانه‌های جهان را متحول کرده‌اند؛ اما هنوز در ادبیات مدیریتی ایران کمتر دیده می‌شوند

انقلاب چهارم صنعتی دیگر یک چشم‌انداز دور دست یا پیش‌بینی آینده نیست؛ واقعیتی است که امروز در خطوط تولید، اتاق‌های کنترل، زنجیره‌های تأمین و مدل‌های کسب‌وکار بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی جهان جریان دارد.

کارخانه‌های پیشرو دیگر تنها با ظرفیت تولید، قیمت تمام‌شده یا سهم بازار با یکدیگر رقابت نمی‌کنند؛ میدان رقابت به حوزه‌هایی چون داده، هوش مصنوعی، خدمات هوشمند، پایداری، اتوماسیون و تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل اطلاعات منتقل شده است.

در چنین شرایطی، بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان میلیارد‌ها دلار برای انطباق با این تحولات سرمایه‌گذاری کرده‌اند و مدل‌های سنتی تولید را به طور بنیادین تغییر داده‌اند.

در مقابل، بخش قابل توجهی از بنگاه‌های صنعتی ایران همچنان درگیر چالش‌های روزمره تولید هستند و برخی از مفاهیمی که اکنون موتور محرک صنایع پیشرفته به شمار می‌روند، هنوز جایگاه شایسته‌ای در ادبیات مدیریتی و راهبردی کشور پیدا نکرده‌اند.

در این میان، پنج روند کلیدی بیش از سایر تحولات، آینده صنعت جهان را شکل می‌دهند؛ روندهایی که شناخت آن‌ها برای مدیران صنعتی، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ رقابت‌پذیری در سال‌های آینده است.

پایان عصر فروش محصول؛ آغاز عصر فروش «نتیجه»

برای دهه‌ها، موفقیت شرکت‌های صنعتی با تعداد محصولات یا به فروش می‌رسانند سنجیده می‌شد، اما این معیار در حال تغییر است. بسیاری از غول‌های صنعتی جهان دریافته‌اند که سودآورترین مدل کسب‌وکار، فروش یک دستگاه یا ماشین‌آلات نیست، بلکه فروش «نتیجه» و «عملکرد» است.

این رویکرد که با عنوان Servitization شناخته می‌شود، رابطه میان تولیدکننده و مشتری را متحول کرده است. در این مدل، مشتری به جای خرید صرف یک تجهیز، بابت عملکرد آن هزینه پرداخت می‌کند. به عنوان نمونه، برخی تولیدکنندگان موتور هواپیما هزینه خدمات خود را بر اساس ساعت کارکرد موتور دریافت می‌کنند و مسئولیت تعمیر، نگهداری، پایش و تضمین عملکرد آن را نیز بر عهده می‌گیرند.

مزیت این مدل، ایجاد درآمدهای پایدار و بلندمدت برای تولیدکننده و کاهش هزینه‌ها و ریسک عملیاتی برای مشتری است. به همین دلیل شرکت‌هایی مانند زیمنس، اشنایدر الکتریک، کاترپیلار و رولزرویس، امروز بخش قابل توجهی از درآمد خود را نه از فروش تجهیزات، بلکه از خدمات هوشمند، قراردادهای نگهداری و تحلیل داده کسب می‌کنند.

پیام این تحول برای صنایع ایران روشن است؛ در آینده، مزیت رقابتی تنها به کیفیت محصول وابسته نخواهد بود، بلکه کیفیت خدمات پس از فروش، پشتیبانی هوشمند و ارتباط مستمر با مشتری، عامل اصلی تمایز بنگاه‌های صنعتی خواهد بود.

NAMAD EGHTESAD

برابر نوسانات بازار تقویت می‌کند. با افزایش قیمت مواد اولیه، محدودیت منابع طبیعی و سخت‌گیرانه‌تر شدن استانداردهای زیست‌محیطی، اقتصاد چرخشی دیگر یک انتخاب داوطلبانه نیست؛ بلکه به ضرورتی راهبردی برای بنگاه‌های صنعتی تبدیل شده است.

جمع‌بندی

صنعت جهان وارد مرحله‌ای شده است که مزیت رقابتی دیگر تنها در افزایش ظرفیت تولید یا کاهش قیمت تمام‌شده خلاصه نمی‌شود. خدمات هوشمند، دوقلوهای دیجیتال، داده، هوش مصنوعی، رباتیک و اقتصاد چرخشی، ستون‌های اصلی کارخانه‌های نسل آینده را شکل داده‌اند و مسیر توسعه صنعتی را بازتعریف کرده‌اند. برای صنایع ایران نیز این تحولات صرفاً مفاهیمی دانش‌گاهی یا فناوری‌هایی دور از دسترس نیستند؛ بلکه نقشه راهی برای ارتقای بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری، توسعه صادرات و حتی تضمین بقای بنگاه‌های صنعتی در دهه پیش‌رو به شمار می‌روند. پرسش اصلی دیگر این نیست که این فناوری‌ها چه زمانی وارد صنعت ایران خواهند شد؛ بلکه این است که کدام مدیران و کدام بنگاه‌ها زودتر خود را با این موج جهانی هماهنگ خواهند کرد و چه کسانی، در صورت بی‌توجهی به این تغییرات، از رقابت آینده بازخواهند ماند.

کارخانه تاریک؛ وقتی ربات‌ها شبیفت شب را بر عهده می‌گیرند

کارخانه تاریک» شاید در نگاه نخست مفهومی عجیب به نظر برسد، اما امروز یکی از جدی‌ترین روندهای صنعت جهان است.

در این کارخانه‌ها، بخش عمده فرآیند تولید توسط ربات‌ها، سامانه‌های هوشمند و تجهیزات خودکار انجام می‌شود؛ به گونه‌ای که در برخی بخش‌ها حتی نیازی به حضور دائمی نیروی انسانی یا روشن بودن چراغ‌ها وجود ندارد.

هدف از این تحول، حذف نیروی انسانی نیست؛ بلکه واگذاری فعالیت‌های تکراری، سنگین و پرخطر به ماشین‌هاست تا سرمایه انسانی بتواند بر مدیریت، نوآوری، طراحی و تصمیم‌سازی تمرکز کند.

چین، ژاپن، کره جنوبی و آلمان سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در این حوزه انجام داده‌اند، زیرا اتوماسیون پیشرفته، بهره‌وری را افزایش می‌دهد، خطای انسانی را کاهش می‌دهد و استمرار تولید را تضمین می‌کند.

اقتصاد چرخشی؛ سودآوری از دل ضایعات

تا چند سال پیش، ضایعات صنعتی صرفاً هزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شد، اما امروز بسیاری از صنایع پیشرفته جهان آن را به منبعی برای خلق ارزش تبدیل کرده‌اند. در الگوی اقتصاد چرخشی، Circular Economy مواد اولیه، قطعات، آب، انرژی و حتی محصولات مستعمل دوباره وارد چرخه تولید می‌شوند. این رویکرد علاوه بر کاهش هزینه‌ها و وابستگی به منابع اولیه، بهره‌وری اقتصادی را افزایش داده و تاب‌آوری صنایع را در

شرکت فولاد خوزستان

در بالا ترین سطح تعالی کشور

AT THE HIGHEST LEVEL IN THE COUNTRY

موفق ترین شرکت در بومی سازی فناوری صنعت فولاد کشور

تنها فولاد ساز دریافت کننده تندیس طلایی
رعایت حقوق مصرف کنندگان در ۵ سال متوالی

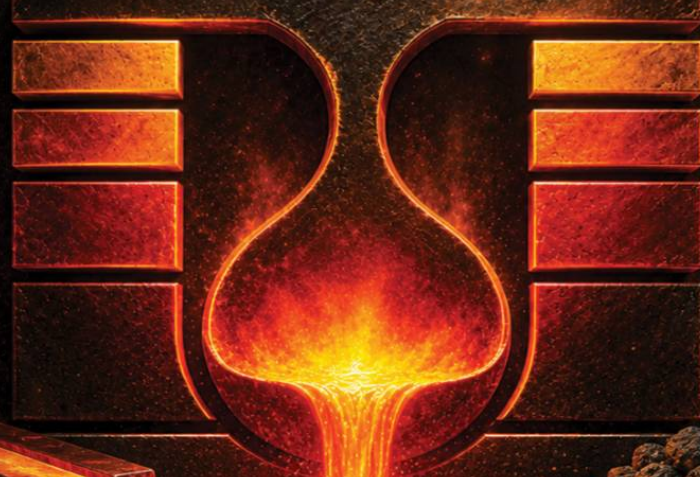
برنده تندیس زرین
جایزه ملی تعالی سازمانی

برنده تندیس
صادر کننده نمونه کشور



WWW.KSC.IR

اقتدار از ریشه می روید



SHADEGAN STEEL INDUSTRY Co.



SSIC

شرکت صنعت فولاد شادگان

SHADEGAN STEEL INDUSTRY Co.

www.ssico.ir

☎ ۰۶۱) ۵۲۲۲۷۹۱۵-۷
✉ info@ssico.ir

☎ ۰۲۱) ۸۸۰۵۵۲۸۵
☎ ۰۶۱) ۵۲۲۳۸۸۸۶

استان خوزستان، کیلومتر ۱۰، اتوبان سریشدره آبادان،
شرکت صنعت فولاد شادگان

www.goharzamin.com



goharzamin.co

گهر زمین؛ ستون استوار توسعه ایران زمین

The solid pillar of Iran's development



G O H A R Z A M I N



شرکت معدنی و صنعتی گهر زمین
Goharzamin Mining and Industrial Company
روابط عمومی و امور بین الملل



شرکت جہان فولاد سیجان (سهامی عام)

Sirjan Jahan Steel Company (SJSco)

روابط عمومی و امور بین الملل

صنعت و معدن پیشران اقتصاد ملی

وایت ملت
وحدت ملت
در سایه ملت
اقتصاد مقاوم



۱۰ تیر ماه، روز صنعت و معدن
بر تلاشگران این عرصه گرمی باد

فراخوان مزایده عمومی

معادن و محدوده‌های معدنی منطقه آزاد ماکو

سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی ماکو در نظر دارد با استناد بند ۲۳ مصوبه هیات مدیره در خصوص مزایده معادن و محدوده‌های معدنی منطقه به شماره‌های سیستمی ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.

شماره سیستمی سامانه	تعداد	عنوان فراخوان
۵۰۰۵۰۹۴۶۶۷۰۰۰۰۷	۴	مزایده عمومی درخواست‌های اکتشاف منطقه آزاد ماکو نوبت اول ۱۴۰۵
۵۰۰۵۰۹۴۶۶۷۰۰۰۰۱۱	۲۸	مزایده عمومی پروانه‌های بهره‌برداری منطقه آزاد ماکو نوبت اول ۱۴۰۵
۵۰۰۵۰۹۴۶۶۷۰۰۰۰۰۸	۵	مزایده عمومی گواهی کشف منطقه آزاد ماکو نوبت اول ۱۴۰۵
۵۰۰۵۰۹۴۶۶۷۰۰۰۰۱۰	۲۴	مزایده عمومی پروانه‌های اکتشاف منطقه آزاد ماکو نوبت اول ۱۴۰۵
۵۰۰۵۰۹۴۶۶۷۰۰۰۰۰۹	۲	مزایده عمومی محدوده‌های مجوز برداشت منطقه آزاد ماکو نوبت اول ۱۴۰۵

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگذاری پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس
www.setadiran.ir انجام خواهد شد.



ستاد
سامانه تدارکات
الکترونیکی دولت

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مدیر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.



تاریخ اعلام
به برنده
۱۴۰۵/۰۵/۳۱
ساعت ۱۲:۰۰



زمان بازگشایی
پاکت‌ها
۱۴۰۵/۰۵/۲۷
ساعت ۱۲:۰۰



مهلت ارسال
پیشنهادهای
۱۴۰۵/۰۵/۲۴
ساعت ۱۸:۰۰



مهلت دریافت
اسناد فراخوان
۱۴۰۵/۰۵/۱۴
ساعت ۱۸:۰۰

موارد زمانی



تاریخ انتشار فراخوان
۱۴۰۵/۰۴/۲۹
ساعت ۱۲:۰۰

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است:

- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرایده مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت د، مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران، محترم، از طریق قریق امکان پذیر می‌باشد.
- کلیه اطلاعات در هر مرحله از طریق سامانه خریدند قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.
- علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) اقدام نمایند.
- اطلاعات تماس دفتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (setadiran.ir) بخش "ثبت نام پروفایل مزایده‌گر" موجود است.



www.setadiran.ir
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:
سازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی ماکو
۴۱۴-۳۱۰۰-۰۰ داخلی ۴۱۴
آقایی امجد

۱.....	پیشگفتار
۲.....	ورود فاز نخست نیروگاه ۵۲۰ مگاواتی فولاد خوزستان به مدار تولید
۴.....	تأمین مالی غیرتورمی، محور حمایت از تولید و سرمایه گذاری است
۶.....	روایت عبور از بانکداری سنتی به درآمدزایی پایدار
۸.....	پایداری تولید و توسعه را هدف گذاری کرده ایم
۱۳.....	Digital Transformation in Healthcare
۱۴.....	معدن نیازمند حمایت همه جانبه دولت است
۱۶.....	انزلی در مسیر تبدیل شدن به هاب تجارت شمال
۱۸.....	توسعه بدون صنعت ممکن نیست
۲۰.....	جنگ رمضان: آزمون برای سنجش تاب آوری صنعتی
۲۲.....	صنعت طلازیربار سیاست های نادرست به رکود رفت
۲۵.....	SYSTEMIC LEAP: CHINA'S
۲۶.....	تداوم رونق تولید و تثبیت درآمدهای عملیاتی
۲۸.....	چگونه جام جهانی اقتصاد مصرفی را دگرگون کرد؟
۳۰.....	راهکار کاهش آسیب صنایع و معادن از کمبود برق
۳۲.....	واسکو، پیشگام تأمین آب پایدار صنعت ایران
۳۳.....	برچم توسعه بردوش صنعت و معدن ایران
۳۴.....	تجهیزات پزشکی فرسوده تهدیدی جدی برای امنیت سایبری مراکز درمانی
۳۶.....	صنعت طلا در سال ۱۴۰۴ خوش درخشید
۳۸.....	صنعت و معدن رکن اساسی پیشرفت
۴۰.....	بحران نیروی کار در صنایع غذایی
۴۲.....	بزرگترین مانع هوش مصنوعی در ایران
۴۴.....	سر بلندی فولاد مبارکه در مدیریت بحران
۴۶.....	زنگ خطر برای آینده صنعت تجهیزات پزشکی
۴۸.....	نقره چگونه از زیر سایه طلا بیرون آمد؟
۵۰.....	صنعت فولاد نماد خودباوری و توسعه صنعتی
۵۲.....	نفوذ مویرگی چین در صنعت خودروسازی جهان
۵۴.....	آینده صنعت نفت و گاز بریتانیا
۵۶.....	فولاد صنعت پنبه بازیگر کلیدی در بازار مقاطع طولی فولادی کشور
۵۸.....	لبنیات ارگانیک به سبد خرید مصرف کنندگان افزوده می شود
۶۰.....	خاورمیانه در مسیر ساخت و ساز هوشمند
۶۳.....	CHINA'S MANUFACTURING BOOM
۶۴.....	صنعت توربیسیم به سمت گردشگری فناورانه
۶۶.....	منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس پیشگام خلق ارزش در اقتصاد ایران



صاحب امتیاز: ساناز آهنگران

مدیر مسئول: حامد قراهانی

معاون توسعه بازار: یاسمن عباسی

مدیر هنری: امیرحسین رئوفی

مدیر شبکه های اجتماعی: میثاق احمدی

مدیر بازرگانی: شیوا تدین پور

اعضای تحریریه:

یگانه بختیاری

محمدرضا طارمی

حسین امیری

نسترن کاظمی

مهسا کاظمی

آدرس:

تهران، خیابان بهشتی، ابتدای مفتوح شمالی
پلاک ۴۴۲، واحد ۵

تلفن:

۰۲۱-۸۸۵۳۱۸۸-۹۰

سایت:

namadeghtesad.ir

ایمیل:

info@namadeghtesad.ir

تلگرام:

t.me/Namad_Eghtesad

بله:

@Namad_Eghtesad

اینستاگرام:

namadeghtesad

نماد اقتصاد

پیش‌گفتار

هر تمدن بزرگ، بر ستون‌هایی استوار شده که کمتر دیده می‌شوند؛ ستون‌هایی که در اعماق زمین ریشه دارند و در دل کارخانه‌ها جان می‌گیرند. از دل معدن، ثروت متولد می‌شود و در بساطت صنعت، این ثروت به ارزش، اشتغال، نوآوری و توسعه تبدیل می‌شود. تاریخ پیشرفت ملت‌ها نیز گواهی روشن بر این حقیقت است که هیچ کشوری بدون تکیه بر توان صنعتی و بهره‌برداری هوشمندانه از منابع معدنی، مسیر توسعه پایدار را با موفقیت طی نکرده است.

روز صنعت و معدن، تنها یک مناسبت در تقویم نیست؛ فرصتی است برای پاسداشت انسان‌هایی که با دانش، تخصص، جسارت و پشتکار، چرخ تولید را به حرکت درمی‌آورند و آینده‌ای روشن‌تر برای ایران می‌سازند. از مهندسان و کارگران معادن گرفته تا مدیران، پژوهشگران، کارآفرینان و فعالان صنایع کوچک و بزرگ، همگی حلقه‌های زنجیره‌ای هستند که شکوفایی اقتصاد ملی بر دوش آنان استوار است.

امروز، بیش از هر زمان دیگری، صنعت و معدن در نقطه تلاقی فرصت‌ها و چالش‌ها قرار گرفته‌اند. تحولات فناوری، انقلاب هوش مصنوعی، توسعه اقتصاد دیجیتال، الزامات زیست‌محیطی، رقابت‌های جهانی و تغییر الگوهای تولید، چشم‌اندازی تازه پیش روی این دو حوزه گشوده است. در چنین شرایطی، آنچه می‌تواند مسیر آینده را روشن‌تر کند، گفت‌وگو، هم‌اندیشی، انتقال تجربه و روایت موفقیت‌ها و دغدغه‌های فعالان این عرصه است.

این ویژه‌نامه، با همین نگاه متولد شده است؛ نگاهی که صنعت و معدن را نه صرفاً به عنوان بخش‌هایی از اقتصاد، بلکه به عنوان موتور محرک توسعه، نوآوری و اقتدار ملی می‌بیند. هدف ما از انتشار این مجموعه، ایجاد بستری برای معرفی ظرفیت‌ها، بازتاب دستاوردها، بررسی چالش‌ها و ترسیم افق‌های پیش رو است؛ افقی که در آن دانش، فناوری، سرمایه انسانی و همدلی، مسیر پیشرفت را هموارتر می‌کنند.

در این ویژه‌نامه تلاش کرده‌ایم تا تصویری جامع از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و دغدغه‌های حوزه صنعت و معدن ارائه دهیم؛ از روایت موفقیت بنگاه‌های تولیدی و پروژه‌های معدنی گرفته تا بررسی چالش‌های سرمایه‌گذاری، فناوری، صادرات، تأمین مالی و توسعه پایدار.

امید داریم که این مجموعه، علاوه بر ثبت بخشی از تلاش‌های ارزشمند فعالان این عرصه، زمینه‌ساز گفت‌وگوهای سازنده و تصمیم‌های مؤثر برای آینده باشد.

بی‌تردید، مسیر توسعه ایران از کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، معادن، مراکز تحقیقاتی و ذهن‌های خلاق عبور می‌کند که هر روز با امید، دانش و اراده، ارزش می‌آفرینند. رسالت ما نیز روایت همین تلاش‌ها، شنیدن صدای تولید و انعکاس ظرفیت‌هایی است که می‌توانند آینده‌ای قدرتمندتر برای کشور رقم بزنند.

در پایان، این ویژه‌نامه را به تمامی تلاشگران صنعت و معدن ایران تقدیم می‌کنیم؛ آنان که با دستانی توانمند، اندیشه‌ای خلاق و عزمی استوار، بنیان‌های اقتصاد ملی را استحکام می‌بخشند و چراغ امید را در مسیر پیشرفت این سرزمین روشن نگه می‌دارند.

مدیرعامل فولادخوزستان خبر داد؛ ورود فاز نخست نیروگاه ۵۲۰ مگاواتی فولادخوزستان به مدار تولید



در شرایطی که پایداری شبکه برق به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های صنعت کشور، به ویژه در استان خوزستان تبدیل شده است، صنایع بزرگ با سرمایه‌گذاری در توسعه نیروگاه‌های اختصاصی، نقش پررنگ‌تری در تأمین برق مورد نیاز خود و کاهش فشار بر شبکه سراسری ایفا می‌کنند.

صنعت فولاد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی، بیش از هر بخش دیگری به تأمین پایدار برق وابسته است و هرگونه محدودیت در این حوزه می‌تواند مستقیماً بر میزان تولید، صادرات و اشتغال اثر بگذارد. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با افزایش مصرف برق و تشدید ناترازی تولید و مصرف در کشور، توسعه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و تجدیدپذیر در دستور کار صنایع بزرگ قرار گرفته است.

فولاد خوزستان نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد کشور، با اجرای پروژه‌های نیروگاهی تلاش کرده است ضمن تأمین برق مورد نیاز خود، سهمی در تقویت پایداری شبکه برق استان و کشور داشته باشد.

در این راستا امین ابراهیمی مدیرعامل فولاد خوزستان در گفت‌وگو با خبرنگار **نما اقتصاد** با اشاره به روند اجرای پروژه‌های نیروگاهی این شرکت اعلام کرد: فاز نخست نیروگاه ۵۲۰ مگاواتی وارد مدار تولید شده و هم‌اکنون بخشی از برق مورد نیاز شبکه را تأمین می‌کند.

ابراهیمی از پیشرفت پروژه‌های نیروگاهی این شرکت خبر داد و گفت: فاز نخست نیروگاه ۵۲۰ مگاواتی فولاد خوزستان وارد مدار تولید شده و هم‌اکنون بین ۱۴۰ تا ۱۶۰ مگاوات برق به شبکه تزریق می‌کند.

وی با اشاره به اهمیت تأمین برق برای استان خوزستان و صنایع بزرگ اظهار کرد: در شرایط فعلی، تأمین پایدار برق یکی از مهم‌ترین نیازهای استان است و فولاد خوزستان با اجرای پروژه‌های نیروگاهی تلاش کرده است علاوه بر تأمین برق مورد نیاز خود، به پایداری شبکه برق کشور نیز کمک کند.

مدیرعامل فولاد خوزستان افزود: فاز دوم نیروگاه در حال انجام عملیات سنکرون‌سازی است و حداکثر تا یک هفته آینده وارد مدار تولید خواهد شد.





با بهره‌برداری از این بخش، مجموع برق تولیدی این نیروگاه تا پایان ماه به حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ مگاوات خواهد رسید. ابراهیمی ادامه داد: بخش سیکل ترکیبی این نیروگاه نیز در دست اجراست و طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده تا پایان سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد که با راه‌اندازی آن، ظرفیت تولید و راندمان نیروگاه افزایش قابل توجهی خواهد یافت.

وی همچنین از اجرای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر در این شرکت خبر داد و گفت: سه نیروگاه خورشیدی در برنامه توسعه فولاد خوزستان قرار دارد که فاز نخست آن با ظرفیت ۲۰۰ مگاوات تا مهرماه امسال وارد مدار خواهد شد.

مدیرعامل فولاد خوزستان با اشاره به برنامه این شرکت برای خودکفایی در تأمین برق اظهار داشت: هدف‌گذاری ما این است که تا پایان سال، وابستگی فولاد خوزستان به شبکه برق سراسری به صفر برسد و برق مورد نیاز مجموعه را از نیروگاه‌های اختصاصی تأمین کنیم.

ابراهیمی خاطر نشان کرد: در حال حاضر بخش عمده برق مصرفی مجموعه از طریق تولید داخلی تأمین می‌شود و با تکمیل پروژه‌های نیروگاهی، نیاز به دریافت برق از شبکه سراسری به حداقل خواهد رسید؛ موضوعی که علاوه بر تضمین استمرار تولید، به کاهش فشار بر شبکه برق استان خوزستان نیز کمک خواهد کرد.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد با تکمیل این پروژه‌ها، فولاد خوزستان بتواند نقش مؤثرتری در تأمین انرژی صنعت و توسعه اقتصادی استان ایفا کند.



نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: تأمین مالی غیرتورمی، محور حمایت از تولید و سرمایه گذاری است



روز صنعت و معدن فرصتی برای بازخوانی ظرفیت‌ها، چالش‌ها و الزامات توسعه اقتصادی کشور است؛ روزی که توجه افکار عمومی و مسئولان بیش از هر زمان دیگری به نقش صنایع تولیدی و بخش معدن در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای ملی معطوف می‌شود. ایران با برخورداری از منابع عظیم معدنی، نیروی انسانی متخصص، موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب و ظرفیت‌های گسترده صنعتی، از جمله کشورهایی است که می‌تواند سهم قابل توجهی در زنجیره ارزش جهانی داشته باشد. با این حال، فعالان اقتصادی سال‌هاست با مشکلاتی همچون محدودیت‌های تأمین مالی، دشواری دسترسی به سرمایه در گردش، بروکراسی اداری، ناترازی‌های انرژی و برخی موانع قانونی مواجه هستند. در چنین شرایطی، اصلاح ساختارهای تأمین مالی و تسهیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد، به یکی از مهم‌ترین مطالبات صنعتگران و معدن‌کاران تبدیل شده است. کارشناسان معتقدند بدون ایجاد مسیرهای متنوع برای جذب سرمایه و حمایت از تولیدکنندگان، دستیابی به رشد پایدار اقتصادی و جهش تولید با دشواری همراه خواهد بود.



استفاده از ابزارهای نوین مالی

نایب رئیس دوم کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: در این طرح، ابزارهایی همچون بدهی ریالی با بازپرداخت ارزی یا ریالی، اوراق بدهی قابل تبدیل و گواهی‌های سپرده کالایی مورد توجه قرار گرفته است. این ابزارها ضمن افزایش انعطاف‌پذیری نظام مالی، امکان دسترسی فعالان اقتصادی به منابع متنوع را فراهم می‌کند. قدری همچنین از پیش‌بینی اختیارات بیشتر برای بانک‌ها در چارچوب ضوابط قانونی خبر داد و گفت: مجلس هم‌زمان در حال تکمیل قوانین مرتبط با نظام بانکی و بانک مرکزی است تا موانع قانونی موجود برطرف شده و فرآیند تأمین مالی تولید تسهیل شود.

راهکار فوری برای نجات تولید

نایب رئیس دوم کمیسیون اقتصادی مجلس در پاسخ به این پرسش که اگر قرار باشد یک اقدام فوری برای نجات تولید در شرایط فعلی انجام شود، چه باید کرد؟ گفت: مهم‌ترین اولویت، اجرای کامل ابزارهای جدید تأمین مالی و تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به منابع مالی است. قدری خاطرنشان کرد: اگر دولت بتواند ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در قانون تأمین مالی را به‌طور کامل اجرایی کند، بخش مهمی از مشکلات تولیدکنندگان برطرف خواهد شد و این موضوع می‌تواند تأثیر قابل توجهی در رونق تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار کشور داشته باشد. در پایان، قدری ابراز امیدواری کرد با همکاری دولت، مجلس و بخش خصوصی، زمینه برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از ظرفیت‌های صنعتی و معدنی کشور فراهم شده و مسیر رشد اقتصادی پایدار هموار شود.

به مناسبت روز صنعت و معدن، گفت‌وگویی با جعفر قادری، نایب رئیس دوم کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، انجام داده‌ایم تا دیدگاه‌های وی درباره برنامه‌های مجلس برای حمایت از تولید، افزایش رقابت‌پذیری صنایع، جذب سرمایه‌گذاری در معادن و راهکارهای فوری برای حل مشکلات بخش تولید را جویا شویم.

تأمین مالی؛ محور اصلی حمایت از تولید

جعفر قادری با اشاره به اقدامات مجلس در حوزه حمایت از تولید و کاهش هزینه‌های صنایع اظهار کرد: طرح‌های متعددی در مجلس برای تکمیل نظام تأمین مالی کشور در دست بررسی است. به گفته وی، قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها که مشتمل بر حدود ۸۰ تا ۹۰ ماده است، با هدف ایجاد مسیریهای جدید تأمین سرمایه برای بخش تولید تدوین شده و مجلس تلاش دارد ابعاد آن را هرچه کامل‌تر کند. وی افزود: در این قانون از ظرفیت بازار سرمایه، مولدسازی دارایی‌ها و ابزارهای نوین مالی استفاده شده است. همچنین روش‌های جدیدی برای تأمین مالی غیرتورمی پیش‌بینی شده که می‌تواند به بنگاه‌های اقتصادی در تأمین منابع مورد نیاز کمک کند.

ایران؛ بهشت معادن و نیازمند سرمایه‌گذاری

وی درباره الزامات جذب سرمایه‌گذاری در بخش معدن نیز اظهار داشت: ایران از ظرفیت‌های کم‌نظیری در حوزه معدن برخوردار است و می‌توان آن را بهشت معادن نامید. برای بهره‌برداری از این ظرفیت عظیم، باید زمینه‌های قانونی لازم برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی فراهم شود. قدری تصریح کرد: در قانون تأمین مالی، منابع متعددی برای سرمایه‌گذاری در بخش معدن پیش‌بینی شده و امکان استفاده از روش‌های مشارکتی و همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی نیز مورد توجه قرار گرفته است. این اقدامات می‌تواند مسیر ورود سرمایه به طرح‌های معدنی را هموارتر کند.

بانک گردشگری TOURISM BANK

بانک گردشگری؛ روایت عبور از بانکداری سنتی به درآمدزایی پایدار

در نظام بانکی امروز، صرف افزایش حجم منابع یا رشد دارایی‌ها دیگر معیار اصلی ارزیابی عملکرد بانک‌ها نیست؛ آنچه بیش از هر شاخص دیگری مورد توجه سهامداران، تحلیلگران و فعالان اقتصادی قرار دارد، کیفیت درآمد‌ها، پایداری سودآوری و توان بانک در خلق جریان‌های درآمدی متنوع است.

از همین منظر، صورت‌های مالی حسابرسی‌شده ۱۲ ماهه بانک گردشگری منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴، تصویری از بانکی ارائه می‌دهد که طی یک سال گذشته تلاش کرده با تمرکز بر توسعه فعالیت‌های عملیاتی، تقویت خدمات بانکی و افزایش سهم درآمد‌های مولد، مسیر تازه‌ای در عملکرد خود ترسیم کند.

نگاهی به ارقام منتشر شده نشان می‌دهد مهم‌ترین اتفاق در عملکرد سال ۱۴۰۴، شتاب گرفتن موتور درآمدزایی بانک گردشگری بوده است؛ موضوعی که در اغلب سرفصل‌های درآمدی بانک قابل مشاهده است و از تغییر رویکرد عملیاتی این مجموعه حکایت دارد.

جهش درآمد عملیاتی تصویری روشن از تقویت فعالیت‌های بانکی

نتیجه این رشد در بخش‌های مختلف درآمدی، در نهایت در درآمد عملیاتی بانک نیز منعکس شده است. بر اساس صورت‌های مالی، درآمد عملیاتی بانک گردشگری با رشد ۱۰۶ درصدی نسبت به سال گذشته از حدود سیصد و پانزده میلیون ریال به بیش از ششصد و چهل و نه میلیون ریال رسیده است.

درآمد عملیاتی، مهم‌ترین شاخص سنجش عملکرد واقعی یک بانک به شمار می‌رود؛ چراکه بیانگر درآمد حاصل از فعالیت‌های اصلی بانک است و رشد آن نشان می‌دهد عملیات بانکداری در مسیر توسعه قرار گرفته است.

این افزایش قابل توجه را می‌توان نشانه‌ای از فعال‌تر شدن شبکه درآمدی بانک گردشگری و ارتقای ظرفیت درآمدزایی آن دانست؛ موضوعی که در فضای رقابتی صنعت بانکداری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

توسعه فعالیت‌های اعتباری محرك اصلی رشد درآمد

یکی از برجسته‌ترین نکات صورت‌های مالی بانک گردشگری، رشد قابل توجه درآمد حاصل از تسهیلات اعطایی است. این درآمد با رشد ۱۱۲ درصدی نسبت به سال قبل، از حدود ۶۳۰ هزار میلیارد ریال به نزدیک ۹۳۸ هزار میلیارد ریال رسیده است.

درآمد تسهیلات اعطایی مهم‌ترین منبع درآمدی بانک‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا این بخش مستقیماً نشان‌دهنده میزان فعالیت بانک در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، حمایت از تولید و ارائه خدمات اعتباری به مشتریان است.

رشد بیش از دو برابری این شاخص نشان می‌دهد بانک گردشگری طی سال گذشته توانسته ضمن توسعه پرتفوی اعتباری خود، بهره‌وری بیشتری از منابع تجهیزشده ایجاد کند. افزایش سهم درآمد‌های تسهیلاتی همچنین بیانگر آن است که بانک در مسیر گسترش بازار هدف، افزایش تعامل با مشتریان و استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های عملیاتی خود حرکت کرده است.

TOURISM BANK

مدیریت فعال سرمایه گذاری ها در بانک گردشگری

صورت های مالی همچنین از بهبود عملکرد بانک در بخش سرمایه گذاری حکایت دارد. سود حاصل از سرمایه گذاری در سهام و سایر اوراق بهادار رشد چند برابری را تجربه کرده و درآمد سرمایه گذاری در اوراق بدهی نیز روندی افزایشی داشته است. این موضوع بیانگر آن است که بانک گردشگری علاوه بر تمرکز بر فعالیتهای بانکی، مدیریت پرتفوی سرمایه گذاری خود را نیز با رویکردی فعال دنبال کرده و از فرصت های بازار سرمایه برای ایجاد ارزش افزوده بهره گرفته است.

درآمدهای رو به رشد نتیجه یک استراتژی عملیاتی

اگرچه افزایش نرخ های سود در بازار پول موجب افزایش هزینه تجهیز منابع برای تمامی بانک ها شده و بانک گردشگری نیز در این فضا با رشد هزینه سود سپرده ها مواجه بوده است، اما نکته قابل توجه آن است که سرعت رشد درآمد های عملیاتی از توسعه فعالیتهای بانک حکایت دارد. در واقع، صورت های مالی بانک گردشگری نشان می دهد بانک طی سال گذشته به جای اتکا به درآمدهای مقطعی، بر توسعه فعالیتهای اصلی خود متمرکز بوده و همین موضوع باعث شده اغلب شاخص های درآمدی با رشد قابل توجه همراه شوند. تحلیلگران بازار سرمایه بر این باورند که استمرار روند رشد درآمد های تسهیلاتی، توسعه خدمات مالی، افزایش سهم درآمدهای غیرمشاع و مدیریت بهینه منابع، می تواند زمینه ارتقای سودآوری بانک گردشگری را در دوره های آتی فراهم کند. حرکت به سمت بانکداری دیجیتال، توسعه خدمات نوین مالی، افزایش درآمدهای کارمزدی و تنوع بخشی به سبد درآمدها، از جمله محورهایی است که می تواند روند رو به رشد عملکرد عملیاتی بانک را تقویت کند.

جهش درآمد عملیاتی تصویری روشن از تقویت فعالیت های بانکی

یکی از مهم ترین روندهای بانکداری نوین در دنیا، کاهش وابستگی بانک ها به درآمدهای ناشی از سود تسهیلات و حرکت به سمت درآمدهای کارمزدی است. در همین راستا، بانک گردشگری نیز در سال ۱۴۰۴ عملکرد مثبتی در این حوزه ثبت کرده است؛ به گونه ای که درآمدهای کارمزدی بانک با رشد ۶۲ درصدی همراه شده است. رشد درآمدهای کارمزدی معمولاً حاصل توسعه خدمات الکترونیکی، افزایش تعداد مشتریان، گسترش خدمات پرداخت، صدور ضمانت نامه ها، خدمات ارزی، بانکداری دیجیتال و سایر خدمات مالی است. از نگاه کارشناسان، افزایش سهم درآمدهای کارمزدی، یکی از مهم ترین شاخص های ارتقای کیفیت درآمد بانک ها محسوب می شود؛ زیرا این درآمدها وابستگی کمتری به نوسانات نرخ سود دارند و از پایداری بیشتری برخوردارند.

عملکرد قابل توجه در حوزه مبادلات ارزی

یکی دیگر از بخش هایی که در صورت های مالی بانک گردشگری مورد توجه قرار گرفته، درآمد حاصل از مبادلات و معاملات ارزی است. این بخش با رشد ۱۴۵ درصدی نسبت به سال گذشته همراه بوده که نشان می دهد بانک توانسته از ظرفیتهای موجود در حوزه خدمات ارزی و تجارت خارجی استفاده مؤثرتری داشته باشد. در شرایطی که توسعه خدمات ارزی به یکی از مزیت های رقابتی بانک ها تبدیل شده، رشد این بخش جایگاه بانک گردشگری را در بازار خدمات مالی و تجاری تقویت کرده است.



مدیرعامل شرکت صنایع معدنی
فولاد سنگان عنوان کرد:

پایداری تولید و توسعه را هدف گذاری کرده ایم

مدیرعامل شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان گفت: تکمیل زنجیره ارزش، ارتقای ظرفیت های تولیدی، تقویت سرمایه انسانی و ایفای نقش موثرتر در اقتصاد منطقه ای و ملی، از اهداف راهبردی ما در دوره پسا جنگ است و معتقدیم این دوران علاوه بر چالش ها، فرصتی برای بازآرایی ساختاری، افزایش انسجام سازمانی و جهش بهره وری در صنعت کشور نیز خواهد بود.

آنچه امروز صنعت فولاد را به یکی از ستون های اقتصاد در ایران تبدیل کرده، نقش آفرینی آن به عنوان تامین کننده مواد اولیه مورد نیاز بسیاری از صنایع اعم از خودروسازی، ساختمان سازی، لوازم خانگی، نفت، گاز و پتروشیمی و همچنین رشد صادرات غیرنفتی بوده است. بر همین اساس صنعت فولاد را می توان شاه کلید شکوفایی و پیشرفت کشور طی یک دهه اخیر دانست که روزه روز بر اهمیت آن همگام با تشدید تحریم های ظالمانه اقتصادی افزوده شده است. توسعه بخش معدن و صنایع بالادستی فولاد اعم از تولید کنسنتره سنگ آهن و گندله را می توان مهر تابیدی در این راستا برشمرد. با توجه به اهمیت تامین پایدار خوراک در کارخانجات فولادی و از آنجایی که شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان به عنوان یکی از قطب های تولید کنسنتره سنگ آهن و گندله در کشور شناخته می شود، خبرنگار پایگاه خبری **نماد اقتصاد** گفت و گویی مفصل و خواندنی را با علی رسولیان، مدیرعامل شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان تدارک دیده است که متن کامل آن را در ادامه با یکدیگر خواهیم خواند:

شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان سال ۱۴۰۴ را چگونه سیری کرد و چه عملکردی از خود طی سه ماه نخست ۱۴۰۵ بر جای گذاشت؟

سال گذشته برای بخش صنعت و معدن کشور سال همراه با شرایط پیچیده و خاص بود. همچنین مجموعه ای از عوامل از جمله ناترازی در تامین انرژی، محدودیت های زیرساختی در حوزه حمل و نقل و برخی چالش های مرتبط با زنجیره تامین مواد اولیه، فضای فعالیت تولیدکنندگان را تحت تاثیر قرار داد و عملاً بخش قابل توجهی از فرآیندهای تولیدی کشور با این محدودیت ها مواجه بود. با این حال، ما در شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان تلاش کردیم با اتکا به برنامه ریزی دقیق عملیاتی، هماهنگی میان بخش های مختلف سازمان و مدیریت بهینه منابع، آثار این محدودیت ها را به حداقل برسانیم. خوشبختانه نتیجه این رویکرد در عملکرد تولیدی شرکت به خوبی قابل مشاهده است؛ به نحوی که در سال گذشته موفق شدیم بیش از چهار میلیون و ۱۲۵ هزار تن گندله و حدود چهار میلیون و ۱۳۰ هزار تن کنسنتره سنگ آهن تولید کنیم. دستیابی به این میزان تولید در شرایطی که صنعت با محدودیت های متعدد انرژی و لجستیکی مواجه بود، نشان دهنده ظرفیت فنی، توان مدیریتی و انسجام سازمانی موجود در مجموعه فولاد سنگان است. در سال جاری نیز با توجه به تداوم برخی شرایط خاص و همچنین پیامدهای ناشی از جنگ ۴۰ روزه، تلاش کردیم رویکرد برنامه ریزی خود را منعطف تر طراحی کنیم. بر همین اساس برنامه تولید سال ۱۴۰۵ در دو سطح کوتاه مدت و بلندمدت تدوین شد؛ به گونه ای که در گام نخست یک برنامه عملیاتی سه ماهه تعریف شد تا بتوانیم متناسب با شرایط خاص حاکم بر کشور، تصمیم گیری های سریع تر و دقیق تری داشته باشیم و در ادامه نیز برنامه سالانه با همین رویکرد تکمیل و اجرا شود. براساس این برنامه ریزی، در سه ماهه نخست سال جاری نیز روند تولید با پایداری مناسب ادامه یافت و توانستیم ۹۶ درصد برنامه عملیاتی تولید گندله را محقق کنیم. این موضوع نشان می دهد که با وجود پیچیدگی های محیطی، با مدیریت منسجم و نگاه برنامه محور می توان روند تولید را پایدار نگه داشت و مسیر توسعه صنعت را ادامه داد.

این شرکت بزرگ صنعتی و معدنی چه مسیر و اهدافی را در روزهای پسا جنگ دنبال می کند؟

در شرایط پسا جنگ، رویکرد شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان مبتنی بر سه محور اصلی پایداری تولید، افزایش تاب آوری و توسعه هدفمند تعریف شده است. نخستین اولویت ما، تثبیت و استمرار تولید در سطوح برنامه ریزی شده است. تجربه ماه های اخیر نشان داد که در محیط های پرریسک، مزیت رقابتی بنگاه های صنعتی در میزان آمادگی عملیاتی، انعطاف پذیری ساختاری و سرعت تصمیم گیری نهفته است. از این رو، بازطراحی سناریوهای تولید، مدیریت هوشمند مصرف انرژی، تنوع بخشی به مسیرهای تامین مواد اولیه در دستور کار قرار گرفته است تا ریسک های ناشی از ناترازی انرژی و اختلالات احتمالی زنجیره تامین به حداقل برسد. در گام دوم، تمرکز ما بر ارتقای بهره وری و کاهش هزینه های تمام شده است. اجرای پروژه های بهبود فرآیند، توسعه سیستم های پایش دیجیتال، افزایش راندمان تجهیزات و بهینه سازی مصرف آب و انرژی، بخشی از برنامه های عملیاتی شرکت در این دوره خواهد بود. هدف ما حرکت به سمت تولید پایدار، رقابت پذیر و منطبق با استانداردهای روز صنعت معدن و فولاد است. در نهایت، مسیر توسعه ای شرکت با نگاه بلندمدت دنبال می شود. تکمیل زنجیره ارزش، ارتقای ظرفیت های تولیدی، تقویت سرمایه انسانی و ایفای نقش موثرتر در اقتصاد منطقه ای و ملی، از اهداف راهبردی فولاد سنگان در دوره پسا جنگ است. ما معتقدیم دوران پسا جنگ علاوه بر چالش ها، فرصتی برای بازآرایی ساختاری، افزایش انسجام سازمانی و جهش بهره وری در صنعت کشور نیز به شمار می رود و شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان با برنامه ریزی دقیق در مسیر تحقق این اهداف حرکت خواهد کرد.

در حال حاضر چه چالش ها و معضلاتی پیش روی مجموعه فولاد سنگان قرار دارد و چه اقداماتی با هدف رفع آن ها انجام شده است؟

صنعت فولاد و معدن کشور طی سال های اخیر با مجموعه ای از چالش های ساختاری و عملیاتی مواجه بوده و شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان نیز به عنوان یکی از حلقه های مهم زنجیره تامین فولاد کشور، از این شرایط مستثنی نبوده است. در حال حاضر مهم ترین چالش پیش روی مجموعه را می توان در چند محور اصلی شامل ناترازی در تامین انرژی، محدودیت های مرتبط با تامین پایدار سنگ آهن، مسائل زیرساختی در حوزه حمل و نقل و همچنین نوسانات محیط اقتصادی و عملیاتی کشور جمع بندی کرد. ناترازی انرژی به ویژه در حوزه برق و گاز، طی سال های اخیر به یکی از دغدغه های جدی صنایع معدنی و فولادی تبدیل شده است. این موضوع در مقاطعی منجر به محدودیت در برنامه های تولیدی می شود. از این رو ما در فولاد سنگان تلاش کرده ایم با اجرای برنامه های مدیریت مصرف انرژی، بهینه سازی فرآیندهای تولید، افزایش بهره وری تجهیزات و همچنین برنامه ریزی منعطف تولید، اثر این محدودیت ها را تا حد ممکن کنترل کنیم.

در حوزه تامین مواد اولیه نیز موضوع دسترسی پایدار به سنگ آهن از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین راستا، تقویت تعامل با معادن تامین کننده، برنامه ریزی بلندمدت برای تامین خوراک کارخانه و ایجاد هماهنگی بیشتر در زنجیره تامین، از اقداماتی بوده که در دستور کار شرکت قرار گرفته است. از سوی دیگر، محدودیت های زیرساختی در بخش حمل و نقل و لجستیک نیز یکی از چالش های مهم صنعت به شمار می رود؛ به ویژه در منطقه شرق کشور که توسعه زیرساخت های حمل و نقل ریلی و جاده ای نقش تعیین کننده ای در پایداری تولید دارد. شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان در این حوزه نیز با همکاری نهاد های مرتبط و پیگیری پروژه های زیرساختی، تلاش می کند بستری لازم برای تسهیل جابه جایی مواد اولیه و محصولات را فراهم کند اما توسعه زیرساخت های ریلی در این سطح، موضوعی ملی و حاکمیتی بوده و از توان شرکت های منطقه خارج است.

ارزیابی چنانچه ارزیابی از وضعیت بازار کنسانتره سنگ آهن و گندله در کشور چیست و چه اقداماتی می بایست با هدف رونق بازارهای داخلی و خارجی از سوی دولت و متولیان امر انجام شود؟

بازار کنسانتره سنگ آهن و گندله در کشور را باید در چارچوب تحولات زنجیره فولاد داخلی و همچنین روندهای بازار جهانی مواد اولیه فولاد ارزیابی کرد. طی سال های گذشته، سرمایه گذاری های قابل توجهی در بخش فرآوری سنگ آهن انجام شده و ظرفیت تولید کنسانتره و گندله در کشور افزایش یافته است اما تحلیل وضعیت کنونی و پتانسیل های در دسترس، حاکی از ناترازی در تولید کنسانتره برای سال های آینده است. این مسئله طبیعتاً ناترازی در تولید گندله و محصولات ابتدای زنجیره را نیز به همراه خواهد داشت که لازم است به طور جدی برای آن برنامه ریزی شود. در برخی مقاطع به دلیل عدم توسعه کاملاً متوازن حلقه های مختلف زنجیره، شاهد نوساناتی در تعادل عرضه و تقاضا در بازار داخلی بوده ایم. در بازار داخلی، استمرار تولید در واحدهای فولادسازی و احیای مستقیم و وابستگی مستقیمی به تامین پایدار کنسانتره و گندله دارد. با این حال، چالش هایی نظیر محدودیت های انرژی، نوسانات در تامین سنگ آهن و بعضاً

سیاست‌های مقطعی در حوزه قیمت‌گذاری یا تنظیم بازار می‌تواند بر پویایی این بازار اثرگذار باشد. در چنین شرایطی، ایجاد یک چارچوب سیاستی پایدار و مبتنی بر توسعه متوازن زنجیره فولاد، از الزامات اصلی برای افزایش کارایی این بخش محسوب می‌شود.

در بعد بین‌المللی نیز بازار سنگ‌آهن و محصولات میانی فولاد طی سال‌های اخیر تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نوسانات تقاضای چین به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده سنگ‌آهن جهان، تغییرات قیمت‌های جهانی، تحولات ژئواقتصادی و همچنین روندهای جدید در حوزه کاهش انتشار کربن در صنعت فولاد قرار داشته است. این تحولات موجب شده رقابت در بازارهای صادراتی کنسانتره و گندله فشرده‌تر شود و کشورهای که از زیرساخت‌های حمل‌ونقل کارآمد، دسترسی مناسب به بازارهای هدف و سیاست‌های صادراتی باثبات برخوردارند، مزیت بیشتری در این عرصه داشته باشند. به طور کلی روند قیمت محصولات فولادی و زنجیره تولید فولاد در بازارهای جهانی در این مدت کاهش یافته است. با توجه به ذخایر قابل توجه سنگ‌آهن در کشور و ظرفیت‌های ایجاد شده در بخش فرآوری، ایران این امکان را دارد که علاوه بر تأمین نیاز زنجیره داخلی فولاد، سهم موثرتری نیز در بازارهای منطقه‌ای ایفا کند. بازارهای پیرامونی در منطقه خاورمیانه، آسیای میانه و حتی برخی کشورهای جنوب و شرق آسیا می‌توانند مقاصد بالقوه‌ای برای صادرات محصولات میانی زنجیره فولاد باشند؛ مشروط بر آنکه بسترهای لازم برای حضور پایدار در این بازارها فراهم شود. در این میان، نقش سیاست‌گذاری و حمایت‌های هدفمند دولت، در کنار دیپلماسی اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. توسعه زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل، به ویژه در مناطق معدنی شرق کشور، ایجاد ثبات در مقررات صادراتی، تسهیل تعاملات مالی و تجاری با بازارهای هدف و همچنین حمایت از سرمایه‌گذاری در اکتشافات معدنی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به پویایی بیشتر بازار کنسانتره و گندله و تقویت جایگاه ایران در زنجیره جهانی فولاد کمک کند.

به طور کلی چشم‌انداز این بازار در کشور مثبت ارزیابی می‌شود؛ به ویژه اگر توسعه زنجیره فولاد با رویکردی متوازن، مبتنی بر مزیت‌های منطقه‌ای و همراه با تقویت زیرساخت‌ها و سیاست‌های پایدار دنبال شود. در چنین شرایطی، تولید کنسانتره و گندله می‌تواند علاوه بر پشتیبانی از تولید فولاد کشور، به یکی از محورهای مهم ارزش‌آفرینی و ارزش‌آوری در بخش معدن و صنایع معدنی تبدیل شود.

طرح‌های توسعه‌ای فولادسنگان در چه مرحله‌ای قرار دارند و چه تمهیداتی برای اجرا و تکمیل این طرح‌ها طراحی شده است؟

شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان از ابتدای فعالیت خود با رویکرد توسعه محور و با هدف ایفای نقش راهبردی در تکمیل زنجیره ارزش فولاد کشور شکل گرفته است. بر همین اساس، طرح‌های توسعه‌ای این مجموعه در چند محور اصلی شامل افزایش بهره‌وری خطوط تولید، تقویت زیرساخت‌های پشتیبان و ارتقای پایداری تولید تعریف و در مراحل مختلف اجرا قرار دارند. در حال حاضر تمرکز اصلی شرکت بر توسعه کمی و رشد کیفی محصولات کارخانه است. احداث کارخانه ۲٫۵ میلیون تنی کنسانتره هماتی، بزرگ‌ترین پروژه تولیدمحور حال حاضر شرکت است. طرح ارتقای ظرفیت زیر سقف گندله‌سازی به میزان ۲٫۵ میلیون تن، متناسب با افزایش ظرفیت تولید کنسانتره و با در نظر گرفتن نرخ تبدیل کنسانتره به گندله، تکمیل و احداث بارگِی‌خانه ریلی، سیستم اعلان و اطفای حریق هوشمند، انباشت مکانیزه باطله یا اسپریدر برای نخستین بار در خاورمیانه، طرح انتقال پساب شهر تایباد و احداث تصفیه‌خانه فاضلاب این شهر نیز از پروژه‌های توسعه‌ای شرکت هستند که عملیات اجرای آن‌ها ادامه دارد. همچنین، ارتقای عملکرد خطوط تولید کنسانتره و گندله، بهینه‌سازی فرآیندهای عملیاتی و افزایش ضریب آمادگی تجهیزات نیز از سایر مواردی است که شرکت در حال حاضر در دست اقدام دارد. در این راستا، پروژه‌هایی در حوزه بهبود و ارتقای سیستم‌های انتقال و انباشت مواد، توسعه سامانه‌های کنترل و اتوماسیون صنعتی و اجرای طرح‌های مرتبط با نگهداری و تعمیرات در دست اجراست. هدف از این اقدامات، افزایش راندمان تولید، کاهش توقفات اضطراری و ارتقای شاخص‌های بهره‌وری در سطح مجموعه است. لازم به ذکر است که ما به منظور اجرای موثر این طرح‌ها، مجموعه‌ای از تمهیدات مدیریتی و اجرایی در سطح شرکت را طراحی کرده‌ایم. از جمله مهم‌ترین این اقدامات می‌توان به استقرار نظام مدیریت پروژه، تدوین برنامه‌های زمان‌بندی دقیق، استفاده از ظرفیت پیمانکاران و شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی و تأمین مالی مرحله‌ای پروژه‌ها متناسب با اولویت‌های راهبردی اشاره کرد. همچنین تلاش شده است تعامل و هماهنگی لازم با نهادهای مرتبط و سایر حلقه‌های زنجیره فولاد کشور تقویت شود تا اجرای پروژه‌ها با حداکثر هم‌افزایی و حداقل چالش پیش برود.

در پایان در خصوص اقدامات شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی و حفظ محیط زیست توضیحاتی ارائه بفرمایید.

در کنار فعالیت‌های تولیدی و توسعه‌ای، فولاد سنگان همواره توجه ویژه‌ای به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و صیانت از محیط زیست داشته است. این مجموعه به عنوان یکی از صنایع بزرگ فعال در منطقه سنگان، خود را متعهد می‌داند که در کنار توسعه صنعتی، در مسیر توسعه پایدار منطقه نیز نقش‌آفرینی کند. در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی، فولاد سنگان تلاش کرده است با اجرای برنامه‌های حمایتی در حوزه‌های مختلف از جمله توسعه زیرساخت‌های محلی، حمایت از آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی بومی، مشارکت در پروژه‌های عمرانی و خدماتی و همچنین حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، سهم موثری در ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی در منطقه ایفا کند. رویکرد شرکت در این زمینه مبتنی بر ایجاد تعامل سازنده با جامعه محلی و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی منطقه بوده است. در حوزه محیط زیست نیز مجموعه فولاد سنگان اجرای استانداردهای زیست‌محیطی و کاهش اثرات فعالیت‌های صنعتی بر طبیعت را به عنوان یکی از اصول اساسی در برنامه‌های خود قرار داده است. استفاده از فناوری‌های بهینه در فرآیندهای تولید، مدیریت مصرف آب، کنترل و پایش آلاینده‌ها، توسعه فضای سبز صنعتی و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی از جمله اقداماتی است که با هدف حرکت به سمت تولید پایدار و سازگار با محیط زیست در این مجموعه دنبال می‌شود. احداث پارک مادر و کودک، توسعه بیمارستان خواب، ارتقای سرانه فضای آموزشی در قالب ۹ مدرسه و کلاس، احداث و افتتاح قطعه چهارم و بخشی از قطعه پنجم، پروژه چهار بانده کردن محور سنگان به تربت حیدریه، توسعه فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی، معین اقتصادی و معین مهارتی شهرستان خواب و پروژه‌های متعدد زیرساختی شهری و روستایی نظیر احداث پل‌های متعدد و بهسازی جاده‌های روستایی و ... از جمله اقدامات ما در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی بوده است. در مجموع، نگاه شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان به مسئولیت‌های اجتماعی و محیط زیستی صرفاً یک تعهد قانونی نیست بلکه بخشی از راهبرد کلان شرکت برای تحقق توسعه پایدار و ایجاد ارزش افزوده بلندمدت برای منطقه، صنعت و کشور به شمار می‌رود.

Sangan steel mineral industry Co.



تولیدکننده گندله و کنسانتره
با ظرفیت مجموعاً ۱۰ میلیون تن در سال



روابط عمومی شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان

تهران: میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم، بعد از تقاطع زاگرس، پلاک ۱۳
کدپستی: ۱۵۱۶۶۵۷۱۱۶
تلفن: ۸۸۶۴۱۳۴۹ - ۸۸۶۴۱۳۵۰
کارخانه: تلفن: ۰۵۱-۵۴۲۳۱۹۲۷
مشهد: تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۶۲۵۴۶
نمایر: تلفن: ۰۵۱-۵۴۲۳۱۹۲۸
۰۵۱-۳۷۶۶۴۴۰۲

www.sanganco.ir | admin@sanganco.ir | sanganfoolad | fooladsangan_smic

Digital Innovation Improves Healthcare Accessibility and Efficiency

Healthcare providers are now concentrating on technologies that help streamline clinical processes and provide more personalized patient care. The use of automation technologies for clinical documentation, intelligence systems for communications with patients, and predictive care management technologies is making physicians' work easier while increasing productivity.

There is also growing focus on cybersecurity, governance of data, and interoperability in the wake of greater amounts of data exchange via cloud-based platforms. This trend of investment in secure digital ecosystems will persist as healthcare organizations increasingly implement AI technologies and exchange cross-platform data.

Regional Markets Maintain Strong Investment Momentum

North America continued to be the largest regional market during 2025, accounting for an estimated 38.91% share of total revenue. United States contributed almost 85.4% of the regional revenue due to developed healthcare IT infrastructure, regulations, robust technological investments, and wide adoption of digital healthcare solutions. The revenue generated by the U.S. market stood at an estimated USD 28.03 billion in 2025 and is anticipated to increase up to almost USD 99.5 billion by 2035 at a CAGR of 13.45%.

Asia Pacific region will register the highest CAGR of 16.95% over 2025-2035 driven by continuous investment in digital healthcare infrastructure, artificial intelligence innovations, and interconnected healthcare systems. China contributed an estimated 40.6% of the revenues in the Asia Pacific region during 2025.

Europe continues advancing healthcare modernization through national digital health initiatives, with the United Kingdom contributing approximately 24.8% of regional revenues. The UAE represented 29.3% of Middle East & Africa revenues, while Brazil accounted for 43.8% of Latin American market revenue during 2025.

Industry Leaders Expand Digital Healthcare Capabilities

Competition across the digital healthcare landscape continues to intensify as major technology providers introduce advanced AI platforms, cloud-based healthcare infrastructure, and intelligent clinical workflow solutions. Strategic partnerships, product innovation, and expanding interoperability capabilities remain central to long-term competitive positioning.

Major companies operating in the global Digital Transformation in Healthcare Market include Oracle Health (Cerner), Epic Systems Corporation, Philips Healthcare, Siemens Healthineers AG, GE HealthCare Technologies Inc., IBM Corporation, McKesson Corporation, Allscripts Healthcare Solutions, Microsoft Corporation (Azure), Amazon Web Services Inc., Google Cloud (Alphabet Inc.), Cisco Systems Inc., SAP SE, Salesforce Inc., Qualcomm Inc., Teladoc Health Inc., Veeva Systems Inc., Meditech, Change Healthcare (Optum), and Inovalon Holdings Inc.

An SNS Insider analyst Parry Kardani commented, "Healthcare organizations are entering a technology-driven transformation era where artificial intelligence, cloud computing, connected devices, and advanced analytics are becoming foundational capabilities. Companies delivering secure, interoperable, and clinically impactful digital solutions will be well positioned to capture long-term growth opportunities across the evolving global healthcare ecosystem."



Digital Transformation In Healthcare Market Size To Exceed \$340.0 Billion By 2035



The global Digital Transformation in Healthcare Market is entering a new phase of innovation as healthcare providers increasingly adopt intelligent technologies to improve patient outcomes, streamline operations, and strengthen clinical decision-making. According to a recent study by SNS Insider, the global Digital Transformation in Healthcare Market size valued at USD 87.11 billion in 2025, is anticipated to grow to USD 340.0 billion by 2035, registering a CAGR of 14.58% over the 2026–2035 forecast period.

The healthcare industry is becoming more reliant on digital technology in increasing efficiency during diagnosis, planning for treatment, and managing patients over the long term. Artificial intelligence has been helping doctors interpret imaging tests quickly, predict possible outcomes, and automate the process of record-keeping. Cloud computing helps to access patient information wherever the care occurs.

Medical devices, wearable technologies, and remote monitoring tools are facilitating the process of chronic disease monitoring outside the hospital setting. Digital patient engagement, telehealth applications, and intelligent scheduling software can also help increase access to healthcare and decrease the administrative workload of the health practitioners.

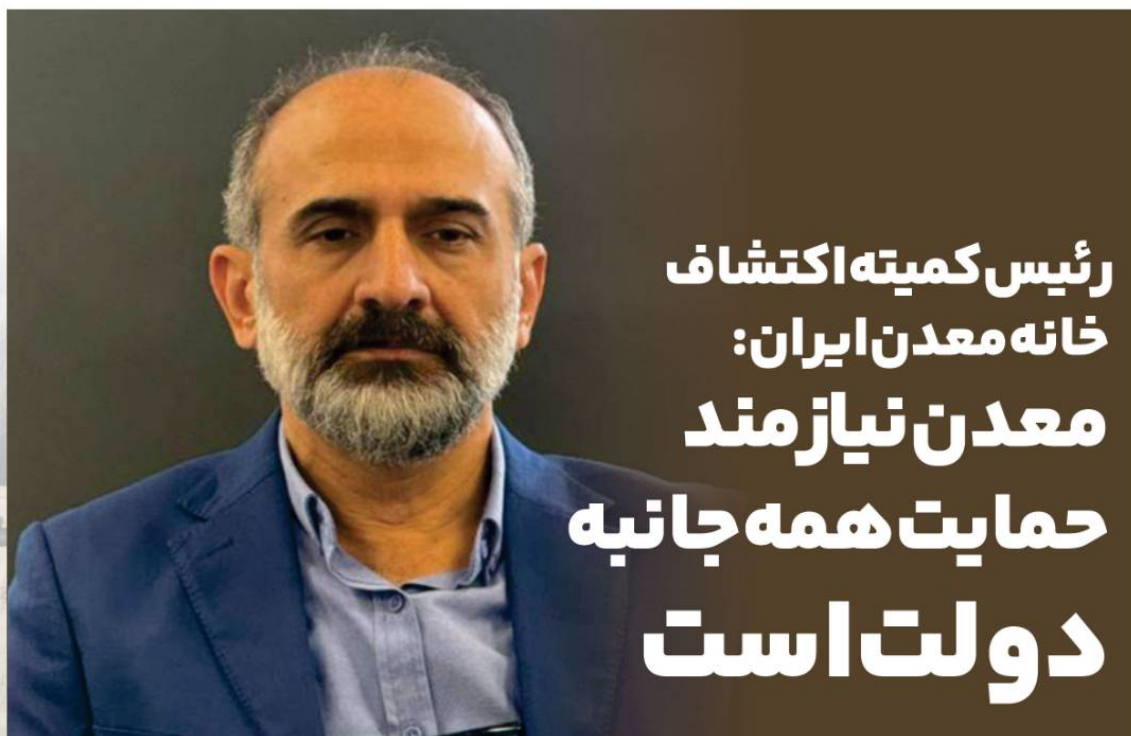
Key Market Findings Highlight High-Growth Opportunities

Healthcare providers accounted for approximately 45.33% of market revenue in 2025, reflecting continued investments by hospitals, diagnostic centers, and integrated healthcare networks. Patients represent the fastest-growing end-user segment and are projected to expand at a 16.95% CAGR through 2035 as consumer adoption of telehealth, wearable devices, and digital care platforms continues to rise.

Artificial Intelligence remained both the dominant and fastest-growing technology segment in 2025, supported by widespread applications in clinical documentation, diagnostic imaging, predictive analytics, and drug discovery. IoT-enabled connected medical devices also continue to gain momentum through remote monitoring and smart healthcare infrastructure.

Software solutions generated the largest component revenue as healthcare organizations increasingly deployed SaaS platforms, clinical decision support systems, and healthcare analytics. Professional services continue expanding alongside implementation, integration, cybersecurity, and managed service requirements.

Among applications, Electronic Health Records and Health Information Management maintained the largest installed base, while Remote Patient Monitoring emerged as the fastest-growing application due to expanding use of wearable devices and home-based monitoring technologies. Telemedicine also remains a major contributor following sustained virtual care adoption.



رئیس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران: معدن نیازمند حمایت همه جانبه دولت است

ارزش، نقش کلیدی و حیاتی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد. در این میان، کشورهایی که خود تامین کننده مواد اولیه صنایع از محل معادن هستند، بی شک حضور پر قدرتر و چشمگیری در بخش معدن داشته و گامهای موثرتری در تکمیل زنجیره ارزش ضمن ایجاد صنایع معدنی اعم از فولاد، مس، آلومینیوم و... برداشته اند.

وی با بیان اینکه ایران به عنوان یکی از کشورهای معدن خیز جهان، حدود ۷۰ نوع از مواد معدنی موجود در دنیا را در اختیار دارد، افزود: قدمت معدنکاری در ایران به حدود پنج تا شش هزار سال قبل برمی گردد و با توجه به پتانسیل های بالایی که کشور ما در بخش معدن و تنوع مواد معدنی در اختیار دارد، بر این اساس می توان ایران را یکی از کشورهای پیشران معدنی در دنیا برشمرد.

هم اکنون در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان قرار دارد و یکی از کشورهای غنی از لحاظ دارایی های معدنی به شمار می آید. اهمیت بخش معدن در اقتصاد کشور به اندازه ای است که طی سالیان اخیر، همواره سخن از جایگزینی اقتصاد معدن به جای نفت توسط مقامات و مسئولان به میان آمده است. کورش شعبانی، رئیس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران در گفت و گو با «نماد اقتصاد» در خصوص اهمیت بخش معدن در اقتصاد جوامع مختلف جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه مانند ایران، اظهار داشت: همان طور که مستحضر هستید، معدنکاری و تولید مواد معدنی پایه و اساس تامین مواد اولیه مورد نیاز بسیاری از صنایع محسوب می شود و بر همین اساس به عنوان نخستین حلقه در زنجیره

رئیس کمیته اکتشاف ایران گفت: رشد ۱۳ درصدی بخش معدن در برنامه هفتم توسعه کشور در حالی توسط متولیان امر هدف گذاری شده است که این امر، ضرورت حمایت همه جانبه دولت از معدن و معدنکاری را می طلبد و امید است رفع چالش های موجود در این بخش، زمینه ساز آینده روشن معدن در اقتصاد ایران طی سالیان آتی شود. به گزارش نماد اقتصاد، بخش معدن در حالی امروز به یکی از ستون های اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شده که استفاده از انواع مواد معدنی، عامل رشد صنعتی و توسعه جوامع شهری طی سالیان اخیر بوده است. این بخش نه تنها بخش عمده ای از مواد اولیه مورد نیاز صنایع مادر همچون فولاد، سیمان و... را تامین می کند بلکه نقش کلیدی در اشتغال زایی، ارزآوری و در یک نگاه کلی رشد اقتصادی کشورها دارد. ایران با دارا بودن حدود ۷۰ نوع ماده معدنی، ۳۷ میلیارد تن ذخایر کشف شده و ۵۷ میلیارد تن ذخایر بالقوه،

رشد ۱۳ درصدی بخش معدن محتمل است، اگر...

عضو هیئت مدیره خانه معدن ایران در بخش پایانی سخنان خود به اهمیت تحقق رشد ۱۳ درصدی بخش معدن در برنامه هفتم توسعه کشور اشاره کرد و یادآور شد: در ابتدا باید این امر را در نظر بگیریم که دستیابی به رشد ۱۳ درصدی در برنامه هفتم توسعه هدف گذاری بسیار بزرگی است که اگر برنامه و نقشه راه متناسب با پیوسته های حمایتی برای آن در نظر گرفته نشود، عملاً تحقق این امر امکان پذیر نخواهد بود؛ در حالی که اگر سرمایه گذاری های متناسب با حمایت های لازم در این زمینه صورت پذیرد و بهره برداران و فعالان بخش معدن ذهنیت خود را بر روی تولید متمرکز کنند، می توان نسبت به دستیابی رشد ۱۳ درصدی در برنامه هفتم توسعه امیدوار بود و زمینه شکوفایی متناسب با ظرفیت های موجود در این بخش را بیش از پیش فراهم کرد.

ضرورت حمایت همه جانبه دولت از بخش معدن

شعبانی در ادامه عنوان کرد: همان طور که پیش تر اشاره شد، بخش معدن منافع بسیاری را متوجه اقتصاد کشور، علی الخصوص جوامع محلی از لحاظ امنیت، آبادانی، اشتغال زایی و... کرده است. در چنین شرایطی، این سوال اساسی مطرح می شود که دولت در ازای منافع مذکور، چه وظیفه ای در قبال بخش معدن بر عهده دارد و پاسخ این سوال، بی شک چیزی جز حمایت روزافزون و همه جانبه از این بخش نیست. واقعیت امر اینکه معادن جرو انفال هستند و انفال هم متعلق به شخص خاصی نیستند. از این رو افراد مصرفا برای یک برهه زمانی و میزان استخراج مشخص به عنوان بهره بردار در معادن فعالیت می کنند و مکلف به حفظ این منابع خدادادی در عین پرداخت حقوق دولتی اند. در کنار این امر، ضرورت دارد که دولت نیز حمایت ۱۰۰ درصدی را از فعالان بخش معدن به عمل آورد که امید است این مهم در آینده نزدیک محقق شود. وی با بیان اینکه آینده بخش معدن در ایران روشن است، خاطرنشان کرد: ایران در حالی به عنوان یکی از کشورهای کم بارش در سطح جهان شناخته می شود که این امر، عملاً امکان راه اندازی برخی صنایع در تعدادی از استان ها را توجیه ناپذیر کرده است. با این وجود، اگر یک نگاه جامع و آمایشی بر سراسر کشور حاکم شود، به خوبی می توان متوجه این مسئله شد که مزیت معدنکاری در برخی استان ها وجود دارد و می تواند زمینه ساز رشد تولید ناخالص داخلی (در سطح استانی و ملی) و جایگزینی آن با صنایع آب بر و آلاینده شود.

معدن: رونق بخش اقتصاد جوامع محلی و کم برخوردار

شعبانی با اشاره به اینکه معادن معمولاً در دورترین نقاط هر کشوری واقع شده اند که این مسئله در ایران به مناطق کم برخوردار و کمتر توسعه یافته اطلاق می شود، مطرح کرد: نوع اقتصاد معدن به گونه ای است که منافع بسیاری را متوجه جوامع محلی و کم برخوردار می کند و امنیت، آبادانی، اشتغال پایدار و... را همزمان با سرمایه گذاری دولت و فعالیت بخش خصوصی برای این جوامع، به ویژه در کشور ما به همراه داشته است. وی در ادامه ضمن تاکید بر ضرورت حمایت حداکثری دولت از بخش معدن، به ویژه معادن کوچک و متوسط مقیاس، به چالش های موجود در این بخش اشاره کرد و گفت: علی رغم اهمیت بالایی که بخش معدن در اقتصاد کشور از آن برخوردار است، فعالان این بخش با چالش های متعددی طی سال های اخیر مواجه بوده اند که از جمله آن ها می توان به بروکراسی های اداری مرتبط با سازمان های محیط زیست، منابع طبیعی، معارضین محلی و... اشاره کرد. همچنین، ناترازی انرژی و کمبود زیرساخت های اساسی همچون آب و برق در کنار تامین سوخت نیز به شدت عملکرد بهره برداران معدنی را تحت تاثیر قرار داده است. رئیس کمیته اکتشاف خانه معدن ایران با بیان اینکه در کنار بخش معدن، صنایع معدنی نیز طی این سال ها با موانع متعددی همچون تامین مواد اولیه دست و پنجه نرم کرده اند، تصریح کرد: برای مثال، تولیدکنندگان کاتد مس (به روش لیچینگ) همواره با معضل تامین اسید سولفوریک به عنوان یکی از مواد اولیه حیاتی در صنعت مس روبه رو بوده اند که این معضل، عملکرد تولیدکنندگان کاتد را تحت الشعاع قرار داده است. به علاوه، اختلاف قیمت فروش محصولات معدنی در بازار داخلی با بازارهای جهانی ناشی از اختلاف نرخ ارز (آرژ و دولتی)، معضل دیگری در این زمینه به شمار می آید که البته با کاهش نرخ ارز طی ماه های اخیر، قیمت فروش این محصولات در کشور به قیمت واقعی آن ها نزدیک تر شده است.

سازمان مناطق آزاد انزلی



انزلی در مسیر تبدیل شدن به هاب تجارت شمال؛ نقشه راه جدید برای توسعه کریدورهای بین المللی

ظرفیت های مناطق آزاد، تکمیل زیرساخت های حمل و نقل و گسترش همکاری با کشورهای همسایه، سه محور اصلی نشستی بود که با حضور مدیران اقتصادی، روسای اتاق های بازرگانی و نمایندگان مجلس در منطقه آزاد انزلی برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس، هم افزایی میان مناطق آزاد، توسعه کریدور شمال، جنوب و افزایش نقش بخش خصوصی را پیش نیاز بهره گیری مؤثر از فرصت های جدید تجارت خارجی ایران عنوان کردند.

در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به تنوع بخشی مسیرهای تجارت خارجی، توسعه زیرساخت های ترانزیتی و گسترش همکاری های منطقه ای نیاز دارد، منطقه آزاد انزلی میزبان یکی از مهم ترین رویدادهای اقتصادی کشور با عنوان «نقش آفرینی اتاق های بازرگانی در بهره گیری از مزیت های منطقه ای و تقویت اقتصاد ملی» بود؛ اجلاسی که در آن از ظرفیت های مغفول مانده شمال کشور تا ضرورت بازتعریف جایگاه مناطق آزاد در اقتصاد ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. انتخاب منطقه آزاد انزلی به عنوان میزبان این اجلاس نیز بی دلیل نبود. این منطقه به واسطه قرارگیری در ساحل جنوبی دریای خزر، دسترسی به بازار کشورهای حوزه اوراسیا، برخورداری از بندر کاسپین و اتصال به شبکه ریلی کشور، یکی از مهم ترین گره های لجستیکی ایران در مسیر کریدور بین المللی شمال- جنوب محسوب می شود. اتصال ریلی بندر کاسپین به شبکه راه آهن سراسری در سال های اخیر، جایگاه این منطقه را در معادلات ترانزیتی کشور بیش از گذشته تقویت کرده است.

پیام اقتصادی یک اجلاس در شرایط حساس کشور

در بخش دیگری از اجلاس، سعید رحمتزاده رئیس فراکسیون نظارت بر مناطق آزاد مجلس شورای اسلامی، برگزاری این رویداد را نشانه پویایی اقتصاد کشور و استمرار برنامه‌های توسعه اقتصادی دانست. وی با تأکید بر نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران گفت: مردم‌سازی اقتصاد یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان کشور است و اتاق‌های بازرگانی می‌توانند به عنوان حلقه اتصال میان دولت و فعالان اقتصادی، نقش مهمی در تحقق این هدف ایفا کنند. رحمتزاده همچنین با اشاره به ضرورت فعال‌سازی مسیرهای تجاری شمال کشور اظهار داشت که در سال‌های گذشته بخش عمده تجارت خارجی ایران از مسیرهای جنوبی انجام شده اما شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاب می‌کند که ظرفیت‌های دریای خزر، بنادر شمالی و منطقه آزاد انزلی بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

امضای تفاهم‌نامه‌ای برای اتصال شمال و جنوب

یکی از مهم‌ترین اتفاقات این اجلاس، امضای تفاهم‌نامه همکاری میان سازمان‌های منطقه آزاد انزلی و اروند بود. بر اساس این تفاهم‌نامه که با حضور معاون توسعه اقتصادی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد به امضا رسید، دو منطقه آزاد شمالی و جنوبی کشور در حوزه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، لجستیک، حمل‌ونقل، اقتصاد دیجیتال، تجارت هوشمند و حمایت از کسب‌وکارهای نوآور همکاری‌های مشترک خود را توسعه خواهند داد. کارشناسان معتقدند اتصال ظرفیت‌های منطقه آزاد انزلی در شمال کشور با توانمندی‌های منطقه آزاد اروند در جنوب، می‌تواند زمینه شکل‌گیری یک مسیر اقتصادی مؤثر میان دریای خزر و خلیج فارس را فراهم کند؛ موضوعی که سال‌ها به عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه کریدور بین‌المللی شمال-جنوب مطرح بوده است.

مناطق آزاد؛ حلقه اتصال ایران با اقتصاد منطقه‌ای

یکی از محورهای اصلی اجلاس، بررسی نقش مناطق آزاد در توسعه تجارت خارجی کشور بود. اسفندیار شاه‌منصوری، معاون توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، در این اجلاس با اشاره به ظرفیت‌های گسترده مناطق آزاد کشور اظهار کرد که این مناطق می‌توانند به دروازه راهبردی ارتباط ایران با اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی تبدیل شوند.

وی با تأکید بر ظرفیت‌های ویژه استان گیلان و منطقه آزاد انزلی در تعامل با کشورهای حاشیه دریای خزر و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، توسعه زیرساخت‌های لجستیکی، تسهیل فرآیندهای اداری و حذف مقررات دست‌وپاگیر را از مهم‌ترین الزامات افزایش سهم ایران در تجارت منطقه‌ای عنوان کرد.

به گفته شاه‌منصوری، مناطق آزاد زمانی می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند که به جای فعالیت جزیره‌ای، در قالب یک شبکه منسجم و مکمل عمل کرده و ظرفیت‌های خود را در خدمت توسعه تجارت ملی قرار دهند.



رازقی:

**توسعه بدون صنعت ممکن نیست /
عمان می‌تواند بخشی از بازرگانی
ایران را بر عهده بگیرد**

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان گفت: هیچ کشوری در دنیا بدون توسعه صنعتی به پیشرفت و توسعه پایدار دست نیافته است و صنعت، موتور اصلی ایجاد اشتغال، ثروت و ارزش افزوده در اقتصاد محسوب می‌شود.

در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به توسعه تولید، افزایش صادرات غیر نفتی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای نیاز دارد، صنعت و معدن همچنان به عنوان مهم‌ترین پیشران‌های رشد اقتصادی و خلق ارزش افزوده شناخته می‌شوند. با این حال، چالش‌هایی همچون کمبود سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های تأمین مالی و موانع تجاری، مسیر توسعه این بخش‌های راهبردی را با دشواری‌هایی مواجه کرده است.

در این راستا، پایگاه خبری «نماد اقتصاد» در گفت‌وگو با جمال رازقی، رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان، به بررسی جایگاه صنعت و معدن در توسعه تجارت خارجی کشور، ظرفیت‌های همکاری اقتصادی ایران و عمان و الزامات تقویت صادرات به بازارهای منطقه‌ای پرداخته است.

رازقی با تأکید بر اینکه «هیچ کشوری بدون توسعه صنعتی به پیشرفت نرسیده است»، از ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی از تولید و بهره‌گیری از ظرفیت عمان به عنوان دروازه‌ای برای ورود به بازارهای منطقه و آفریقا سخن گفت.

وی اظهار کرد: متأسفانه کشور ما طی سال‌های گذشته از مسیر توسعه صنعتی عقب مانده است. تازمانی که نگاه توسعه محور در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تقویت نشود، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود.

نایب رئیس اول اتاق بازرگانی شیراز با اشاره به سهم پایین بخش تولید از منابع مالی کشور افزود: اگر آمارهای بانک مرکزی را بررسی کنیم، مشاهده می‌شود که سهم تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و تولید کمتر از میزان پیش‌بینی‌شده در قوانین بوده است. همچنین در زمان اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها مقرر شده بود ۳۰ درصد منابع حاصل به بخش تولید اختصاص یابد که این هدف به طور کامل محقق نشد.

عمان؛ دروازه ورود به بازارهای منطقه و آفریقا

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان در پاسخ به این پرسش که چه توصیه‌ای به فعالان صنعتی برای ورود به بازار عمان دارد، گفت: عمان صرفاً یک بازار مصرفی کوچک نیست، بلکه می‌تواند به عنوان سکوی صادراتی به بازارهای بزرگ‌تر مورد توجه قرار گیرد. وی افزود: نزدیکی جغرافیایی عمان به کشورهای آفریقایی و همچنین ارتباطات تجاری این کشور با بازارهای منطقه، فرصت مناسبی را برای صادرکنندگان ایرانی فراهم کرده است تا از طریق عمان به بازارهای آفریقا، یمن و سایر کشورهای منطقه دسترسی پیدا کنند. رازقی در پایان تأکید کرد: فعالان صنعتی و معدنی کشور باید نگاه بلندمدت به بازار عمان داشته باشند و از ظرفیت‌های این کشور به عنوان دروازه‌ای برای توسعه صادرات غیرنفتی ایران بهره‌گیرند.

استفاده فعالان اقتصادی ایرانی را بر عهده بگیرد. وی در ادامه خاطرنشان کرد: روابط سیاسی مطلوب میان دو کشور و همچنین همکاری‌های مستمر اتاق مشترک ایران و عمان، فرصت مناسبی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی ایجاد کرده است. در تلاش هستیم بخشی از تجارت خارجی کشور که پیش از این از مسیرهای دیگر انجام می‌شد، به عمان منتقل شود.

رازقی درباره مطالبات بخش خصوصی برای تسهیل صادرات به عمان اظهار داشت: اتاق مشترک ایران و عمان به طور مستمر مسائل و موانع موجود را با مسئولان دو کشور مطرح می‌کند. خوشبختانه سفیر جدید عمان در ایران نیز با جدیت در حال پیگیری موضوعات مرتبط با توسعه همکاری‌های اقتصادی است و امیدواریم موانع موجود هرچه سریع‌تر برطرف شود.

رازقی تأکید کرد: تازمانی که حمایت مؤثر از تولید و صنعت در دستور کار قرار نگیرد، شرایط اقتصادی کشور بهبود نخواهد یافت و هر روز بر مشکلات این بخش افزوده می‌شود.

عمان؛ شریک راهبردی ایران در منطقه

رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و عمان با اشاره به ظرفیت‌های اقتصادی عمان گفت: این کشور در مسیر توسعه قرار دارد و طی سال‌های اخیر تلاش کرده با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارائه مشوق‌های متنوع، زمینه رشد اقتصادی خود را فراهم کند.

رازقی افزود: تجارت میان ایران و عمان طی سال‌های اخیر روندی رو به رشد داشته است. با توجه به شرایط منطقه‌ای و ضرورت تنوع بخشی به مسیرهای تجاری، عمان می‌تواند بخشی از ظرفیت‌های لجستیکی، بانکی و تجاری مورد

جنگ رمضان؛

آزمونی برای سنجش

«تاب آوری صنعتی»



روز صنعت و معدن امسال در شرایطی فرارسیده که صنعت ایران تجربه‌ای متفاوت و کم‌سابقه را پشت سر گذاشته است. در جنگ ناجوانمردانه آمریکا و اسرائیل بر علیه ایران آثار اقتصادی آن فراتر از میدان نبرد گسترش یافت و بسیاری از بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور را تحت تأثیر قرار داد. این جنگ بیش از آنکه کارخانه‌ها را هدف قرار دهد، شریان‌های اقتصاد یعنی انرژی، حمل و نقل، صادرات، لجستیک و اعتماد سرمایه‌گذاران را نشانه گرفت. تجربه این جنگ نشان داد که در اقتصاد امروز، آسیب‌پذیری صنایع تنها به میزان خسارت فیزیکی محدود نمی‌شود. توقف صادرات، اختلال در تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های بیمه، محدود شدن حمل و نقل و نااطمینانی اقتصادی می‌تواند حتی کارخانه‌هایی را که هیچ آسیبی ندیده‌اند، با کاهش تولید یا زیان مالی مواجه کند. از این منظر، جنگ رمضان را می‌توان آزمونی برای سنجش «تاب‌آوری صنعتی» ایران دانست؛ آزمونی که برخی صنایع از آن سربلند بیرون آمدند و برخی دیگر آسیب‌های جدی را تجربه کردند.

تأسیسات، افزایش هزینه بیمه نفتکش‌ها، محدودیت در حمل و نقل دریایی و دشواری صادرات، فشار مضاعفی بر این صنعت وارد کرد. تجربه جنگ نشان داد که امنیت صادرات انرژی، به اندازه ظرفیت تولید اهمیت دارد.

سیمان؛ کاهش صادرات و حفظ بازار داخلی

صنایع سیمانی از نظر تولید آسیب مستقیمی ندیدند، اما صادرات آنها با مشکلات متعددی مواجه شدند. افزایش هزینه حمل و نقل، محدودیت‌های بانکی، کاهش تقاضای خارجی و اختلال در مسیرهای صادراتی موجب شد برخی شرکت‌ها بخشی از محصولات خود را روانه بازار داخلی کنند. البته تقاضای داخلی مانع از توقف تولید شد، اما کاهش درآمدهای صادراتی سودآوری این صنایع را تحت تأثیر قرار داد.

صنعت خودرو و بحران قدیمی با چالش‌های جدید

صنعت خودرو پیش از جنگ نیز با مشکلات متعددی از جمله کمبود قطعات، محدودیت واردات و نقدینگی مواجه بود. جنگ این مشکلات را تشدید کرد. اختلال در واردات قطعات، افزایش نرخ ارز،

صنعت هوایی به زمین نشست

یکی دیگر از بخش‌هایی که بیشترین خسارت را متحمل شد، صنعت هوانوردی بود. بسته شدن حریم هوایی، لغو پروازهای داخلی و خارجی، تغییر مسیر پروازها، افزایش هزینه بیمه هواپیماها و کاهش ورود گردشگران، شرکت‌های هواپیمایی را با زیان قابل توجهی مواجه کرد. اما آثار این بحران فراتر از صنعت حمل و نقل بود. بخش قابل توجهی از صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، تجهیزات پزشکی، دارو، قطعات صنعتی و محصولات فناورانه از طریق حمل و نقل هوایی انجام می‌شد. اختلال در این بخش موجب کند شدن صادرات، افزایش هزینه لجستیک و کاهش رقابت‌پذیری بسیاری از تولیدکنندگان شد. از سوی دیگر، فرودگاه‌ها نیز بخشی از زنجیره تأمین صنعت محسوب می‌شوند و هرگونه اختلال در آنها مستقیماً بر تجارت خارجی اثر می‌گذارد.

صنایع نفت و پالایش؛ تداوم تولید با هزینه بیشتر

اگرچه صنعت نفت توانست بخش عمده تولید خود را حفظ کند، اما هزینه‌های عملیاتی به شکل محسوسی افزایش یافت. نگرانی نسبت به امنیت

آتش‌ای که به جان صنعت پتروشیمی افتاد

بدون تردید، صنعت پتروشیمی بیشترین آسیب را متحمل شد. این صنعت که سالانه بخش قابل توجهی از ارزآوری غیرنفتی کشور را تأمین می‌کند، به دلیل وابستگی به زیرساخت‌های انرژی، بنادر صادراتی و خطوط انتقال، بیش از سایر بخش‌ها در معرض تهدید قرار گرفت.

کاهش یا توقف فعالیت برخی مجتمع‌ها، اختلال در تأمین خوراک، محدودیت صادرات و افزایش هزینه حمل و نقل دریایی موجب شد بسیاری از شرکت‌های پتروشیمی نتوانند مطابق برنامه‌های صادراتی خود عمل کنند. اما خسارت جنگ تنها محدود به شرکت‌های پتروشیمی نبود؛ صدها واحد پایین دستی که مواد اولیه خود را از این صنعت تأمین می‌کنند نیز با کمبود مواد، افزایش قیمت و بی‌ثباتی بازار روبه‌رو شدند. صنایع پلاستیک، بسته‌بندی، لاستیک، رنگ، رزین، الیاف مصنوعی و بسیاری از صنایع شیمیایی از نخستین قربانیان این اختلال بودند.

صنایع کوچک؛ قربانیان خاموش

شاید هیچ بخش —ی به اندازه صنایع کوچک و متوسط تحت فشار قرار نگرفت. این واحدها معمولاً سرمایه در گردش محدودی دارند و افزایش ناگهانی هزینه‌ها یا کاهش فروش می‌تواند ادامه فعالیت آنها را با مشکل مواجه کند.

در بسیاری از شهرک‌های صنعتی، واحدهای کوچک بیش از صنایع بزرگ نگران آینده بودند؛ زیرا امکان دسترسی آسان به منابع مالی یا بازارهای جایگزین را ندارند.

صادرات؛ اولین قربانی نا اطمینانی

در هر جنگی، نخستین قربانی اقتصاد، اعتماد بازاریاست. بسیاری از خریداران خارجی، قراردادهای جدید را به تعویق انداختند یا شرایط سخت‌گیرانه‌تری برای همکاری تعیین کردند. افزایش ریسک مبادلات مالی، رشد هزینه بیمه و محدودیت‌های حمل و نقل موجب شد صادرات غیرنفتی نیز با افت نسبی مواجه شود.

مهم‌ترین درس جنگ برای صنعت ایران

اگر جنگ رمضانی —ان یک پیام روشن برای سیاست‌گذاران داشته باشد، آن پیام «تاب‌آوری» است. تاب‌آوری تنها به معنای بازسازی کارخانه‌های آسیب‌دیده نیست، بلکه شامل تنوع بخشی —ی به بازارهای صادراتی، کاهش وابستگی به واردات، تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل، توسعه فناوری، ایجاد ذخایر راهبردی مواد اولیه، گسترش پدافند غیرعامل در صنایع و افزایش انعطاف زنجیره تأمین است. صنعت ایران در سال‌های گذشته بیش —تر بر افزایش ظرفیت تولید تمرکز کرده است، اما تجربه این جنگ نشان داد که ظرفیت تولید بدون امنیت زنجیره تأمین، لجس —تیک، انرژی و بازارهای صادراتی، نمی‌تواند ضامن پایداری اقتصاد باشد.

دشواری نقل و انتقال پول و افزایش هزینه حمل و نقل موجب شد فشار بیش —تری بر خودروسازان و قطعه‌سازان وارد شود. هرچند خطوط تولید به طور کامل متوقف نشد، اما هزینه تولید افزایش یافت و زمان تأمین قطعات طولانی‌تر شد.

تجهیزات پزشکی و دارویی؛ آزمون امنیت سلامت

یکی از مهم‌ترین درس‌های جنگ رمضان، اهمیت صنایع دارویی و تجهیزات پزشکی بود. در شرایط بحران، دسترسی سریع به دارو، تجهیزات مصرفی، دستگاه‌های پزشکی و ملزومات درمانی به یکی از اولویت‌های کشور تبدیل شد. اگرچه بخش قابل توجهی از نیاز کشور از طریق تولید داخلی تأمین شد، اما وابستگی به برخی مواد اولیه و تجهیزات وارداتی همچنان یکی از نقاط ضعف این صنعت باقی ماند. کارشناسان معتقدند سرمایه‌گذاری در این صنعت دیگر تنها یک ضرورت اقتصادی نیست، بلکه بخشی از امنیت ملی کشور محسوب می‌شود.

صنایع غذایی؛ مقاوم اما نگران

صنایع غذایی از جمله بخش‌هایی بودند که توانستند تولید را حفظ کنند. با این حال، افزایش هزینه حمل و نقل، بسته‌بندی، انرژی و مواد اولیه فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرد. در مقابل، تقاضای پایداری بازار داخلی موجب شد این صنعت نسبت به بسیاری از بخش‌های دیگر آسیب کمتری ببیند.

معادن؛ مزیتی که هنوز کامل استفاده نمی‌شود

بخش معدن به دلیل پراکندگی جغرافیایی، آسیب مستقیمی از جنگ ندید. اما صنایع معدنی نیز از کاهش صادرات، افزایش هزینه حمل مواد معدنی و محدودیت‌های حمل و نقل بی‌تأثیر نبودند. در عین حال، جنگ بار دیگر این سؤال را مطرح کرد که چرا بخش مهمی از مواد معدنی کشور همچنان به صورت خام صادر می‌شود. در شرایط بحران، کشورهای که زنجیره ارزش کامل دارند، انعطاف بیشتری در برابر شوک‌های خارجی از خود نشان می‌دهند.



بذرافشان: صنعت طلا زیر بار سیاست‌های ناخبرست به رکود رفت

طراحی ایرانی به رقابت با ایتالیا و ترکیه رسید

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با بیان اینکه صنعت طلا در حوزه طراحی نیز جهش چشمگیری داشته است، افزود: تا حدود یک دهه قبل، تنوع طراحی در ایران محدود بود، اما امروز تولیدکنندگان ایرانی محصولاتی با کیفیت و طراحی روز دنیا عرضه می‌کنند که توان رقابت با تولیدات کشورهایی مانند ایتالیا، ترکیه و سوئیس را دارند. بذرافشان با این حال تأکید کرد که این ظرفیت هنوز در بخش صادرات به بهره‌برداری نرسیده است.

صادرات؛ حلقه مفقوده صنعت طلا

وی با انتقاد از نبود حمایت‌های دولتی گفت: مشکل اصلی امروز صنعت، تولید نیست؛ بلکه موانع صادرات است. قوانین پیچیده، فرآیندهای اداری طولانی، مشکلات بازرگانی، نبود تسهیلات بانکی و نگاه نادرست برخی مسئولان به صنعت طلا، موجب شده ظرفیت واقعی صادرات کشور فعال نشود. رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران افزود: در حالی که ترکیه تا دو دهه قبل در این صنعت جایگاه ویژه‌ای نداشت، امروز با حمایت دولت توانسته صادرات خود را به حدود ۷۰۰ تن در سال برساند و با ایتالیا رقابت کند؛ در حالی که ایران با وجود برخورداری از دانش، فناوری و نیروی انسانی متخصص، هنوز از این ظرفیت فاصله دارد.

بذرافشان با تأکید بر ظرفیت‌های اقتصادی این صنعت اظهار داشت: اگر دولت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت اقتصاد و نمایندگان مجلس حمایت‌های لازم را از صنعت طلا داشته باشند، این بخش می‌تواند علاوه بر ایجاد اشتغال گسترده، سهم قابل توجهی در ارزآوری غیرنفتی کشور ایفا کند. وی خواستار کاهش بروکراسی اداری در فرآیند صادرات شد و گفت: در بسیاری از کشورها، صادرکننده تنها بر تولید و توسعه بازار تمرکز دارد، اما در ایران بخش زیادی از زمان فعالان اقتصادی صرف دریافت مجوزها و طی کردن مراحل اداری می‌شود.

همزمان با فرارسیدن روز صنعت و معدن، بذرافشان رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با تشریح آخرین وضعیت صنعت طلا و جواهر کشور، از جهش قابل توجه تولید، بومی‌سازی ماشین‌آلات و ارتقای طراحی در یک دهه گذشته خبر داد و در عین حال نسبت به رکود تولید، کاهش ۳۵ تا ۴۵ درصدی بازار مصنوعات طلا، گسترش فروش طلای آب‌شده و نبود حمایت‌های دولتی هشدار داد.

بذرافشان در گفت‌وگو با نماد اقتصاد با تبریک روز صنعت و معدن به فعالان این حوزه، اظهار کرد: صنعت طلا و جواهر ایران طی ۱۰ سال گذشته تحولات ارزشمندی را تجربه کرده و امروز از نظر توان تولید، فناوری و ساخت ماشین‌آلات در جایگاه قابل قبولی قرار گرفته است.

وی با اشاره به پیشرفت‌های فنی این صنعت گفت: طی حدود ۸ تا ۱۰ سال گذشته، تحول بزرگی در حوزه ساخت ماشین‌آلات و ابزارآلات تخصصی صنعت طلا ایجاد شده است؛ به گونه‌ای که امروز بین ۸۰ تا ۹۰ درصد تجهیزات مورد نیاز این صنعت در داخل کشور تولید می‌شود.

به گفته وی، برخی شرکت‌های ایرانی اکنون تولیدات خود را به کشورهای آلمان، ایتالیا، کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای اروپایی صادر می‌کنند؛ موضوعی که نشان‌دهنده توان فنی بالای تولیدکنندگان داخلی است.

عملکرد قابل توجه در حوزه مبادلات ارزی

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران در پایان خواستار بازنگری در سیاست‌های مرتبط با صنعت طلا شد و گفت: انتظار داریم دولت، وزارت صمت، وزارت اقتصاد و نمایندگان مجلس با اصلاح قوانین، حذف مقررات دست‌وپاگیر، حمایت از صادرات، تأمین مالی واحدهای تولیدی و ساماندهی فروش طلای آب‌شده، زمینه خروج این صنعت از رکود را فراهم کنند.

بذرافشان در پایان خاطرنشان کرد: صنعت طلا و جواهر ایران امروز از نظر دانش فنی، تولید و فناوری توان رقابت با کشورهای پیشرفته را دارد و با سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند به یکی از صنایع مهم ارزآور و اشتغال‌زای کشور تبدیل شود.

مطالبه صنعت از دولت

وی در ادامه با اشاره به تصور اشتباه بخشی از جامعه درباره هزینه بالای مصنوعات طلا گفت: با توسعه فناوری، استفاده از ماشین‌آلات جدید و افزایش بهره‌وری، اجرت ساخت بسیاری از محصولات به میزان قابل توجهی کاهش یافته و امروز تولیدکنندگان داخلی مصنوعات متنوعی با حداقل اجرت تولید می‌کنند.

به گفته وی، بسیاری از مصرف‌کنندگان به دلیل تصور نادرست از هزینه‌های ساخت، به سمت خرید طلای آب‌شده سوق پیدا کرده‌اند؛ در حالی که بازار مصنوعات نیز محصولات اقتصادی و کم‌اجرت متنوعی عرضه می‌کند.

بذرافشان با اشاره به اهمیت اشتغال در این صنعت اظهار کرد: حدود ۹۵ هزار واحد صنفی در صنعت طلا و جواهر کشور فعالیت می‌کنند که با احتساب کارکنان و خانواده‌های آنان، معیشت نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر به این صنعت وابسته است.

وی تأکید کرد: کاهش ۳۵ تا ۴۵ درصدی تولید و فروش، تنها یک آمار اقتصادی نیست، بلکه مستقیماً بر اشتغال و معیشت صدها هزار نفر اثر گذاشته است.

کمبود تسهیلات بانکی؛ مانع توسعه تولید

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به مشکلات تأمین مالی واحدهای تولیدی گفت: تاکنون هیچ تسهیلات مؤثری از سوی شبکه بانکی برای تولیدکنندگان این صنعت در نظر گرفته نشده است.

وی افزود: درخواست ما تنها اختصاص تسهیلات با نرخ سود مناسب برای واحدهای تولیدی است؛ موضوعی که می‌تواند نقش مهمی در افزایش تولید و توسعه صادرات داشته باشد.

فروش طلای آب‌شده؛ سیاستی که تولید را قربانی کرد

بذرافشان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های دو سال اخیر را گسترش فروش طلای آب‌شده از طریق پلتفرم‌های اینترنتی دانست و گفت: از همان ابتدا نسبت به پیامدهای این تصمیم هشدار داده بودیم و در جلسات متعدد با مجلس، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف، خطرات آن را اعلام کردیم، اما متأسفانه این هشدارها مورد توجه قرار نگرفت. وی ادامه داد: نتیجه این سیاست امروز کاملاً مشخص شده است: تولید مصنوعات طلا بین ۳۵ تا ۴۵ درصد کاهش یافته و رکود قابل توجهی بر این صنعت حاکم شده است.

طلای آب‌شده؛ خارج از استانداردهای جهانی

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با بیان اینکه در هیچ جای دنیا طلای آب‌شده به شکل فعلی به مردم عرضه نمی‌شود، اظهار کرد: در استانداردهای جهانی، سرمایه‌گذاری بر روی شمش‌های استاندارد انجام می‌شود، نه طلای آب‌شده.

به گفته وی، طلای آب‌شده ماده اولیه تولید است و باید پس از فرآوری و استانداردسازی وارد چرخه تولید مصنوعات یا تبدیل به شمش استاندارد شود.

بذرافشان هشدار داد که عرضه گسترده طلای آب‌شده علاوه بر آسیب به تولید، مشکلاتی از جمله جعل کدهای استاندارد، ابهام در عیار و کاهش اعتماد عمومی را نیز به همراه داشته است.

گزارش عملکرد
دوره زمانی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۵



شرکت آهن و فولاد ارفع
(سهامی عام)

درآمد
۱۴,۰۵۴
میلیارد تومان



فروش داخلی
۱۲,۵۱۷
میلیارد تومان



فروش صادراتی
۱,۵۳۷
میلیارد تومان



آهن اسفنجی
۳۰۸,۵۰۴
تن



شمش فولادی
۲۶۴,۲۰۳
تن



۳۳ درصد
رشد



www.arfasteel.com

رشد ۳۳ درصد تولید شمش «ارفع»

دوره زمانی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۵



'SYSTEMIC LEAP': CHINA'S DRUG INNOVATION PUSH YIELDS BUMPER CROP



Home-grown therapies account for 80 per cent of approvals in first six months of the year. Domestically produced novel drugs accounted for more than 80 per cent of market approvals in China in the first half of the year, reflecting a "leap" in the quality of the country's pharmaceutical innovation, according to a government spokesman.

A total of 38 innovative drugs were cleared for sale in the six-month period, of which 31 were home-grown medicines, said Ministry of Industry and Information Technology spokesman Tao Qing, at a media briefing in Beijing on Monday. The approvals, along with a record high of about US\$110 billion in out-licensing deals over the period, fully demonstrated that "the innovation quality of China's pharmaceutical industry has achieved a systemic leap", Tao said. Among the most closely watched approvals was Satri-cel, a personalised cell therapy that uses a patient's own immune cells to attack cancer cells, developed by Shanghai-based CARsgen Therapeutics.

It became the world's first chimeric antigen receptor T-cell (CAR-T) treatment cleared for solid tumours, according to the company's filing with the Hong Kong stock exchange. Approved on June 22, the therapy targets patients with late-stage stomach cancer who have not benefited from at least two earlier rounds of treatment, a group with few remaining options.

CAR-T therapies involve engineering the patient's own immune cells in a lab to target specific cancer proteins, then placing them back into the body. CARsgen's Hong Kong-traded stock dropped about 9 per cent over the past month. The Chinese drug regulator also cleared an implantable brain-computer interface (BCI) system developed by Neuracle Medical Technology in March.

It is designed to restore hand motor function in patients with spinal cord injuries. The go-ahead awarded to the private firm, founded in 2011, marked the world's first approval of such a device for commercial use in patients. Meanwhile, China's cross-border deals with global pharmaceutical giants show no sign of abating, despite looming headwinds of US curbs on investment in the country's biotech sector.

On July 8, Sino Biopharmaceutical announced it had entered an exclusive licensing agreement with AstraZeneca for TQC3721, an inhaled drug designed to treat chronic obstructive pulmonary disease.

Under the deal, Sino Biopharmaceutical will receive an upfront payment of US\$200 million, with additional development and sales milestones that could raise the total deal value to as much as US\$1.9 billion, along with royalties reaching double-digit percentages of net sales.

The deal would "ease investor concerns about the slowing down of China's molecule out-licensing trend, thus helping the current sector rebounding momentum", said Zhang Jialin, Nomura's head of China healthcare research.

(سهامی خاص)

شرکت احیاء استیل فولاد بافت Baft Steel Complex co.



تداوم روند تولید و تثبیت درآمدهای عملیاتی در احیاء استیل فولاد بافت

در شرایطی که بسیاری از صنایع با نوسانات تقاضا و چالش‌های بازار مواجه‌اند، «احیاء استیل فولاد بافت» با عملکردی باثبات و قابل اتکا، تصویری متفاوت از پایداری در زنجیره فولاد کشور ارائه کرده است.

بررسی تازه‌ترین گزارش فعالیت ماهانه این شرکت نشان می‌دهد که احیاء استیل در خردادماه ۱۴۰۵ توانسته با تولید ۱۴۹ هزار تن آهن اسفنجی، بار دیگر توان عملیاتی خود را تثبیت کند. نکته قابل توجه، تبدیل بخش عمده این تولید به فروش است؛ به طوری که بیش از ۱۱۲ هزار تن از محصول تولیدی به بازار عرضه شده که معادل حدود ۸۷ درصد کل تولید ماهانه است. این نسبت، نشان‌دهنده تعادل مناسب میان عرضه و تقاضا و همچنین مدیریت هوشمند فروش در شرکت است.

در حوزه درآمدی نیز، عملکرد احیاء استیل فولاد بافت قابل توجه ارزیابی می‌شود. این شرکت در خردادماه موفق به ثبت بیش از ۳۲ هزار میلیارد ریال درآمد از محل فروش داخلی شده و نرخ فروش هر تن آهن اسفنجی نیز در سطحی باثبات و قابل قبول حفظ شده است؛ موضوعی که از توان شرکت در حفظ ارزش محصولات خود در بازار داخلی حکایت دارد.

در کنار بازار داخلی، احیاء استیل فولاد بافت حضور مؤثری در بازارهای صادراتی نیز داشته است. صادرات ۱۷ هزار تن آهن اسفنجی و کسب بیش از ۶ هزار میلیارد ریال درآمد ارزی در سه‌ماهه نخست سال، گواهی بر رویکرد هوشمندانه این شرکت در تنوع بخشی به منابع درآمدی و کاهش ریسک وابستگی به بازار داخل است.

مجموع این شاخص‌ها، تصویری روشن از یک بنگاه صنعتی منسجم ارائه می‌دهد؛ شرکتی که همزمان توانسته تولید پایدار، فروش مؤثر و درآمدزایی قابل اتکا را در کنار هم محقق کند. استمرار این روند می‌تواند احیاء استیل فولاد بافت را به یکی از بازیگران کلیدی و قابل اتکای صنعت فولاد کشور در ادامه سال مالی تبدیل کند.



Baft Steel Complex co.

رشد تولید و درآمد سه ماهه، نقطه قوت عملکرد «احیا استیل فولاد بافت»

مقایسه عملکرد سه ماهه نخست سال مالی ۱۴۰۵ با دوره مشابه سال قبل نشان می‌دهد «احیا استیل فولاد بافت» روند رو به رشدی را در شاخص‌های عملیاتی و درآمدی حفظ کرده است.

طبق اطلاعات منتشرشده، تولید آهن اسفنجی شرکت از ۴۷۹ هزار و ۶۰۸ تن در سه ماهه نخست سال گذشته به ۶۷۲ هزار و ۸۰۵ تن در پایان خرداد ۱۴۰۵ افزایش یافته؛ جهشی که نشان‌دهنده افزایش ظرفیت یا بهبود بهره‌برداری از خطوط تولید است. همزمان، مقدار فروش نیز از ۴۳۸ هزار و ۴۵۰ تن به ۴۶۵ هزار و ۸۲۳ تن رسیده که استمرار تقاضا برای محصولات شرکت را تأیید می‌کند.

درآمد حاصل از فروش داخلی نیز با رشد چشمگیر همراه بوده و از حدود ۷۹.۴ هزار میلیارد ریال به بیش از ۱۶۲.۴ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است؛ معادل تقریباً ۵۹ درصد رشد نسبت به دوره مشابه سال قبل. این افزایش درآمد، علاوه بر رشد حجم فروش، بازتاب حفظ یا بهبود نرخ‌های فروش هر تن محصول است که نشان‌دهنده توان شرکت در نگهداشت ارزش فروش در بازار است. در بخش صادرات نیز شرکت حضور خود را حفظ کرده و با صادرات ۱۷ هزار تن آهن اسفنجی، بیش از ۶ هزار میلیارد ریال درآمد ارزی شناسایی کرده است؛

عاملی که به تنوع بخشی منابع درآمدی و کاهش ریسک وابستگی صرف به بازار داخلی کمک می‌کند. مجموع این تحولات، تصویری روشن از یک شرکت در مدار رشد ارائه می‌دهد؛ افزایش تولید، رشد فروش و جهش درآمدی هم‌جهت عمل کرده‌اند تا «احیا استیل فولاد بافت» را در جایگاه یک بازیگر مستحکم و رو به توسعه در صنعت فولاد کشور قرار دهند.



برندگان و بازندگان اقتصادی جهان فوتبال؛ چگونه جام جهانی اقتصاد مصرفی را دگرگون کرد؟

با آغاز رقابت‌های جام جهانی فوتبال، بحث در خصوص پیامدهای اقتصادی این رویداد بار دیگر در محافل تحلیلی و رسانه‌ای مطرح شده است. جام جهانی فراتر از رویدادی ورزشی، پدیده‌ای اقتصادی اجتماعی است که الگوهای مصرف را از طریق هیجانات جمعی و رفتار غیرقابل پیش‌بینی مصرف‌کنندگان دگرگون می‌کند. بررسی تجارب تاریخی نشان می‌دهد موفقیت‌های ورزشی مانند «معجزه برن» آلمان (۱۹۵۴) و قهرمانی یونان (۲۰۰۴) به عنوان شتاب‌دهنده روانی اقتصاد عمل کرده‌اند، اما این رشد مصرف غالباً مقطعی و مصرف‌محور است. زمان پخش مسابقات نیز با انتقال الگوی مصرف از فضاهای عمومی به خانه‌ها، برندگان جدیدی چون خدمات آنلاین و پلتفرم‌های توزیع غذا را جایگزین بخش‌های سنتی مهمان‌داری کرده است. جام جهانی، در عین رونق بخشی به صنایع سرگرمی و لجستیک، بازندگان و برندگان تازه‌ای را در اقتصاد شبانه تعریف می‌کند.

از آلمان تایوان؛ وقتی فوتبال موتور روانی اقتصادی می‌شود

یکی از نمونه‌های کلاسیک در این زمینه، پیروزی تاریخی آلمان در جام جهانی ۱۹۵۴ میلادی موسوم به «معجزه برن» است؛ دیداری که در آن تیم ملی آلمان غربی موفق شد در شرایطی غیرمنتظره و پس از عقب‌افتادن از حریف، یکی از قدرتمندترین تیم‌های آن دوره را شکست دهد. این پیروزی هم‌زمان با بازگشت بخشی از اسیران جنگی آلمان رخ داد و در سطح اجتماعی، به عنوان نمادی از پایان یک دوره بحرانی و آغاز بازسازی ملی تلقی شد. در سال‌های پس از آن، این رویداد به شکل‌گیری نوعی انرژی جمعی برای بازسازی اقتصادی و رشد صنعتی در آلمان کمک کرد. نمونه دیگر در همین رابطه به یونان و قهرمانی غیرمنتظره این کشور در رقابت‌های یورو ۲۰۰۴ بازمی‌گردد. این موفقیت در زمانی رخ داد که کشور با محدودیت‌های اجرایی و زیرساختی

از هیجان جمعی تا تغییر رفتار مصرفی

یکی از ویژگی‌های متمایز رویدادهایی مانند جام جهانی، اثرگذاری مستقیم آن بر روحیه عمومی و در نتیجه بر الگوهای مصرف است. اگرچه تغییرات در شواخص مالی یا متغیرهای قابل اندازه‌گیری اقتصاد ممکن است در کوتاه مدت محدود باشد، اما اثرات روانی ناشی از پیروزی یا شکست تیم‌های ملی می‌تواند به طور غیرمستقیم رفتار اقتصادی افراد از تعاملات روزمره گرفته تا نحوه خرج کردن و حتی تصمیم‌های کاری را تغییر دهد. در همین چارچوب، تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند که موفقیت‌های ورزشی گاه به عنوان یک محرک اجتماعی عمل کرده و به افزایش اعتماد به نفس عمومی و در نهایت تقویت فعالیت‌های اقتصادی منجر شده‌اند.

به گزارش **نماذ اقتصاد**، با آغاز رقابت‌های جام جهانی فوتبال، بحث درباره پیامدهای اقتصادی این رویداد بار دیگر در محافل تحلیلی و رسانه‌ای مطرح شده است. برخلاف تصور رایج که این تورنمنت را صرفاً یک رویداد ورزشی می‌داند، تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که جام جهانی می‌تواند الگوهای مصرف، جریان نقدینگی و حتی رفتارهای اجتماعی را در مقیاس ملی تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، آنچه تحلیل اقتصادی این پدیده را پیچیده می‌کند، نقش پررنگ رفتار انسانی و غیرقابل پیش‌بینی بودن واکنش مصرف‌کنندگان است؛ عاملی که بارها باعث شده مدل‌های اقتصادی در مواجهه با واقعیت بازار دچار انحراف شوند.

اقتصاد شبانه جام جهانی: از خانه تا خیابان های خلوت

با تقویت گرایش به تماشای مسابقات در خانه، به ویژه در شرایطی که تجربه های دوره همه گیری کرونا و تغییر سبک زندگی دیجیتال همچنان بر رفتار مصرف کنندگان اثرگذار است، انتظار می رود بخشی از تقاضا به سمت خدمات شبانه و پلتفرم های توزیع غذا و کالا منتقل شود. در نتیجه، اقتصاد شهری در ساعات پایانی شب نیز فعال تر شده و الگوی جدیدی از مصرف شبانه شکل می گیرد.

زمان پخش مسابقات: عامل تعیین کننده پنهان

در کنار عوامل روانی و ورزشی، یک متغیر فنی اما تعیین کننده نیز وجود دارد که مربوط به زمان پخش مسابقات است. در برخی دوره ها، برگزاری بازی ها در ساعات پایانی شب یا بامداد باعث تغییر الگوی مصرف خانوارها شده است. در چنین شرایطی، به جای رونق در فضاهای عمومی مانند رستوران ها و کافه ها، تمرکز مصرف به سمت فضاهای خانگی منتقل می شود. این تغییر رفتار، برندگان و بازندگان جدیدی در اقتصاد ایجاد می کند. کسب و کارهایی که خود را با این الگوی جدید تطبیق می دهند از خدمات سفارش آنلاین و تحویل سریع غذا گرفته تا فروش تجهیزات خانگی و بسته های اینترنتی برای تماشای مسابقات از این تغییر بهره مند می شوند. در مقابل، برخی بخش های سنتی صنعت مهمان داری ممکن است با کاهش نسبی تقاضا مواجه شوند.

متعدد، از جمله در آستانه میزبانی المپیک، مواجه بود. با این حال، پیروزی تیم ملی فوتبال به شکل قابل توجهی روحیه عمومی را بهبود بخشید و به افزایش مشارکت اجتماعی در پروژه های ملی، از جمله حضور گسترده داوطلبان در آماده سازی رویدادهای المپیک، منجر شد. در اینجا نیز فوتبال نقش یک «شتاب دهنده روانی» برای تحرک اجتماعی و اقتصادی ایفا کرد.

مصرف گرایی و نوسان های مقطعی اقتصاد

در نقطه مقابل، تجربه کشورهایی مانند انگلستان نشان می دهد که اثرات اقتصادی جام جهانی همیشه مثبت یا توسعه محور نیست. در بسیاری از تورنمنت ها، افزایش قابل توجهی در حجم خرید و مصرف از فروش تجهیزات صوتی و تصویری گرفته تا افزایش تقاضا برای میلمان خانگی، خوراکی ها و نوشیدنی ها در دوره برگزاری مسابقات مشاهده می شود. با این حال، این رشد بیشتر ماهیتی مقطعی و مصرف محور و نه اقدامی در راستای سرمایه گذاری دارد. از سوی دیگر، افت عملکرد تیم ملی نیز می تواند اثرات روانی معکوس بر مصرف داشته باشد. برخی مطالعات و گزارش ها از افزایش نوسانات رفتاری در دوره حذف تیم ها خبر داده اند؛ موضوعی که نشان می دهد ارتباط میان احساسات جمعی و رفتار اقتصادی حتی می تواند به حوزه های حساس تری از جامعه نیز تسری پیدا کند.



مشاور وزیر انرژی اعلام کرد؛ راهکار کاهش آسیب صنایع و معادن از کمبود برق



موضوع تأمین پایدار انرژی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و معدنکاران تبدیل شده است. محدودیت‌های برق در سال‌های اخیر، آثار مستقیمی بر تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع و معادن کشور گذاشته و ضرورت بازنگری در سیاست‌های انرژی را بیش از پیش نمایان کرده است.

در همین راستا، مازیار عبدی، مشاور رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) و مجری طرح‌های ویژه نیروگاهی، در گفت‌وگو با خبرنگار نماد اقتصاد به تشریح وضعیت فعلی انرژی کشور، تأثیر آن بر بخش صنعت و معدن، نقش انرژی‌های تجدیدپذیر، ضرورت مشارکت بخش خصوصی و اهمیت اصلاح الگوی مصرف پرداخت.

انرژی‌های تجدیدپذیر؛ مزیت راهبردی ایران برای تأمین برق تولید

مشاور رئیس ساتبا با اشاره به ظرفیت‌های جغرافیایی ایران در حوزه انرژی‌های پاک گفت: انرژی‌های تجدیدپذیر یک استعداد و مزیت بزرگ برای کشور محسوب می‌شوند و ایران از ظرفیت‌های کم‌نظیری در این حوزه برخوردار است که باید از آنها برای تأمین پایدار انرژی صنایع و معادن استفاده شود. وی خاطر نشان کرد: رفع ناترازی برق کشور نیازمند نگاه بلندمدت و استفاده از همه ظرفیت‌های موجود است و توسعه تجدیدپذیرها می‌تواند بخشی از این شکاف را جبران کند.

بخش خصوصی؛ شریک اصلی توسعه زیرساخت‌های انرژی

عبدی در ادامه درباره نقش بخش خصوصی در توسعه صنعت برق کشور اظهار کرد: موفقیت‌های اخیر در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر صرفاً حاصل فعالیت دولت نبوده است. بخش خصوصی نقش مهمی در این مسیر ایفا کرده و ما توانسته‌ایم مشارکت قابل توجهی را از سوی سرمایه‌گذاران جذب کنیم. وی افزود: بخشی از این مشارکت بر اساس تکالیف قانونی دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قوانین مرتبط انجام شده، اما بخش مهم

جهش چهار برابری ظرفیت تجدیدپذیرها در دولت چهاردهم

وی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در دولت چهاردهم اظهار داشت: تا پیش از آغاز دولت چهاردهم، ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور حدود یک هزار و ۲۰۰ مگاوات بود، اما امروز این رقم به بیش از پنج هزار و ۲۰۰ مگاوات رسیده است. این رشد، یک جهش قابل توجه در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر کشور محسوب می‌شود.

عبدی ادامه داد: برنامه‌ریزی ما این است که تا پایان تابستان ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور به هفت هزار مگاوات برسد. این موضوع در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که برآوردهای مختلفی از ناترازی برق کشور بین ۱۵ تا ۲۰ هزار مگاوات ارائه شده است.

وی تأکید کرد: افزایش ظرفیت نیروگاهی به تنهایی پاسخگوی رفع ناترازی انرژی نیست. ما باید همزمان دو مسیر را دنبال کنیم؛ از یک سو توسعه ظرفیت تولید برق و به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر و از سوی دیگر اصلاح الگوی مصرف و ارتقای بهره‌وری انرژی.

تأثیر ناترازی انرژی بر صنعت و معدن موضوعی چندوجهی و پیچیده

عبدی درباره میزان تأثیر شرایط فعلی انرژی بر تولیدات صنعتی و معدنی کشور اظهار کرد: پاسخ به این پرسش چندلایه و چندپارامتری است و نمی‌توان یک عدد یا آمار مشخص برای آن ارائه کرد. عوامل مختلف داخلی و خارجی، شیوه‌های مدیریتی و شرایط متغیر اقتصادی و زیرساختی بر میزان تأثیرگذاری این موضوع اثر می‌گذارند. وی افزود: شاید در شرایط کنونی هیچ‌کس نتواند پاسخ کاملاً دقیق و قطعی به این سؤال بدهد، زیرا اتفاقات مختلفی ممکن است شدت این تأثیر را افزایش یا کاهش دهند. اما آنچه روشن است این است که محدودیت‌های انرژی، به‌ویژه در حوزه برق، بدون تردید بر فعالیت صنایع و معادن اثرگذار بوده است.

مشاور وزیر انرژی با اشاره به مشکلاتی که فعالان معدنی با آن مواجه هستند، گفت: امروز بسیاری از معدنکاران و صاحبان صنایع از محدودیت‌های برق و انرژی گلایه دارند و این مسئله بر روند تولید آنها تأثیر گذاشته است. با این حال معتقدم در مسیری قرار گرفته‌ایم که می‌تواند شدت این آسیب‌پذیری را کاهش دهد.

خطای راهبردی در سیاست‌گذاری انرژی؛ ارزان فروشی و بی‌توجهی به ارزش واقعی انرژی

عبدی در پاسخ به پرسشی درباره مهم‌ترین خطای سیاست‌گذاری در حوزه انرژی طی دو دهه گذشته گفت: به نظر من بزرگ‌ترین اشتباه این بود که از ابتدا ارزش واقعی انرژی در کشور به درستی درک نشد و در نظام قیمت‌گذاری نیز نتوانستیم برخورد مناسبی با این موضوع داشته باشیم.

وی افزود: انرژی در کشور بیش از حد در دسترس قرار گرفت و هزینه واقعی آن برای مصرف‌کنندگان ملموس نبود. بخشی از مصرف بی‌رویه امروز به همین مسئله بازمی‌گردد؛ زیرا بسیاری از افراد تصور می‌کنند هزینه واقعی مصرف انرژی را پرداخت می‌کنند، در حالی که بخش عمده‌ای از آن از طریق یارانه‌های دولتی تأمین می‌شود.

عبدی تصریح کرد: دولت طی سال‌های گذشته یارانه‌های سنگینی در حوزه انرژی پرداخت کرده است. شاید اگر بخشی از این منابع در حوزه‌های دیگر سرمایه‌گذاری می‌شد، دستاوردهای اقتصادی بیشتری برای کشور به همراه داشت.

آینده صنعت و معدن در گرو امنیت انرژی

مشاور وزیر انرژی در پایان تأکید کرد: آینده صنعت و معدن کشور به تأمین پایدار انرژی گره خورده است و تحقق این هدف نیازمند توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، افزایش بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف، جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بازنگری در برخی سیاست‌های گذشته حوزه انرژی خواهد بود. وی خاطرنشان کرد: هرچه سریع‌تر بتوانیم میان توسعه ظرفیت تولید برق و مدیریت مصرف تعادل برقرار کنیم، مسیر رشد پایدار صنایع و معادن کشور نیز هموارتر خواهد شد.

دیگری از سرمایه‌گذاران با هدف کسب درآمد و با نگاه اقتصادی وارد این حوزه شده‌اند. مشاور وزیر انرژی با اشاره به تحولات بازار انرژی کشور گفت: هرچه عمق بازار انرژی افزایش پیدا کند، جذابیت‌های اقتصادی و سودآوری آن نیز بیشتر خواهد شد و در نتیجه بخش خصوصی انگیزه بیشتری برای حضور در این عرصه پیدا می‌کند. عبدی تأکید کرد: با تصمیم‌ویب قوانین مناسب‌تر، طراحی سازوکارهای مالی جدید و تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری، بخش خصوصی می‌تواند نقش مؤثرتری در رفع ناترازی انرژی و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز صنعت و معدن ایفا کند.

بهره‌وری؛ ارزان‌ترین راهکار جبران کمبود انرژی

مشاور رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله بهره‌وری پرداخت و اظهار داشت: یکی از مشکلات مهم کشور ضعف مدیریت مصرف انرژی است. دولت به اهمیت این موضوع واقف است و به همین دلیل توجه ویژه‌ای به مقوله بهره‌وری انرژی دارد. وی ادامه داد: باید توجه داشت که صرفه‌جویی یک کیلووات برق از طریق اقدامات بهره‌وری، بسیار کم‌هزینه‌تر از تولید همان میزان برق است. به عبارت دیگر، رفع ناترازی از طریق بهره‌وری اقتصادی‌تر و منطقی‌تر از اتکا صرف به توسعه نیروگاه‌هاست.

عبدی با اشاره به تأکیدات گذشته درباره اصلاح الگوی مصرف خاطرنشان کرد: موضوع اصلاح الگوی مصرف سال‌ها پیش به عنوان یک ضرورت ملی مطرح شد و امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت آن آشکار شده است.

رفع ناترازی فقط با ساخت نیروگاه ممکن نیست

وی تأکید کرد: دولت به خوبی اهمیت بهره‌وری را درک کرده و برای آن برنامه‌ریزی کرده است، اما حل مشکل انرژی صرفاً از مسیر ساخت نیروگاه‌های جدید عبور نمی‌کند. مشاور وزیر انرژی افزود: اگر قرار باشد ناترازی انرژی در کشور برطرف شود، باید همزمان در حوزه فرهنگ‌سازی، مدیریت مصرف، ارتقای فناوری‌های کم‌مصرف و اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان نیز اقدامات مؤثری انجام شود.



فلات مرکزی ایران به خلیج فارس
شرکت تامین و انتقال آب خلیج فارس
واسکو WASCO
مجری آب پروژه ملی نمک زدایی و انتقال آب
خلیج فارس به فلات مرکزی ایران

وزارت صنعت، معدن و تجارت | جمهوری اسلامی ایران | سازمان مدیریت و برنامه ریزی | شرکت ملی گاز | شرکت ملی پخش | شرکت ملی صنایع پتروشیمی | شرکت ملی صنایع مس

واسکو؛ پیشران تامین آب پایدار صنعت ایران

شرکت تامین و انتقال آب خلیج فارس (واسکو) اجرای بزرگترین پروژه تامین و انتقال آب در کشور را بر عهده دارد؛ پروژه‌ای که در آن احداث سه خط انتقال و پنج واحد نمک‌زدایی در نظر گرفته شده است و این امکانات، نقطه قابل اتکایی برای تامین آب پایدار صنایع و معادن در فلات مرکزی ایران به شمار می‌رود. پروژه انتقال آب خلیج فارس، حاصل سال‌ها مطالعات تخصصی، طراحی مهندسی و ارزیابی‌های دقیق زیست‌محیطی بوده و فاز نخست آن با رعایت کامل استانداردهای فنی و الزامات محیط‌زیستی در سال ۱۳۹۹ به بهره‌برداری رسیده است.

در این فاز، جاده دسترسی از بندرعباس تا اردکان یزد به عرض ۳۰ متر، ۱۲ ایستگاه پمپاژ، ۲۰ مخزن، ۱۳ پست برق و بیش از ۲۸۰ کیلومتر خط انتقال برق احداث شده است. فاز نخست این پروژه به طول بیش از ۸۲۰ کیلومتر و با ظرفیت سالانه ۱۳۰ میلیون مترمکعب، هم‌اکنون آب مورد نیاز واحدهای بزرگ صنعتی و معدنی از جمله شرکت‌های معدنی و صنعتی گل‌گهر، معدنی و صنعتی چادرملو، مس سرچشمه و همچنین بخشی از نیاز آب شرب و صنایع استان‌های هرمزگان، کرمان، یزد و اصفهان را تامین می‌کند.

تفاهم‌نامه احداث فاز دوم خط انتقال آب خلیج فارس به سواحل جنوبی و فلات مرکزی ایران نیز در مهر ماه ۱۴۰۴ منعقد شده و عملیات اجرایی آن با ظرفیت انتقال ۲۰۰ میلیون مترمکعب در سال آغاز شده است. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، این فاز طی سه سال آینده به بهره‌برداری خواهد رسید. علاوه بر این‌ها، شرکت تامین و انتقال آب خلیج فارس با راه‌اندازی واحد دوم آب‌شیرین‌کن، ظرفیت شیرین‌سازی آب را به ۴۰۰ هزار مترمکعب در شبانه‌روز معادل حدود ۱۴۰ میلیون مترمکعب در سال افزایش داده و گام بلندی در راستای تامین آب شرب و صنعتی مورد نیاز چهار استان مذکور برداشته است.

واسکو در حالی موفق به راه‌اندازی این واحد شده است که اجرای واحدهای بعدی آن، کاملاً با تکیه بر دانش و تجربه متخصصان بومی محقق خواهد شد و به حضور حتی یک کارشناس خارجی نیاز نخواهد بود. لازم به ذکر است که تفاهم‌نامه احداث واحدهای سوم و چهارم آب‌شیرین‌کن نیز در سال گذشته میان واسکو و استانداری هرمزگان منعقد شده و هم‌اکنون در مرحله اجرا قرار دارد. در پایان باید یادآور شد که پروژه انتقال آب خلیج فارس به سواحل جنوبی و فلات مرکزی ایران، نقش مهمی در تامین آب پایدار آب مورد نیاز صنایع و معادن، کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری و تقویت تاب‌آوری مناطق خشک کشور خواهد داشت و شرکت تامین و انتقال آب خلیج فارس (واسکو) در تلاش است تا ضمن تکیه بر تخصص و دانش بالای نیروهای بومی و داخلی، این ابرپروژه ملی را با موفقیت به اتمام برساند.



شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران
Iran Mineral Production and Supply company



یادداشت از:
امیدامامی
مدیرعامل ایماپاسکو

پرچم توسعه بردوش صنعت و معدن ایران

هفته صنعت و معدن، فرصتی برای پاسداشت تلاش میلیون ها نفر از فعالان این عرصه و بازخوانی نقش راهبردی بخش های مولد در توسعه اقتصادی کشور است.

در شرایطی که معدن و صنایع معدنی به یکی از مهم ترین پیشران های رشد، اشتغال و ارزآوری ایران تبدیل شده اند، نگاه به آینده این بخش بیش از هر زمان دیگری بر نوآوری، شفافیت، سرمایه انسانی و تصمیم گیری های جسورانه استوار است.

امیدامامی، مدیرعامل ایماپاسکو، در یادداشتی به مناسبت هفته صنعت و معدن، با تأکید بر نقش صنعت و معدن در ساختن آینده ایران، این حوزه را نماد اراده، امید و سازندگی دانسته و بر ضرورت حرکت به سوی نسلی نو از فعالیت های معدنی مبتنی بر فناوری، دانش و اعتماد تأکید کرده است.

برای ایران سربلند

۱۵ روزی است که چش های اراده بر سندان آینده فرود می آیند و صنعت و معدن ایران، همچون پهلوانی برخاسته از دل تاریخ، دوباره قامت راست می کند. این روز، لحظه ای است که روح سازندگی ایرانی، دوباره در رگ های کشور می دود. ما در حوزه معدن یاور داریم: استخراج، با امید، اعتمادسازی و آینده نگری شکل میگیرد. هر تونل، یک مسیر روشن سازی است؛ هر انفجار، شکستن دیوارهای محدودیت؛ و هر کارگر معدن، قهرمانی است که تاریکی را به نور تبدیل می کند.

امروز، در آستانه هفته صنعت و معدن، ما بر سه اصل ایستاده ایم؛ اصولی که مسیر فردای کشور را می سازند:

- شجاعت در تصمیم سازی — زیرا مجموعه ای که از تصمیم های بزرگ بترسد، هرگز به قله نمی رسد.
- شفافیت در مسیر — چون اعتماد، سرمایه ای است که با صداقت ساخته می شود.
- نوآوری بی وقفه — آینده از آن کسانی است که از امروز فراتر می روند.
- من ایمان داریم که در این برهه از زمان، باید پرچم دار نسل تازه ای از فعالیت های معدنی باشیم؛ نسلی که در آن:
- داده ها چراغ راه اند؛
- جوانان موتور حرکت اند؛
- تجربه پیشکسوتان ستون ایستادگی است؛
- و فناوری، بال پرواز ماست.

۱۵ تیر، یادآور این حقیقت است که ایران با دستان ما ساخته می شود. نه با انتظار. ما وارثان خاکی هستیم که هزاران سال تمدن را بر دوش کشیده و امروز چشم به ما دوخته تا فصل تازه ای از شکوه را آغاز کنیم. به همه مهندسان، کارگران، کارشناسان، مدیران و پیشکسوتان صنعت و معدن، ضمن تبریک این هفته، می گویم: شما نگهبانان نبض توسعه اید.

هر قدم شما، یک بند از سرود پیشرفت ایران است. با هم، با اتحاد، با تلاش و با جسارت، راهی را ادامه می دهیم که مقصدش ایران قدرتمند، صنعتی و سربلند است.

تجهيزات پزشکی فرسوده؛ تهدیدی جدی برای امنیت سایبری مراکز درمانی

امنیت سایبری؛ از پدیده‌ی فنی تا مسئولیت حقوقی

ابعاد موضوع تنها فنی نیست و اکنون به حوزه مسئولیت‌های حقوقی و حاکمیت شرکتی نیز وارد شده است. توافق ۹/۸ میلیون دلاری شرکت Illumina با وزارت دادگستری آمریکا در سال ۲۰۲۵، به دلیل ادعاهای مرتبط با آسیب‌پذیری‌های سایبری و ارائه اطلاعات گمراه‌کننده درباره وضعیت امنیت محصولات، نشان داد که ادعاهای تولیدکنندگان درباره امنیت سایبری تجهیزات می‌تواند پیامدهای حقوقی و مالی قابل توجهی به همراه داشته باشد. این تحول پرسشی اساسی را پیش روی مدیران صنعت تجهیزات پزشکی قرار داده است و آن این‌که آیا شرکت‌ها می‌توانند تضمین کنند که محصولات آن‌ها در تمام طول چرخه عمر خود همچنان قابل نگهداری، به‌روزرسانی و ایمن باقی خواهند ماند؟

تجهيزات قدیمی و لزوم به‌روزرسانی نرم‌افزاری

در گذشته، تجهیزات قدیمی صرفاً به دستگاه‌هایی با عمر بالا اطلاق می‌شد اما در ادبیات جدید امنیت سایبری، هر تجهیزاتی که به دلیل محدودیت‌های معماری، سیستم‌عامل منسوخ، ناتوانی در دریافت به‌روزرسانی‌های امن یا استفاده از قطعات و نرم‌افزارهای پشتیبانی‌نشده نتواند در برابر تهدیدات امروزی محافظت شود، در دسته تجهیزات پرریسک قرار می‌گیرد. این شکاف ساختاری ناشی از تفاوت میان عمر طولانی سخت‌افزارهای پزشکی و چرخه بسیار کوتاه‌تر فناوری‌های نرم‌افزاری است. نتیجه این وضعیت، حضور گسترده تجهیزاتی در مراکز درمانی است که اگرچه همچنان از نظر بالینی کارآمد هستند، اما از منظر امنیت سایبری در شرایط دشواری قرار دارند. این دستگاه‌ها، سیستم‌عامل‌های قدیمی، گذرگاه‌های ثابت، پروتکل‌های ناامن و توان پردازشی محدود برای پیاده‌سازی فناوری‌های رمزنگاری مدرن دارند و باید تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی این موضوع را مدنظر قرار دهند.

بر اساس هشدار مشترک اداره تحقیقات فدرال آمریکا (FBI) و مرکز شکایات جرائم اینترنتی این نهاد، حدود ۵۳ درصد از تجهیزات پزشکی متصل به شبکه و سایر دستگاه‌های اینترنت اشیا مورد استفاده در بیمارستان‌ها دارای آسیب‌پذیری‌های شناخته‌شده و بحرانی هستند. همچنین نزدیک به یک سوم تجهیزات اینترنت اشیا حوزه سلامت با مخاطراتی مواجه‌اند که می‌تواند عملکرد خود دستگاه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این آمار نشان می‌دهد موضوع تنها به رعایت مقررات محدود نمی‌شود، بلکه مستقیماً با ایمنی و سلامت بیماران و کیفیت خدمات درمانی ارتباط پیدا می‌کند.

امنیت سایبری؛ بخشی از ایمنی درمان

در صنعت تجهیزات پزشکی، امنیت سایبری دیگر صرفاً به معنای حفاظت از اطلاعات بیماران یا جلوگیری از نشت داده‌ها نیست. اگر امکان اختلال در عملکرد یک دستگاه درمانی، دستکاری نتایج آن یا از دسترس خارج شدن تجهیزات حیاتی وجود داشته باشد، مسئله از یک مشکل صرف مربوط به فناوری اطلاعات فراتر رفته و به یک ریسک بالینی و درمانی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، حفظ یکپارچگی عملکرد و تداوم دسترسی به تجهیزات درمانی به همان اندازه اهمیت دارد که حفاظت از داده‌های بیماران اهمیت پیدا می‌کند.

از امنیت درمان‌محور به مجوز تا امنیت در طول عمر محصول

سازمان غذا و داروی آمریکا طی سال‌های اخیر رویکرد خود نسبت به امنیت سایبری تجهیزات پزشکی را به‌طور اساسی تغییر داده است. بر اساس دستورالعمل نهایی این سازمان که در ژوئن ۲۰۲۵ منتشر شد، امنیت سایبری دیگر یک الزام مربوط به زمان دریافت مجوز نیست، بلکه مسئولیتی دائمی در تمام طول چرخه عمر محصول محسوب می‌شود. سازمان غذا و داروی آمریکا اکنون از تولیدکنندگان درخواست کرده از چارچوب‌های توسعه امن محصول (SPDF) استفاده کنند؛ چارچوب‌هایی که امنیت را از مرحله طراحی و توسعه تا بهره‌برداری و پشتیبانی محصول دربر می‌گیرد. اهمیت این موضوع تنها به فرایندهای نظارتی محدود نمی‌شود، بلکه بیمارستان‌ها و خریداران تجهیزات پزشکی نیز به‌طور فزاینده‌ای وضعیت امنیت سایبری کل سبد محصولات یک شرکت را در تصمیمات خرید خود لحاظ می‌کنند.

گسترش دیجیتالی‌سازی خدمات درمانی و افزایش استفاده از تجهیزات پزشکی متصل به شبکه، مفهوم امنیت سایبری را از یک موضوع صرفاً مرتبط با فناوری اطلاعات به یکی از ارکان اصلی سلامت و امنیت بیماران تبدیل کرده است. در شرایطی که بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بیش از هر زمان دیگری به دستگاه‌های هوشمند و سامانه‌های متصل متکی شده‌اند، بخش قابل توجهی از تجهیزات پزشکی فعال در مراکز درمانی جهان از منظر امنیت سایبری با استانداردهای امروز فاصله قابل توجهی دارند.

به گزارش نهاد اقتصاد، گسترش دیجیتالی‌سازی خدمات درمانی و افزایش استفاده از تجهیزات پزشکی متصل به شبکه، مفهوم امنیت سایبری را از یک موضوع صرفاً مرتبط با فناوری اطلاعات به یکی از ارکان اصلی سلامت و امنیت بیماران تبدیل کرده است. در شرایطی که بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بیش از هر زمان دیگری به دستگاه‌های هوشمند و سامانه‌های متصل متکی شده‌اند، بخش قابل توجهی از تجهیزات پزشکی فعال در مراکز درمانی جهان از منظر امنیت سایبری با استانداردهای امروز فاصله قابل توجهی دارند. کارشناسان معتقدند اگر بسیاری از تجهیزات پزشکی متصل به شبکه که هم‌اکنون در بیمارستان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، امروز برای نخستین بار جهت دریافت مجوز به سازمان غذا و داروی آمریکا (FDA) ارائه شوند، احتمالاً بخش قابل توجهی از آن‌ها قادر به دریافت مجوز جدید امنیت سایبری نخواهند بود.

شکاف میان عمر تجهیزات پزشکی و سرعت تحول تهدیدات سایبری

ریشه این مسئله را نباید صرفاً در کم‌توجهی تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی جست‌وجو کرد. در همین رابطه تجهیزات پزشکی معمولاً چرخه عمر عملیاتی بین ۱۰ تا ۲۰ سال دارند، در حالی که تهدیدات سایبری و فناوری‌های مرتبط با حملات دیجیتال در بازه‌هایی بسیار کوتاه‌تر تکامل پیدا می‌کنند. به بیان ساده‌تر هرچه یک دستگاه مدت زمان بیشتری در محیط درمانی باقی بماند، احتمال انباشت آسیب‌پذیری‌های نرم‌افزاری، وابستگی به سیستم‌عامل‌های منسوخ و راهکارهای موقتی افزایش می‌یابد؛ عواملی که در گذر زمان به ریسک‌های جدی امنیتی تبدیل می‌شوند.

اهمیت امنیت تجهیزات پزشکی و مهندسی محصول

مدیریت امنیت سایبری تجهیزات پزشکی قدیمی تنها وظیفه واحدهای مهندسی نیست و نیازمند همکاری نزدیک میان بخش های کیفیت، امور نظارتی، خدمات پس از فروش، مدیریت زنجیره تامین و تامین کنندگان قطعات است. دریافت مستمر فهرست اجزای نرم افزاری مورد استفاده، اطلاع رسانی درباره پایان پش پشتیبانی سیستم عامل ها و قطعات، تعیین زمان بندی مشخص برای ارائه وصله های امنیتی و تعریف مسئولیت های شفاف میان تولید کنندگان و تامین کنندگان از جمله الزامات این رویکرد محسوب می شود.

آینده بازار تجهیزات پزشکی

بیمارستان ها و مراکز درمانی امروز در کنار شاخص های درمانی و عملکرد بالینی، به طور فزاینده ای وضعیت امنیت سایبری تجهیزات را نیز در فرایند خرید و ارزیابی تامین کنندگان لحاظ می کنند. شفافیت در ارائه اطلاعات، زمان بندی مشخص برای پشتیبانی محصولات، سرعت واکنش به آسیب پذیری ها و ارائه راهکارهای عملی برای مدیریت ریسک، به عوامل کلیدی در ایجاد اعتماد میان تولید کنندگان و مشتریان تبدیل شده است. در نهایت، آینده صنعت تجهیزات پزشکی نه متعلق به شرکت هایی خواهد بود که ادعای مصونیت کامل دارند، بلکه به سازمان هایی تعلق خواهد داشت که بتوانند مدیریت مسئولانه چرخه عمر محصولات و امنیت سایبری آن ها را به بخشی جدایی ناپذیر از سلامت و ایمنی بیماران و کیفیت خدمات درمانی تبدیل کنند.

چرا به روزرسانی همیشه راه حل نیست؟

برخلاف تصور عام، بسیاری از تجهیزات پزشکی قدیمی را نمی توان به سادگی به روزرسانی کرد. در برخی موارد، محدودیت های فنی مانند سیستم عامل های قدیمی یا نبود زیرساخت لازم برای به روزرسانی های امن مانع این کار می شود. در موارد دیگر، اگرچه به روزرسانی از نظر فنی امکان پذیر است اما فرایندهای اعتبارسنجی، توقف فعالیت تجهیزات درمانی، ریسک اختلال در عملکرد بالینی و پیچیدگی های عملیاتی اجرای آن را دشوار می کند. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان رویکرد مبتنی بر مدیریت ریسک را مناسب ترین راهکار برای این دسته از تجهیزات می دانند؛ رویکردی که بر دو شاخص اصلی یعنی میزان دسترسی مهاجمان به دستگاه و پیامدهای احتمالی نفوذ تمرکز دارد.

مدیریت ریسک: راهبرد اصلی حفاظت از تجهیزات قدیمی

در شرایطی که امکان به روزرسانی سریع تجهیزات وجود ندارد، کاهش سطح دسترسی، محدودسازی ارتباطات شبکه و افزایش قابلیت پایش و شناسایی تهدیدات به مهم ترین ابزارهای دفاعی تبدیل می شوند. تفکیک شبکه های درمانی، محدودسازی دسترسی به اینترنت، استفاده از سامانه های احراز هویت چند مرحله ای، ایجاد درگاه های کنترل شده برای خدمات از راه دور و پایش مستمر رفتار تجهیزات از جمله اقداماتی هستند که می توانند سطح ریسک را به طور قابل توجهی کاهش دهند. هدف اصلی این راهکارها کاهش سطح حمله و محدود کردن مسیرهای نفوذ به تجهیزات حیاتی درمانی است.



کارشناس حوزه معدن : صنعت طلا در سال ۱۴۰۴ خوش درخشید / روزهای پرنوسان در انتظار فلز زرد

کارشناس معدن گفت: صنعت طلای ایران و جهان در سال گذشته روزهای درخشانی را طی کرد؛ به نحوی که قیمت این فلز گران بها تا مرز پنج هزار و ۶۰۰ دلار در هر اونس رسید و سپس تا مرز چهار هزار دلار در هر اونس کاهش یافت. در سال جاری نیز به نظر می‌رسد با توجه به شرایط حاکم در بازارهای جهانی، اونس طلا همچنان با نوسان همراه باشد و از این رو می‌تواند سرمایه‌گذاری محتاطانه در این بازار صورت پذیرد.

طلا نه تنها به عنوان یک فلز گران بها از جایگاه ویژه‌ای در میان کامودیتی‌های مختلف برخوردار است بلکه به دلیل دوگانگی مصرفی و سرمایه‌ای خود، همواره فراتر از یک کالای صنعتی یا زینتی عمل کرده و همین مسئله، بر اهمیت بالای آن در نظام مالی و ذخایر ارزی جهان نیز افزوده است. علاوه بر این، طلا نشان دهنده جهت‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی در اقصی نقاط دنیا نیز هست و از این رو مطالعه دقیق روند قیمت آن طی سال‌های اخیر، به درک عمیق‌تری از بازارهای مالی منجر شده و تصویری شفاف از جایگاه کنونی و چشم‌انداز آتی این فلز گران بها ارائه داده است.

سید احمد مشکانی، در گفت‌وگو با «نماذ اقتصاد» در خصوص وضعیت صنعت طلای ایران و جهان، اظهار داشت: ایران با توجه به ساختارهای متالورژی و زمین‌شناسی که از آن‌ها برخوردار است، پتانسیل‌های فراوانی جهت کشف و بهره‌برداری از انواع ذخایر طلا را دارد؛ به گونه‌ای که در صورت تحقق اکتشاف سیستماتیک در کشور (فقط به منظور شناسایی ذخایر طلا)، بی‌شک ذخایر جدیدی طی بلندمدت در اقصی نقاط ایران کشف شده و به بهره‌برداری خواهد رسید که این مسئله در نهایت منجر به افزایش تولید فلز گران بهای طلا خواهد شد.

وی تصریح کرد: کشورهای مختلف جهان طی سالیان اخیر اقدامات و برنامه‌ریزی‌های جامع و گسترده‌ای را با هدف کشف ذخایر معدنی طلا انجام داده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ایالات متحده آمریکا، کانادا، چین، ترکیه، روسیه و کشورهای منطقه خاورمیانه همچون عربستان سعودی، افغانستان و پاکستان اشاره کرد. این کشورها هم‌اکنون مشغول کشف و بهره‌برداری از ذخایر قابل توجه طلا هستند و از این رو ضرورت دارد که ما نیز استراتژی مدونی را جهت کشف و بهره‌برداری از ذخایر طلای تعریف و پیاده‌سازی کنیم.

رشد قیمت طلا محتمل اما پریسک است

به گفته مشکانی، تاثیر دلار بر اونس جهانی طلا در سال ۱۴۰۴ موجب شد که سرمایه‌گذاران داخلی از رشد قیمت جهانی و از افزایش نرخ دلار سبقت بگیرند. هم‌اکنون نیز بازار این فلز گران بها به دلیل شرایط حاکم در منطقه می‌تواند جذاب باشد؛ البته نه به اندازه سال گذشته اما افزایش اونس جهانی محتمل و پریسک است و افراد غیر حرفه‌ای باید بسیار حساب‌شده عمل کنند و حتماً از مشاوره با فعالان خبره در این صنعت بهره ببرند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص چالش‌های موجود در بخش معدن کشور، خاطرنشان کرد: مشکلات بخش معدن طی یکی دو سال اخیر در کشور ما افزایش یافته که در نتیجه جنگ‌های اخیر، انهدام برخی زیرساخت‌ها، عدم واردات ماشین‌آلات جدید و برخی مواد مصرفی مورد نیاز، قوانین دست‌وپاگیر، کمبود مواد ناریه و سوخت، حقوق دولتی و معضلات زیست‌محیطی و منابع طبیعی بوده است. در واقع چالش‌های مذکور باعث شده‌اند تا معادن طلا نه تنها به تولید واقعی خود دست پیدا نکنند بلکه با هزینه‌های بیشتری همراه شوند.

مشکانی در پایان یادآور شد: اگر چالش‌های موجود در بخش معدن طی ماه‌های آینده رفع و به عبارتی کمتر نشود و ادامه دار باشد، بی‌شک سوددهی معادن طلای کشور افت پیدا خواهد کرد؛ چراکه هزینه‌ها و اونس جهانی افزایش خواهد یافت. از طرفی، ادامه شرایط فعلی منجر به تعطیلی معادن فعال می‌شود و از این رو ضرورت دارد دولت کارگروهی تخصصی را با هدف بررسی و رفع چالش‌های موجود در بخش معدن تشکیل دهد تا در ادامه شاهد عبور فعالان معدنی و صنایع پایین دستی طلا از شرایط دشوار فعلی باشیم.

عواملی به شمار می‌آیند که منجر به رکورد شکنی طلای جهانی در سال پیش شدند. در ایران نیز رشد نرخ دلار و ترس از افت شدید ارزش پول ملی توأم با عدم صادرات باعث شد که قیمت طلا به طور چشمگیری افزایش یابد.

مشکانی با تاکید بر اینکه هم‌زمان با ریزش اونس جهانی طلا طی روزهای پایانی سال گذشته، بازار داخلی این فلز نیز با رکود همراه شد و مسائل مختلف سیاسی، جنگ، تجارت خارجی و نحوه ورود و خروج پول، زمینه تغییرات نرخ طلا را فراهم ساخت، مطرح کرد؛ همچنان افزایش قیمت در سال ۱۴۰۴ که در چند نوبت، قله‌های قیمت اونس جهانی شکسته شد و حتی به مرز پنج هزار و ۵۷۰ دلار بر اونس رسید، خریداران را در صف خرید قرار داد. با این وجود، در روزهای پایانی سال قیمت این فلز گران بها به ناگاه ریزش کرد و به مرز چهار هزار دلار بر اونس نیز رسید. واقعیت امر اینکه اگر ریزش مذکور صورت نمی‌گرفت، طلای ۱۸ عیار در بازار داخلی نرخ ۲۲ میلیون تومان را نیز رد می‌کرد اما این اتفاق نیفتاد و قیمت آن به حدود ۱۶ میلیون تومان کاهش یافت.

سهم ناچیز ایران از تولید طلای جهان

مشکانی با بیان اینکه در کشور ما سالانه حدود ۱۵ تا ۱۷ تن طلا به صورت مستقیم از معادن این فلز گران بها و یا به صورت محصلول جانبی از دیگر معادن تولید می‌شود، افزود: میزان تولید طلای داخلی در مقایسه با تولید جهانی که سالانه حدود چهار هزار تن است، اندک به نظر می‌رسد؛ چراکه برای مثال تولید طلا در کشورهای چین و ازبکستان به عنوان اولین و دهمین تولیدکننده برتر طلای جهان، به ترتیب حدود ۴۰۰ تن و حدود ۱۵۰ تن در سال برآورد شده است.

وی در ادامه به شرایط موجود در صنعت طلای ایران طی ماه‌های اخیر اشاره کرد و گفت: وضعیت صنعت طلای کشور در سال ۱۴۰۴ و اوایل سال ۱۴۰۵ از لحاظ تولید تغییر چندانی نکرد اما در حوزه واردات، ایران در میان شش واردکننده برتر این فلز گران بها قرار گرفت.

مشکانی ادامه داد: واردات طلا طی بازه زمانی مذکور در حالی با روند صعودی همراه شد که سازمان امور مالیاتی کشور طی بخشنامه‌ای، واردات این فلز به همراه پلاتین و نقره (به صورت خام) را مجاز و از پرداخت هرگونه عوارض گمرکی و مالیات از قبیل مالیات عملکرد و ارزش افزوده معاف اعلام کرد. همچنین در این بخشنامه تاکید شد که واردات فلزات گران بها از نظر منشأ ارز نیز مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. در این میان، برخی نیز طلا را به صورت چمدانی و قاچاق به کشور وارد و گروهی نیز به صورت رسمی از دولت خریداری کردند.

این فعال بازار سرمایه بیان کرد: در یک نگاه کلی، سال ۱۴۰۴ یکی از سال‌های مهم از لحاظ واردات طلا به کشور بود و بازار این فلز گران بها به دنبال افزایش خریداران، با رونق قابل توجهی همراه شد. وی ضمن اشاره به عوامل موثر بر افزایش قیمت طلای جهانی و داخلی در سال گذشته، بیان کرد: بدهی‌های آمریکا، نرخ بهره فدرال رزرو، سود پایین اوراق بهادار کشورهای اقتصادی جهان، تنش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی در منطقه خاور میانه، کاهش ارزش دلار بر قیمت طلا، پایین بودن قیمت نفت تا نزدیکی اواخر سال، خرید طلا توسط بانک‌های جهانی و کشف ذخایر جدید طلا، از جمله



صنعت و معدن؛ رکن اساسی پیشرفت، استقلال اقتصادی و اقتدار ملی ایران

یادداشت از:
بهرام سبحانی
رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران

بخش صنعت و معدن، ستون فقرات اقتصاد ملی و یکی از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه پایدار، اشتغال‌زایی و افزایش توان رقابتی کشور به شمار می‌رود. در شرایطی که امروز اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی مواجه است، تداوم تولید، توسعه سرمایه‌گذاری و حفظ ظرفیت‌های صنعتی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند همت، تخصص و تلاش فعالان این حوزه است.

در این میان، صنعت فولاد به عنوان یکی از صنایع راهبردی و مادر، نقشی تعیین‌کننده در تکمیل زنجیره ارزش، توسعه زیرساخت‌ها، تامین نیاز صنایع پایین‌دستی و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور ایفا می‌کند و دستاوردهای آن، حاصل مجاهدت هزاران تولیدکننده، مهندس، کارگر و کارآفرین ایرانی بوده است.

«روز صنعت و معدن»، فرصتی ارزشمند برای پاسداشت این تلاش‌ها، بازخوانی ظرفیت‌های عظیم بخش تولید و تاکید بر ضرورت حمایت از صنایع مولد است؛ مناسبیتی که بهانه‌ای برای قدرانی از فعالان این عرصه و ترسیم چشم‌انداز توسعه صنعتی کشور به شمار می‌آید.

به همین مناسبت، بهرام سبحانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران طی یادداشتی، به نقش صنعت و معدن، به‌ویژه صنعت فولاد در مسیر پیشرفت اقتصادی کشور پرداخته است. متن کامل یادداشت به شرح زیر است: دهم تیر ماه، «روز صنعت و معدن»، فرصت مغتنمی برای پاسداشت تلاش‌های ارزشمند صنعتگران، معدنکاران، کارآفرینان، مهندسان، سرمایه‌گذاران و تمامی فعالان پرتلاش این عرصه است؛ افرادی که با همت، دانش و پشتکار خود در سخت‌ترین شرایط، موتور محرک تولید، اشتغال، ارزش‌آفرینی و توسعه اقتصادی کشور را به حرکت درآورده‌اند.

بی‌تردید، صنعت و معدن از مهم‌ترین ارکان پیشرفت، استقلال اقتصادی و اقتدار ملی هر کشور به شمار می‌رود. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نیز نشان می‌دهد که رشد پایدار، افزایش بهره‌وری، ارتقای فناوری، خلق ثروت و حضور موثر در بازارهای جهانی، بدون برخورداری از بخش صنعت و معدن توانمند، پویا و رقابت‌پذیر امکان‌پذیر نیست.

در این میان، صنعت فولاد به عنوان یک صنعت مادر و استراتژیک، نقشی بی‌بدیل در تکمیل زنجیره تولید، توسعه زیرساخت‌ها و شکوفایی سایر بخش‌های اقتصادی ایفا می‌کند. اینجانب، ضمن گرامیداشت دهم تیرماه، روز صنعت و معدن، این مناسبت را به تمامی فعالان سخت‌کوش حوزه صنعت و معدن، به‌ویژه خانواده بزرگ صنعت فولاد کشور صمیمانه تبریک عرض می‌کنم و از تلاش‌های ارزشمند آنان در مسیر اعتلای تولید ملی، خلق ارزش افزوده و تقویت بنیان‌های اقتصادی ایران عزیز قدرانی می‌نمایم. امید است با همدلی، برنامه‌ریزی، رفع موانع تولید و حمایت موثر از بخش‌های مولد، شاهد شکوفایی هرچه بیشتر بخش صنعت و معدن و تحقق اهداف بلند توسعه کشور باشیم.

SALCO

SOUTH ALUMINUM CORPORATION

مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب

محصولات:

Ingot شمش

Billet بیلت

Slab اسلب



021-53745000
071-52721901-2

www.salcocomplex.com



بحران نیروی کار؛ صنایع غذایی را به آغوش ربات ها برد

در حالی که صنایع غذایی و نوشیدنی در سطح جهانی با فشار فزاینده کمبود نیروی انسانی مواجه شده، تولیدکنندگان به طور فزاینده‌ای به سمت اتوماسیون و فناوری های هوشمند حرکت می کنند؛ روندی که اکنون نه به عنوان یک مزیت رقابتی، بلکه به عنوان یک ضرورت عملیاتی در حال تثبیت است.

اتوماسیون عملیات پایانی در خطوط تولید

یکی از حوزه هایی که بیشترین سرعت تحول را تجربه کرده، عملیات پایانی در خطوط تولید شامل بسته بندی و پالت سازی است. این بخش به طور سنتی وابستگی بالایی به نیروی انسانی دارد، اما اکنون به سرعت در حال جایگزینی با سیستم های رباتیک است. سیستم های جدید اتوماسیون قادرند تغییرات در ابعاد محصول و تنوع بسته بندی را با حداقل توقف در خطوط تولید مدیریت کنند. این ویژگی برای صنایع غذایی که با تنوع روزافزون محصولات مواجه هستند، اهمیت حیاتی دارد. در چنین ساختاری، زمان تغییر خط تولید از ده دقیقه به چند دقیقه کاهش یافته و وابستگی به مهارت اپراتور انسانی به حداقل رسیده است.

نقش رباتیک در کاهش ریسک عملیاتی

ورود ربات های پالت ساز و سیستم های هوشمند بسته بندی، علاوه بر افزایش سرعت، نقش مهمی در کاهش خطای انسانی ایفا کرده است. در مرحله عملیات دستی، خستگی نیروی کار و ناهماهنگی در چیدمان می تواند منجر به آسیب محصول یا خرابی محموله بار شود؛ موضوعی که در حمل و نقل و توزیع هزینه های قابل توجهی ایجاد می کند. در مقابل، سیستم های رباتیک با دقت ثابت و عملکرد یکنواخت، سطح پایداری عملیات را به طور قابل توجهی افزایش داده اند و عملاً متغیر انسانی را از معادله تعیین کیفیت حذف کرده اند.

به عنوان محور تولید به پارادایم اتوماسیون تاب آور است؛ روندی که بقای بلندمدت فعالان این حوزه را به توانایی آن ها در جایگزینی مشاغل دشوار با راهکارهای دیجیتالی و فیزیکی گره زده است. بر اساس گزارش های منتشر شده شکاف رو به گسترش میان نیاز عملیاتی کارخانه ها و دسترسی به نیروی کار، به ویژه در بخش های تولید، بسته بندی و مرحله پایانی عملیات در خطوط تولید، موجب شده است شرکت ها به بازطراحی ساختار تولید خود با محوریت اتوماسیون روی آورند. این تغییر، بیش از آنکه یک تحول فناورانه باشد، پاسخی مستقیم به فشارهای ساختاری بازار کار محسوب می شود.

از چالش مقطعی تا بحران ساختاری

صنعت تولید مواد غذایی در سال های اخیر با کمبود مزمن نیروی کار مواجه شده است؛ موضوعی که در بخش های فیزیکی و تکراری مانند پالت چینی، بسته بندی و جابه جایی محصول بیشتر به چشم می آید. این مشاغل به دلیل ماهیت سخت و یکنواخت خود، با نرخ بالای ترک کار و دشواری در جذب نیروی جدید روبه رو هستند. در نتیجه، بسیاری از واحدهای تولیدی نه تنها با کاهش بهره وری مواجه شده اند، بلکه کیفیت خروجی نیز به دلیل نوسان عملکرد نیروی انسانی تحت تاثیر قرار گرفته است. این وضعیت، اتوماسیون را از یک گزینه برای سرمایه گذاری به یک راهکار برای بقا تبدیل کرده است.

به گزارش نهاد اقتصاد، در حالی که صنایع غذایی و نوشیدنی در سطح جهانی با فشار فزاینده کمبود نیروی انسانی مواجه شده است، تولیدکنندگان به طور فزاینده‌ای به سمت اتوماسیون و فناوری های هوشمند حرکت می کنند؛ روندی که اکنون نه به عنوان یک مزیت رقابتی، بلکه به عنوان یک ضرورت عملیاتی در حال تثبیت است. در حال حاضر صنایع غذایی در مقیاس جهانی با یک نقطه عطف ساختاری روبرو است؛ جایی که کمبود مزمن و فرسایشی نیروی کار در بخش های یدی و تکرارشونده، به بازتعریف بنیادین مدل های عملیاتی منجر شده است. افزایش سن جمعیت شاغل، کاهش تمایل نسل های جدید به مشاغل فیزیکی و رقابت در پرداخت دستمزدها با سایر بخش ها، زنجیره تامین تولید را با ریسک تداوم فعالیت مواجه کرده است. در واکنش به این شکاف فزاینده، موج سرمایه گذاری در رباتیک، بینایی ماشین و هوش مصنوعی از مرحله آزمایشی عبور کرده و به لایه اصلی زیرساخت تولید تبدیل شده است. این چرخش راهبردی، دیگر نه با هدف دستیابی به برتری رقابتی، بلکه به عنوان سپری در برابر اختلالات منابع انسانی و تضمین تاب آوری عملیاتی دنبال می شود. پیامد این تحول، ظهور کارخانه هایی است که در آن ها ثبات کیفیت، پیش بینی پذیری خروجی و انعطاف پذیری در مواجهه با تنوع محصول، به جای مهارت اپراتور، توسط الگوریتم ها و بازوهای مکانیکی ربات ها تضمین می شود. تحلیل شواهد حاکی از آن است که صنایع غذایی در حال گذار از عصر نیروی کار انسانی

گذار به اتوماسیون به عنوان پاسخ به فشار اقتصادی

بررسی روند سرمایه گذاری‌ها نشان می‌دهد که بخش غذا و کالاهای تند مصرف FMCG در میان پیش‌تازان سرمایه گذاری در رباتیک قرار گرفته است. رشد چشمگیر سفارش ربات‌های صنعتی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که شرکت‌ها این فناوری را نه صرفاً برای افزایش بهره‌وری، بلکه برای جبران کمبود نیروی انسانی به کار گرفته‌اند. در بسیاری از کارخانه‌ها، اتوماسیون اکنون به عنوان یک جایگزین مستقیم برای نیروی انسانی به‌ویژه در محیط‌هایی که استخدام، آموزش و نگهداشت نیروی کار دشوار یا پرهزینه است در نظر گرفته می‌شود.

تغییر پارادایم: از بهره‌وری به بقا

در گذشته، سرمایه گذاری در اتوماسیون عمدتاً با هدف کاهش هزینه یا افزایش بهره‌وری انجام می‌شد، در عین حال بررسی شرایط کنونی نشان می‌دهد که این منطق در حال تغییر است. اکنون، بسیاری از تولیدکنندگان، اتوماسیون را به عنوان شرط ادامه فعالیت پایدار در بازار تلقی می‌کنند. در واقع، مسئله اصلی دیگر بهبود عملکرد در تولید نیست، بلکه تداوم این فرایند در شرایط کمبود ساختاری نیروی انسانی است: تغییری که می‌تواند ساختار صنایع غذایی را در سال‌های آینده به طور بنیادین بازتعریف کند. مجموع تحولات نشان می‌دهد که صنعت تولید مواد غذایی در حال ورود به مرحله‌ای است که در آن اتوماسیون، رباتیک و هوشمندسازی نه ابزارهای مکمل، بلکه ستون‌های اصلی تولید محسوب می‌شوند. در چنین وضعیتی، شرکت‌هایی که سریع‌تر به سمت دیجیتالی‌سازی و اتوماسیون حرکت کنند، نه تنها از مزیت هزینه‌ای برخوردار خواهند شد، بلکه توان بیشتری برای بقا در بازارهای تحت فشار نیروی کار خواهند داشت.

نژاد دادگر: بزرگترین مانع هوش مصنوعی در ایران، نگاه سنتی است



رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش بنیان با تأکید بر اینکه هوش مصنوعی دیگر یک فناوری لوکس نیست، بلکه به ضرورتی برای بقای رقابتی صنایع تبدیل شده است، گفت: بنگاه‌هایی که امروز به سمت هوشمندسازی حرکت کنند، طی پنج سال آینده از مزیت رقابتی پایدار برخوردار خواهند شد.

همزمان با فرارسیدن روز صنعت و معدن، فریبرز نژاد دادگر رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش بنیان، در گفت‌وگو با **نماذ اقتصاد** به بررسی نقش هوش مصنوعی در آینده صنعت و معدن، چالش‌های پیش‌روی بنگاه‌های تولیدی، نقش شرکت‌های دانش بنیان، الزامات قانونی، تأمین مالی و چشم‌انداز پنج‌ساله این حوزه پرداخت.

هوش مصنوعی؛ فرصتی برای جبران عقب ماندگی صنعت ایران

نژاد دادگر با اشاره به روندهای جهانی اظهار کرد: هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال در سطح جهانی، صنعت را از مدل تولید انبوه به سمت تولید هوشمند و داده‌محور سوق می‌دهند. برای ایران این صرفاً یک تحول معمولی نیست، بلکه فرصتی برای جبران عقب‌ماندگی‌هاست.

وی افزود: مهم‌ترین فرصت برای بنگاه‌های تولیدی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و مواد اولیه است که در شرایط تورمی و محدودیت منابع، مستقیماً به افزایش حاشیه سود منجر می‌شود. در بخش معدن نیز استفاده از تحلیل داده برای اکتشاف دقیق‌تر ذخایر و کاهش حفاری‌های پرهزینه و ناموفق، بهره‌وری را به شکل محسوسی افزایش خواهد داد. رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش بنیان ادامه داد: فرصت مهم دیگر، نگهداری پیش‌بینانه تجهیزات است. بسیاری از خطوط تولید کشور با ماشین‌آلات قدیمی فعالیت می‌کنند و توقف ناگهانی آن‌ها هزینه‌های سنگینی ایجاد می‌کند. هوش مصنوعی می‌تواند خرابی تجهیزات را پیش از وقوع پیش‌بینی کند. به نظر من، بنگاه‌هایی که زودتر وارد این مسیر شود، طی پنج سال آینده مزیت رقابتی پایداری به دست خواهد آورد.

آمادگی صنایع کشور ناهمگن است

نژاد دادگر درباره میزان آمادگی صنایع کشور برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی گفت: صادقانه بگویم، آمادگی ما ناهمگن است. تعداد محدودی از صنایع بزرگ، به‌ویژه در فولاد، پتروشیمی و خودرو، گام‌های جدی برداشته‌اند، اما بدنه اصلی صنعت کشور یعنی بنگاه‌های کوچک و متوسط، هنوز در مرحله ابتدایی دیجیتالی‌کردن فرآیندها قرار دارند.

وی مهم‌ترین مانع را نبود زیرساخت داده دانست و تصریح کرد: هوش مصنوعی بدون داده‌های تمیز، ساختاریافته و در دسترس کار نمی‌کند و بسیاری از کارخانه‌های ما حتی سیستم منظم جمع‌آوری داده ندارند. رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش بنیان کمبود نیروی متخصص آشنا به صنعت و داده، مقاومت فرهنگی و نگاه کوتاه‌مدت مدیریتی و همچنین محدودیت دسترسی به سخت‌افزار و زیرساخت‌های محاسباتی پیشرفته به دلیل تحریم را از دیگر موانع توسعه هوش مصنوعی در صنعت کشور برشمرد.

دانش بنیان‌ها حلقه اتصال فناوری و صنعت

رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش بنیان با تأکید بر نقش این شرکت‌ها در افزایش بهره‌وری اظهار کرد: شرکت‌های دانش بنیان حلقه واسطی هستند که می‌توانند فناوری روز را به زبان و نیاز صنعت بومی ترجمه کنند. وی افزود: نخستین نقش آن‌ها طراحی راهکارهای سفارشی برای مسائل خاص هر صنعت است، نه نسخه‌های وارداتی عمومی که با واقعیت کارخانه‌های ما هم‌خوانی ندارند. دوم، توسعه سامانه‌های کنترل کیفیت مبتنی بر بینایی ماشین است که می‌توانند نقص محصولات را با دقتی فراتر از چشم انسان و با هزینه کمتر تشخیص دهند. سوم نیز بهینه‌سازی زنجیره تأمین و مدیریت موجودی انبار با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی تقاضاست که سرمایه در گردش حبس‌شده را آزاد می‌کند. به گفته این مقام مسئول، مزیت شرکت‌های دانش بنیان، چابکی و توان ارائه راهکارهای عملیاتی با هزینه‌ای بسیار کمتر از مشاوران بین‌المللی است، البته به شرط آنکه صنعت، آن‌ها را شریک خود بداند نه صرفاً پیمانکار. نژاد دادگر درباره بخش‌هایی از زنجیره ارزش که بیشترین ظرفیت بهره‌گیری از هوش مصنوعی را دارند، گفت: بازدهی هوش مصنوعی

اصلاح نظام ارزیابی دانشگاه‌ها ضروری است

رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش‌بنیان با اشاره به فاصله دانشگاه و صنعت اظهار کرد: دانشگاه‌های ما توان علمی خوبی دارند، اما پژوهش‌ها اغلب به مقاله ختم می‌شوند نه محصول. وی در ادامه مطرح کرد: تعریف پروژه‌های مشترک مبتنی بر مسائل واقعی صنعت، تأمین مالی مشترک، فرصت‌های مطالعاتی متقابل میان دانش‌گاه و کارخانه و ایفای نقش دانش‌بنیان‌ها به عنوان پل ارتباطی میان این دو حوزه می‌تواند این فاصله را کاهش دهد. نژادداگر افزود: تا زمانی که معیار ارزیابی استاد دانشگاه صرفاً تعداد مقاله باشد و نه اثر صنعتی، این شکاف پابرجا خواهد ماند و اصلاح باید از سازوکارهای انگیزشی آغاز شود.

هوش مصنوعی باید به بخشی از تصمیم‌گیری روزمره صنعت تبدیل شود

وی در پایان، چشم‌انداز پنج‌ساله صنعت کشور را چنین ترسیم کرد: ایرانی که در آن هوش مصنوعی نه یک پروژه نمایشی، بلکه بخش عادی فرآیند تصمیم‌گیری در صنایع بزرگ و متوسط شده باشد. رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش‌بنیان اولویت‌های تحقق این هدف را به ترتیب شامل ایجاد زیرساخت داده، توسعه سرمایه انسانی و آموزش مهارت‌محور، ثبات سیاست‌گذاری و تدوین چارچوب‌های قانونی روشن، اصلاح مدل‌های تأمین مالی متناسب با شرکت‌های فناوری و در نهایت تغییر نگاه فرهنگی از بازدهی کوتاه‌مدت به مزیت رقابتی پایداری عنوان کرد. وی در پایان تأکید کرد: اگر بخواهم همه این بحث‌ها در یک جمله خلاصه کنم، باید بگویم موفقیت ما در گرو آن است که هوش مصنوعی را نه یک ابزار وارداتی لوکس، بلکه یک ضرورت برای بقای رقابتی صنعت کشور بدانیم. کشرهایی که دیرچینند، نه تنها عقب می‌مانند، بلکه بازار خود را نیز از دست خواهند داد.

تأمین مالی سنتی با سخگوی شرکت‌های فناوری محور نیست

وی درباره نقش شبکه بانکی و بازار سرمایه در توسعه هوش مصنوعی گفت: مدل تأمین مالی سنتی برای شرکت‌های فناوری محور طراحی نشده است. بانک‌ها وثیقه فیزیکی می‌خواهند، در حالی که دارایی اصلی شرکت‌های دانش‌بنیان، دانش، نیروی انسانی و مالکیت فکری است. وی افزود: پذیرش مدل‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود و طراحی ابزارهای اعتباری متناسب با چرخه عمر شرکت‌های نوآور باید در اولویت قرار گیرد. نژادداگر همچنین توسعه واقعی صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه در بازار سرمایه را ضروری دانست و گفت: حلقه مفقوده، تأمین مالی مرحله رشد است؛ بسیاری از شرکت‌ها از مرحله ایده عبور می‌کنند اما در مرحله مقیاس‌پذیری به دلیل نبود سرمایه متوقف می‌شوند. رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش‌بنیان با اشاره به شرایط تحریم گفت: تحریم هم محدودیت ایجاد کرده و هم به شکل متناقض محرک بوده است. وی ادامه داد: شرکت‌های ایرانی در حوزه پردازش زبان فارسی، مینایی ماشین و برخی سامانه‌های صنعتی به دستاوردهای قابل قبولی رسیده‌اند. زیرا ناچار بوده‌اند خودشان راهکار توسعه دهند. نمونه‌های موفق در پردازش زبان فارسی، سامانه‌های تشخیص پلاک و تحلیل تصویر صنعتی وجود دارد که قابل اتکا هستند. وی در عین حال تصریح کرد: در حوزه زیرساخت‌های بنیادین، یعنی سخت‌افزارهای محاسباتی پیشرفته و مدل‌های پایه بسیار بزرگ، همچنان فاصله معناداری با مرز جهانی وجود دارد و این فاصله صرفاً با اتکا به توان داخلی جبران نخواهد شد. به گفته وی، در لایه کاربرد عملکرد مناسبی داشته‌ایم، اما در لایه زیرساخت شکننده هستیم و راهبرد درست، تمرکز بر حوزه‌هایی است که در آن‌ها مزیت نسبی داریم.

چالش اصلی، شکاف مهارتی است نه حذف مشاغل

نژادداگر درباره اثر هوش مصنوعی بر بازار کار گفت: هم‌نگرانی واقعی وجود دارد و هم فرصت. هوش مصنوعی مشاغل تکراری را تغییر می‌دهد، اما تجربه جهانی نشان می‌دهد که بیشتر جاب‌جایی شغلی رخ می‌دهد تا حذف کامل. وی افزود: مشاغل جدیدی مانند تحلیلگر داده صنعتی و متخصص نگهداری سامانه‌های هوشمند ایجاد خواهند شد، اما اگر نیروی کار برای این نقش‌ها آموزش نبیند، با بیکاری ساختاری در کنار کمبود نیروی متخصص مواجه خواهیم شد. وی تأکید کرد: به جای ترس از فناوری، باید بازی آموزشی و ارتقای مهارت نیروی انسانی سرمایه‌گذاری کرد و این مسئولیت مشترک دولت، صنعت و نظام آموزشی است.

در تمام حلقه‌های زنجیره یکسان نیست و باید هوشمندانه اولویت‌بندی شود. وی توضیح داد: در حلقه اکتشاف، تحلیل داده‌های زمین‌شناسی و تصاویر ماهواره‌ای می‌تواند نرخ موفقیت اکتشاف را افزایش دهد؛ جایی که ریسک مالی بسیار بالاست. اما بیشترین ظرفیت تحول‌آفرینی فوری در دو حوزه نگهداری و تعمیرات پیش‌بینانه تجهیزات و کنترل کیفیت تولید قرار دارد؛ زیرا هم سریع‌تر به نتیجه می‌رسند و هم بازگشت سرمایه ملموسی دارند و برای جلب اعتماد مدیران نقطه شروع مناسبی هستند. وی همچنین تحلیل رفتار مشتری و قیمت‌گذاری هوشمند را از ظرفیت‌های مهم حلقه فروش دانست و توصیه کرد: بنگاه‌ها از بخشی آغاز کنند که هم مسئله مشخصی دارند و هم داده‌های لازم در اختیارشان است.

دولت باید تسهیل‌گر باشد

رئیس کل انجمن صنفی شرکت‌های دانش‌بنیان درباره اقدامات مورد نیاز دولت اظهار کرد: نقش دولت باید بیشتر تسهیل‌گری باشد تا تصدی‌گری. وی مهم‌ترین اولویت را ایجاد زیرساخت داده ملی و استانداردسازی دانست و گفت: تازمانی که داده‌های صنعتی و معدنی پراکنده و غیرقابل اشتراک باشند، هیچ مدل موفق شکل نخواهد گرفت. به گفته وی، ارائه مشقوق‌های مالیاتی هدفمند برای سرمایه‌گذاری در دیجیتال‌سازی و هوش مصنوعی، تدوین چارچوب‌های روشن درباره مالکیت داده، حریم خصوصی و مسئولیت حقوقی تصمیمات الگوریتمی و همچنین اجرای واقعی قوانین حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان از دیگر ضرورت‌هاست. ثبات سیاست‌گذاری نکته‌ای است که اغلب نادیده گرفته می‌شود؛ در حالی که تغییر مکرر قوانین و بخش‌نامه‌ها بزرگ‌ترین دشمن سرمایه‌گذاری بلندمدت در فناوری است.

مُجْتَمَع فولاد مُبارکه

Mobarakeh Steel Co.

سر بلندی فولاد مبارکه در مدیریت بحران آسیب های جنگ تحمیلی سوم / بازگشت قدرتمندانه «فولاد» به مدار تولید

در حالی که با توجه به حجم بالای خسارت های ایجاد شده به نظر می رسید بازگشت شرکت فولاد مبارکه اصفهان به مدار تولید فرآیندی دشوار و زمان بر باشد اما فولاد مردان اصفهانی با تکیه بر دانش و تجربه بالای خود بدون حضور حتی یک کارشناس خارجی، توانستند کوره شماره ۸ را پس از ۴۵ روز مجدداً به مدار تولید برگردانند؛ اقدامی که به عنوان نخستین گام عملی و اساسی در احیای چرخه تولید این مجتمع عظیم فولادی پس از حملات موشکی دشمن آمریکایی صهیونی تلقی می شود.

چرا دشمن فولاد مبارکه را مورد حمله قرار داد؟

روز جمعه هفتم فروردین ماه ۱۴۰۵ بود که دشمن آمریکایی صهیونی، شرکت فولاد مبارکه اصفهان را مورد حملات وحشیانه و ناجوانمردانه موشکی خود قرار داد؛ حملاتی که آسیب های جدی به نیروگاه سیکل ترکیبی ۹۱۴ مگاواتی شهید حاج احمد کاظمی، نیروگاه قدیم ۲۵۰ مگاواتی فولاد مبارکه، تعدادی از مدول های احیا مستقیم و بخشی از کارگاه تولیدی ناحیه فولادسازی این مجموعه عظیم فولادی وارد کرد.

دشمن متخاصم در ادامه حملات ددمنشانه خود به صنایع استراتژیک کشور، روز سه شنبه ۱۱ فروردین ماه ضمن حمله مجدد به شرکت فولاد مبارکه اصفهان، خسارات بیشتری را به این بنگاه بزرگ اقتصادی وارد کرد.

حملات مذکور در حالی در فاصله کمتر از یک هفته انجام شد که دشمن به خوبی متوجه جایگاه ویژه فولاد مبارکه در پیشرفت و شکوفایی صنعتی و اقتصادی کشور شده بود و خیال می کرد از این طریق می تواند بزرگترین فولادساز منطقه MENA را از مدار تولید، خارج و بازار داخلی فولاد را با اخلال همراه کند.

در چنین شرایطی، شرکت فولاد مبارکه اصفهان که طی ماه های اخیر تدابیر لازم جهت مقابله با حملات احتمالی دشمن و مدیریت بحران را اندیشیده بود، سریع تر از آن چیزی که تصور می شد، پای در عرصه بازسازی خطوط تولید نهاد و توانست عملکرد خارق العاده ای را از خود در این راستا به ثبت برساند.

به گزارش نماذ اقتصاد، فولاد طی این سال ها نه تنها به یکی از مهم ترین کالاهای صنعتی و استراتژیک در جهان بلکه به عاملی برای رشد و توسعه اقتصادی جوامع مختلف تبدیل شده است.

در وصف اهمیت فولاد همین بس که این فلز در صنایع متعددی اعم از ساختمان سازی، خودروسازی، لوازم خانگی، نفت، گاز و پتروشیمی، زیرساخت و انرژی مورد استفاده قرار می گیرد و تاثیر بسزایی نیز در توسعه یافتگی کشورها دارد. صنعت فولاد در ایران به عنوان یکی از کشورهای مطرح معدنی و فلزی جهان با پیشرفت قابل توجهی طی دهه های اخیر همراه شده و همین مسئله، زمینه ساز درخشش نام ایران در میان بزرگترین تولیدکنندگان فولاد دنیا شده است.

بر اساس آمارهای منتشر شده توسط انجمن جهانی فولاد (WSA)، میزان تولید فولاد ایران در سال ۲۰۲۵ میلادی به ۳۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تن رسید و بر این اساس ایران در جایگاه دهمین فولادساز برتر جهان قرار گرفت. در همین راستا، شرکت فولاد مبارکه اصفهان به عنوان بزرگترین فولادساز ایران، نقش کلیدی در رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی کشور ایفا کرده و سهم ۱٫۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) را به خود اختصاص داده است.

این شرکت همچنین با صادرات حدود ۱٫۴ میلیون تن محصول به ارزش بیش از ۷۰۰ میلیون دلار، یکی از ستون های اصلی صادرات غیرنفتی کشور بوده است.

مُجتمِع فولاد مُبارکِه

مدیریت هم‌زمان بازار و بازسازی خطوط تولید

اگرچه طی روزهای ابتدایی پس از حملات موشکی دشمن متخاصم به شرکت فولاد مبارکه اصفهان بازار محصولات تخت فولادی کشور، به طور مشخص ورق گرم کمی ملتهب شد اما در ادامه ورود پر قدرت فولاد مبارکه به بازار و عرضه منظم این محصولات از طریق بورس کالای ایران، آرامش را به سطح بازار برگرداند و نشان داد که بزرگ‌ترین فولادساز ایران علاوه بر حرکت در مسیر رشد و توسعه تولید، نگاه ویژه‌ای نیز بر حفظ ثبات بازار و مدیریت حساب‌شده شرایط حاکم بر آن دارد.

لازم به ذکر است که شرکت فولاد مبارکه اصفهان طی اردیبهشت ماه و خرداد ماه سال جاری، عرضه‌های متوالی و منظم محصولات خود در بورس کالای ایران را انجام داد و بی‌شک ادامه این روند را با هدف حفظ آرامش بازار و تامین نیاز حداکثری مصرف‌کنندگان محصولات تخت فولادی، دنبال خواهد کرد.

برگشت فراتر از تصور فولاد مبارکه به مدار تولید

در حالی که با توجه به حجم بالای خسارت‌های ایجادشده به نظر می‌رسید بازگشت شرکت فولاد مبارکه اصفهان به مدار تولید فرآیندی دشوار و زمان‌بر باشد اما فولاد مردان اصفهانی با تکیه بر دانش و تجربه بالای خود و بدون حضور حتی یک کارشناس خارجی، توانستند کوره شماره ۸ را پس از ۴۵ روز مجدداً به مدار تولید برگردانند؛ اقدامی که به عنوان نخستین گام عملی و اساسی در احیای چرخه تولید این مجتمع عظیم فولادی پس از حملات موشکی دشمن آمریکایی صهیونی تلقی می‌شود.

بازسازی کوره شماره ۸ فولاد مبارکه نه تنها برای بزرگ‌ترین فولادساز ایران بلکه برای مقامات و مسئولان کشوری نیز بسیار حائز اهمیت بود؛ تا جایی که سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت کشور در مراسم راه‌اندازی مجدد این کوره حضور یافت و دستاورد مذکور را نمونه‌ای شاخص از مدیریت پیران و بازسازی زیرساخت‌های راهبردی در کشور معرفی کرد.

اتابک در این مراسم تأکید کرد که سرعت بالای روند بازسازی در شرکت فولاد مبارکه اصفهان، نشانه‌ای از توان فنی و مدیریتی بالای کشور است و این بنگاه عظیم صنعتی باید از این مقطع دشوار با قدرت بیشتر، فناوری برتر و ظرفیت بالاتر عبور کند.

فولاد مبارکه چگونه بحران ایجادشده را مدیریت کرد؟

شرکت فولاد مبارکه اصفهان که همواره توجه ویژه‌ای به مقوله «مدیریت بحران» داشته است، از زمان آغاز جنگ ۱۲ روزه ذهنیت خود بر روی این مقوله را بیش از پیش متمرکز کرد و پس از حملات موشکی دشمن توانست با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و سازوکارهای تعریف‌شده در هنگام بحران، وضعیت حاکم را کنترل و روند فعالیت خود را حفظ کند.

فعال سازی سه کارگروه اصلی شامل «بازسازی»، «مالی و بازرگانی» و «رسانه و سرمایه انسانی»، نخستین اقدامی بود که توسط مدیریت ارشد فولاد مبارکه پس از حملات موشکی انجام شد؛ این اقدام در حالی صورت پذیرفت که طی بازه زمانی کمتر از ۱۴ دقیقه پس از حملات دشمن، حدود دو هزار و ۳۰۰ نفر از کارکنان حاضر در کارخانه تخلیه شدند و مجموعاً حدود ۶ هزار و ۷۰۰ نفر از پرسنل و نیروهای عملیاتی در مدیریت بحران حضور فعال داشتند.

شرکت فولاد مبارکه پس از عبور از این مرحله حساس و تثبیت شرایط حاکم بر کارخانه، «بازسازی زیرساخت‌ها» و «برگشت به تولید» را با جدیت کامل دنبال کرد و در ادامه تدوین سند راهبردی بازیابی و تداوم کسب‌وکار در دوره جنگ و پس‌انگ را نیز در دستور کار خود قرار داد.



چیزی هشدار داد؛ زنگ خطر برای آینده صنعت تجهیزات پزشکی

صنعت تجهیزات پزشکی یکی از راهبردی‌ترین بخش‌های تولید کشور است؛ صنعتی که نقشی مستقیم در تامین سلامت جامعه دارد و در سال‌های اخیر، با وجود تحریم‌ها، محدودیت‌های ارزی و نوسانات اقتصادی، توانسته بخش قابل توجهی از نیاز داخلی را تأمین کند. با این حال، فعالان این حوزه معتقدند امروز مهم‌ترین تهدید پیش روی تولید، نه کمبود فناوری و دانش فنی، بلکه بی‌ثباتی اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی و دشواری برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری و تولید است.

دکتر علیرضا چیزری، رئیس انجمن صنفی تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی و دارویی، در گفت‌وگو با خبرنگار نماد اقتصاد ضمن تشریح مهم‌ترین چالش‌های این صنعت، از موانع تولید، مشکلات تأمین مالی، تأثیر تحریم‌ها بر صادرات، ضرورت اصلاح سیاست‌های اقتصادی و چشم‌انداز آینده صنعت تجهیزات پزشکی سخن گفته است؛ صنعتی که به اعتقاد او، در صورت ایجاد ثبات اقتصادی می‌تواند به یکی از پیشران‌های رشد تولید و صادرات کشور تبدیل شود.

چیزری، با اشاره به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی صنعت تجهیزات پزشکی کشور، تأکید کرد: مهم‌ترین دغدغه امروز تولیدکنندگان، کمبود دانش فنی و نبود ظرفیت تولید نیست، بلکه بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش مستمر ارزش پول ملی است؛ موضوعی که امکان هرگونه برنامه‌ریزی برای تولید را از فعالان این حوزه سلب کرده است.

وی در گفت‌وگو با خبرنگار نماد اقتصاد اظهار کرد: تولیدکننده باید بتواند برای یک سال آینده تولید، تأمین مواد اولیه و حتی بازگشت سرمایه خود برنامه‌ریزی کند، اما جهش‌های مداوم نرخ ارز و افت ارزش پول ملی باعث شده تمام محاسبات اقتصادی در کوتاه‌ترین زمان غیرقابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی باشد. چیزری افزود: در چنین شرایطی بسیاری از تولیدات، از جمله تجهیزات پزشکی، صرفه اقتصادی خود را از دست می‌دهند و توقف تولید، نخستین پیامد این وضعیت است. این در حالی است که صنعت تجهیزات پزشکی متکی بر نیروی انسانی متخصص و باتجربه است و در صورت خروج این نیروها، جایگزینی آنها به سال‌ها زمان نیاز خواهد داشت.

ثبات اقتصادی؛ مهم‌ترین حمایت از تولید

وی در پاسخ به این پرسش که دولت برای حمایت از صنعت تجهیزات پزشکی چه اقداماتی باید انجام دهد، تأکید کرد: مهم‌ترین حمایت از تولید، پرداخت وام یا تسهیلات نیست؛ بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و حفظ ارزش پول ملی است.

به گفته چیدری، در صورت رفع موانع اقتصادی، کاهش تحریم‌ها و ایجاد ثبات در بازار، تولیدکنندگان قادر خواهند بود برای آینده برنامه‌ریزی کنند، سرمایه‌گذاری افزایش یابد و زمینه توسعه صادرات نیز فراهم شود.

وی همچنین حذف بروکراسی‌های زائد، شفاف‌سازی فرآیندهای صدور مجوز، راه‌اندازی کامل سامانه‌های الکترونیکی و حذف امضاهای طلایی را از دیگر الزامات بهبود فضای کسب‌وکار عنوان کرد.

آینده صنعت؛ میان حذف یا جهش

رئیس انجمن صنفی تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی و دارویی درباره چشم‌انداز پنج ساله این صنعت هشدار داد: اگر شرایط فعلی ادامه پیدا کند، صنعت تجهیزات پزشکی کشور در سه تا پنج سال آینده با خطر جدی پخش بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های تولیدی مواجه خواهد شد. با این حال وی تأکید کرد: در صورت اصلاح شرایط اقتصادی، صنعت تجهیزات پزشکی یکی از معدود صنایع کشور است که ظرفیت رشد بیش از ۲۰ درصد در سال را دارد. چیدری در پایان خاطرنشان کرد: زیرساخت‌های تولید، دانش فنی و نیروی انسانی متخصص در کشور وجود دارد و اگر اقتصاد به ثبات برسد، این صنعت حتی می‌تواند در سال نخست بیش از ۳۰ درصد رشد را تجربه کند و در سال‌های بعد نیز رشد سالانه بالای ۲۰ درصد را حفظ کند.

صادرات؛ ظرفیتی که تحریم‌ها متوقف کرده‌اند

رئیس انجمن صنفی تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی و دارویی با بیان اینکه صادرات تجهیزات پزشکی ایران در حال حاضر بسیار محدود و نزدیک به صفر است، تصریح کرد: مشکل اصلی، کیفیت محصولات نیست؛ بلکه محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، نبود ارتباطات بانکی بین‌المللی و دشواری نقل و انتقال مالی، امکان حضور مؤثر در بازارهای جهانی را از تولیدکنندگان گرفته است. وی ادامه داد: تولیدکنندگان ایرانی حتی امکان افتتاح یک حساب بانکی بین‌المللی را ندارند و در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار صادرات گسترده داشت.

چیدری همچنین به موضوع استانداردهای بین‌المللی اشاره کرد و گفت: بسیاری از محصولات ایرانی از نظر کیفیت قابلیت حضور در بازارهای جهان را دارند، اما دریافت گواهینامه‌ها و تاییدیه‌های معتبر بین‌المللی همانند «CE» از جمله استانداردهای مورد نیاز برای صادرات، به دلیل محدودیت‌های موجود با دشواری جدی مواجه شده است.

کاهش ارزش مطالبات تولیدکنندگان

رئیس انجمن صنفی تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی و دارویی یکی دیگر از مشکلات جدی این صنعت را تأخیر در پرداخت مطالبات تولیدکنندگان دانست و گفت: دوره وصول مطالبات که پیش‌تر حدود یک سال بود، اکنون به حدود ۱۴ ماه رسیده است. در اقتصادی با تورم بالا، ارزش واقعی این مطالبات به شدت کاهش پیدا می‌کند و بخش بزرگی از سرمایه تولیدکنندگان از بین می‌رود.

۷۰ درصد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود

وی درباره سهم مهم تولید داخل در تأمین تجهیزات پزشکی کشور نیز اظهار داشت: از نظر تعداد، حدود ۷۰ درصد نیاز مصرفی کشور توسط تولیدکنندگان داخلی تأمین می‌شود، اما از نظر ارزش ریالی و فناوری، این سهم بین ۶۰ درصد برآورد می‌شود. چیدری با اشاره به شرایط اقتصادی تولید افزود: برخی تجهیزات به دلیل پایین بودن تیراژ مصرف، اساساً تولید داخلی آنها توجیه اقتصادی ندارد و واردات آنها منطقی‌تر است.

وداع با برادر بزرگتر؛ نقره چگونه از زیر سایه طلا بیرون آمد و صنایع را تسخیر کرد؟



تقاضای صنعتی؛ عامل تعیین کننده جدید قیمت

برخلاف گذشته، قیمت نقره امروز بیش از هر چیز تحت تاثیر تقاضای صنعتی قرار دارد. رشد سریع صنایع انرژی پاک، به ویژه گسترش نیروگاه های خورشیدی، مصروف نقره را به سطحی رسانده که ساختار بازار را دگرگون کرده است. در کنار آن، افزایش استفاده از نقره در قطعات الکترونیکی، خودروهای الکتریکی و زیرساخت های ارتباطی باعث شده است این فلز به یکی از عناصر کلیدی در زنجیره تامین فناوری های نوین تبدیل شود. در نتیجه، قیمت گذاری نقره دیگر صرفا تابع عوامل مالی یا اقدامات سفته بازان نیست، بلکه شرایط بازار آن به میزان توان تولید، ظرفیت استخراج و محدودیت های عرضه جهانی گره خورده است. بر همین اساس هرگونه ناهماهنگی میان این عوامل می تواند به سرعت به محدودیت عرضه و افزایش نوسانات قیمتی منجر شود.

نقش ابزارهای مالی در بازار نقره جهانی

بازار نقره در سطح جهانی ساختاری یکپارچه ندارد. تفاوت میان قیمت های مینا در بازارهای مختلف مانند بورس لندن، نیویورک و بازارهای آسیا، نشان دهنده وجود شکاف های ساختاری در زنجیره تامین و جریان نقدینگی است. در کنار بازارهای فیزیکی، ابزارهای مالی مانند صندوق های سرمایه گذاری قابل معامله ETF نیز نقش مهمی در شکل دهی به رفتار سرمایه گذاران ایفا می کنند. با این حال، این ابزارها همواره با ریسک هایی مانند اختلاف قیمت مینا و تاخیر در اعلام زمان شروع و پایان پنجره آربیتراژ مواجه هستند. در چنین شرایطی، دیگر صرفا پیش بینی قیمت کافی نخواهد بود؛ بلکه مدیریت ساختاری موقعیت های خرید و فروش، کنترل ریسک در بازارها و درک دقیق از جریان عرضه و تقاضا اهمیت بیشتری پیدا می کند.

قیمت گذاری و رفتار سرمایه گذاران را به طور اساسی تغییر داده است. در شرایط کنونی، سرمایه گذاری که همچنان نقره را صرفا در مقایسه با طلا و به عنوان برادر کوچک تر این فلز گران بها ارزیابی می کنند، در بسیاری موارد با بازدهی پایین تری در سبد دارایی های خود مواجه شده اند. در مقابل، فعالانی که نقره را به عنوان یک نهاده صنعتی می بینند، از رشد تدریجی ارزش آن در زنجیره های تولیدی بهره مند شوند.

نقره؛ از دارایی مالی تا نهاده صنعتی

اگرچه نقره همچنان نقش یک ابزار پوشش ریسک تورمی و دارایی امن را حفظ کرده است، اما موتور اصلی تقاضای آن دیگر در حوزه های سنتی مانند ساخت جواهرات یا ضرب سکه نیست. امروزه بخش عمده تقاضای نقره از صنایع نوین مانند سلول پیل های خورشیدی گرفته تا تجهیزات خودروهای الکتریکی و زیرساخت های نسل پنجم شبکه های مخابراتی سرچشمه می گیرد. این تغییر ساختاری باعث شده است بازارهای منطقه ای مانند بورس کالا در هند و قراردادهای آتی در بازارهای جهانی، همگی تحت تاثیر یک واقعیت مشترک قرار گیرند و آن این که نقره به یک عنصر غیرقابل جایگزین در گذار به انرژی های جهانی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، مدل هایی که قیمت نقره را صرفا در چارچوب نسبت تاریخی آن با طلا تحلیل می کنند، به تدریج کارایی خود را از دست داده اند. زیرا این نسبت دیگر تنها یک شاخص مالی نبوده، بلکه بازتابی از تغییرات عمیق در الگوی عرضه و تقاضای صنعتی است.

بازار جهانی نقره در سال ۲۰۲۶ دستخوش یک دگردیسی پارادایمی شده است؛ این فلز که پیش تر عمدتا در سایه طلا و به عنوان ابزار پوشش ریسک تورمی شناخته می شد، اکنون به ماده ای ضروری در اکوسیستم انرژی های پاک و فناوری های پیشرفته بدل گشته است. شکاف عمیق میان تصور مرسوم سرمایه گذاران و کاربرد واقعی این کالا در صنعت، معادلات قیمت گذاری این فلز را دگرگون ساخته است. برخلاف گذشته، دیگر جریان های سفته بازانه یا نسبت های تاریخی با طلا تعیین کننده مسیر ارزش نقره نیستند؛ بلکه عطش فزاینده صنایعی نظیر نیروگاه های فتوولتائیک، خودروهای الکتریکی و شبکه های مخابراتی نسل نو، نبض عرضه و تقاضا را در دست گرفته است. همزمان، محدودیت های مزمن در سمت عرضه که ریشه در ماهیت فرعی استخراج این فلز و افت عیار ذخایر دارد، بر پیچیدگی شرایط افزوده است. این تحولات، نقره را از یک دارایی صرفا پولی به شاخصی پیش رو برای سلامت گذار به تجدیدپذیرها و توسعه صنعتی مبدل کرده است. در نتیجه، موفقیت در این بازار دوقطبی، مستلزم گذار از تحلیل های مالی ساده انگارانه و اتکا به درکی عمیق از زنجیره تامین، پویایی های تکنولوژیک و ریسک های ساختاری عرضه است.

به گزارش **نماد اقتصاد**، روایت سنتی درباره نقره مدت هاست تثبیت شده، اما واقعیت امروز بازار این روایت را به چالش کشیده است. نقره دیگر صرفا یک فلز گران بها یا ابزار پوشش ریسک تورمی نیست؛ بلکه به تدریج به یک کالای راهبردی با نقش حیاتی در زیرساخت های صنعتی و انرژی جهانی تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۶، فاصله میان نگاه سفته بازانه و واقعیت صنعتی این فلز به شکافی ساختاری تبدیل شده؛ شکافی که جهت گیری



افزایش شکاف میان طلا و نقره

در حالی که طلا همچنان نقش اصلی خود را به عنوان ذخیره ارزش و دارایی امن در بانک‌های مرکزی حفظ کرده است، نقره مسیر متفاوتی را طی می‌کند. این فلز بیش از آنکه یک ابزار مالی باشد، به یک ماده اولیه حیاتی در صنایع پیشرفته تبدیل شده است. این تفاوت کارکردی باعث شده است نسبت طلا به نقره دیگر صرفاً یک شاخص معاملاتی نباشد، بلکه به نوعی شاخص سیستم اقتصادی جهانی تبدیل شود؛ سیستمی که در آن طلا نماینده ثبات مالی و نقره نمایانگر رشد صنعتی است.

واقعیت‌های محدودیت عرضه

یکی از عوامل کلیدی در تغییر رفتار بازار نقره، محدودیت‌های ساختاری در سمت عرضه است. بخش قابل توجهی از نقره به عنوان محصول جانبی استخراج سایر فلزات مانند مس تولید می‌شود؛ بنابراین تغییر در تولید این فلزات مستقیماً بر عرضه نقره اثر می‌گذارد. هم‌زمان، کاهش عیار مواد معدنی و افزایش هزینه‌های استخراج، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. در چنین شرایطی، مدل‌های سنتی عرضه که بر پایه ثبات تولید سالانه بنا شده‌اند، دیگر پاسخگوی واقعیت بازار نیستند. در نتیجه، شرکت‌های معدنی به سمت مدل‌های تولید انعطاف‌پذیرتر حرکت کرده‌اند؛ مدل‌هایی که بتوانند خود را با تغییرات هزینه انرژی، نیروی کار و کیفیت ذخایر معدنی تطبیق دهند.

نقره در اقتصاد جدید انرژی

به طور کلی نقش نقره را باید در چارچوب اقتصاد گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر تحلیل کرد. این فلز اکنون در نقطه تلاقی سه روند کلیدی رشد انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه صنایع الکترونیک پیشرفته و افزایش تقاضای زیرساختی در اقتصاد دیجیتال قرار دارد. این موقعیت باعث شده است نقره از یک دارایی صرفاً مالی به یک عنصر استراتژیک در زنجیره ارزش جهانی تبدیل شود. در چنین وضعیتی، موفقیت سرمایه‌گذاران نه در پیش‌بینی کوتاه‌مدت قیمت، بلکه در درک دقیق از ساختار عرضه، تقاضای صنعتی و چرخه‌های فناوری نهفته است. در جمع‌بندی می‌توان گفت نقره امروز دیگر تنها یک ابزار برای سفته‌بازان نیست؛ بلکه یک شاخص زنده از تحول اقتصاد و بازار جهانی است؛ بازاری که در آن، دقت تحلیلی و درک ساختاری از زنجیره‌های صنعتی، تنها مسیر پایدار برای خلق ارزش محسوب می‌شود.

نماذ اقتصاد گزارش می‌دهد: صنعت فولاد نماذ خودباوری و توسعه صنعتی در ایران

فولاد نیز گسترش یافته و زنگ خطر را برای فعالان این صنعت به صدا درآورده است. تامین پایدار خوراک (سنگ آهن)، به یکی دیگر از مهم‌ترین دغدغه‌های تولیدکنندگان فولاد در این سال‌ها تبدیل شده است؛ اگرچه ایران از ذخایر غنی سنگ آهن سود می‌برد اما مسائلی همچون افزایش هزینه‌های استخراج، کاهش ذخایر پرعیار، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های جدید و عدم به‌کارگیری فناوری‌های نوین، تامین این ماده معدنی پرکاربرد در کارخانجات فولادی را با نگرانی‌هایی همراه کرده است. در حالی که هزینه حمل یکی از اجزای مهم قیمت نهایی محصولات فولادی محسوب می‌شود، کمبود ناوگان ریلی، افزایش هزینه حمل جاده‌ای، فرسودگی زیرساخت‌ها و محدودیت‌های موجود در برخی بنادر، منجر به محدودیت‌هایی در حوزه حمل و نقل و لجستیک و تبدیل آن به یکی از چالش‌های اساسی صنعت فولاد کشور شده است.

عدم استفاده از تکنولوژی‌های روز و فرسودگی برخی تجهیزات و ماشین‌آلات در تمامی مراحل تولید، از اکتشاف و استخراج تا تولید محصولات نهایی را می‌توان یکی دیگر از معضلات کنونی صنعت فولاد ایران برشمرد. مادامی که بسیاری از فولادسازان مطرح جهان مشغول تولید محصولات جدید بر پایه دانش روز و فناوری‌های جدید هستند و حضور موثری در بازارهای به شدت رقابتی داشته‌اند، فولادسازان داخلی به دلیل تحریم‌ها و عدم برقراری ارتباط با شرکت‌های معتبر خارجی ناچار به استفاده از تکنولوژی‌های نسبتاً قدیمی بوده و نقش آن‌ها در بازارهای خارجی نیز کمرنگ شده است.

در این میان، نمی‌توان از چالش قیمت‌گذاری در

تولیدکنندگان فولاد جهان به چشم می‌خورد و حملات وحشیانه و ددمنشانه دشمن آمریکایی صهیونی به دو کارخانه بزرگ فولادی یعنی شرکت‌های فولاد مبارکه و فولاد خوزستان در جریان جنگ تحمیلی سوم، سبب کاهش ظرفیت تولید فولاد و در نهایت خارج شدن ایران از جمع ۱۰ فولادساز برتر جهان شد. علی‌رغم جایگاه ویژه و اهمیت بالایی که صنعت فولاد در رشد صنعتی و توسعه اقتصادی کشور از آن برخوردار است، متأسفانه فعالان این صنعت طی سال‌های اخیر با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه بوده‌اند که عملکرد آن‌ها در تولید و سودآوری را به شدت تحت آتش‌عجاج قرار داده است.

چالش‌های اساسی پیش‌روی صنعت فولاد

فولاد ذاتاً یک صنعت انرژی‌بر است و بر همین اساس، تامین پایدار حامل‌های انرژی اعم از برق، گاز و آب در کارخانجات فولادی، از نان شب هم برای فعالان این صنعت واجب‌تر به نظر می‌رسد. با این وجود و هم‌زمان با تشدید ناترازی‌های انرژی در کشور به‌ویژه طی دو تا سه سال اخیر، محدودیت تامین برق در روزهای گرم سال و محدودیت هم‌زمان تامین برق و گاز در روزهای سرد سال، تولید را به میزان قابل‌توجهی در واحدهای فولادی کاهش داده و منجر به افزایش هزینه تمام‌شده، کاهش عرضه در بازار، تأخیر در تحویل سفارش‌ها و همچنین افت صادرات محصولات فولادی شده است.

علاوه بر این، نباید از اهمیت تامین پایدار آب در کارخانجات فولادی غافل شد؛ در حالی که امروزه بسیاری از مناطق کشور با بحران کم‌آبی دست و پنجه نرم می‌کنند، بحران مذکور به بدنه صنعت

با وجود حملات ددمنشانه و ناجوانمرانه دشمن آمریکایی صهیونی به کارخانجات بزرگ فولادی کشور در جریان جنگ تحمیلی سوم، فولاد مردان ایرانی لحظه‌ای دسست از تلاش و کوشش خود برنکشیده‌اند و مصمم‌تر از قبل در مسیر پیشرفت و توسعه گام برداشته‌اند.

به گزارش نماذ اقتصاد، فولاد پس از نفت خام، دومین کامودیتی پرمصرف در سطح جهان شناخته می‌شود و به دنبال خواص منحصر به فردی که از آن‌ها برخوردار است، در صنایع متعددی نظیر نفت، گاز و پتروشیمی، ساختمان‌سازی، خودروسازی، لوازم خانگی، زیرساخت و انرژی مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق آمارهای منتشرشده توسط انجمن جهانی فولاد (WSA)، میزان تولید فولاد جهان طی پنج ماهه نخست سال ۲۰۲۶ میلادی به ۷۷۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تن رسیده که از این میزان، سهم چین به عنوان بزرگ‌ترین فولادساز جهان ۴۱۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تن بوده است.

پس از چین، کشورهای هند با تولید ۷۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تن، ایالات متحده آمریکا ۳۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تن، ژاپن ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تن، روسیه و کره جنوبی ۲۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تن، ترکیه ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تن، آلمان ۱۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تن، برزیل ۱۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تن و ویتنام ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تن، به ترتیب در رتبه‌های دوم تا دهم بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد دنیا ایستاده‌اند.

این آمار در حالی توسط انجمن جهانی فولاد اعلام شده است که جای خالی ایران در آن به شدت احساس می‌شود؛ چراکه نام کشور تا همین دو ماه قبل، همواره در میان بزرگ‌ترین

زنجیره ارزش آهن و فولاد کشور نیز غافل شد؛ مسئله‌ای که طی سالیان اخیر همواره مورد بحث و اختلاف نظر میان تولیدکنندگان فولاد بوده و به یکی از چالش‌های اثرگذار بر صنعت فولاد تبدیل شده است. در همین راستا، نوسانات نرخ ارز نیز تاثیر بسزایی بر قیمت تمام‌شده محصولات فولادی در بازارهای داخلی و صادراتی داشته و عملکرد فولادسازان را علی‌الخصوص در حوزه صادرات تحت تاثیر قرار داده است.

عزم جدی فولادسازان در مسیر رشد و توسعه

با توجه به مسائلی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد و دشواری‌های متعدد دیگری که پیش‌روی صنعت فولاد ایران در مسیر رشد و توسعه قرار داشته است، فعالان این صنعت اقدامات موثری را با هدف بهبود شرایط حاکم بر زنجیره آهن و فولاد کشور و رفع چالش‌ها و محدودیت‌های موجود انجام داده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به احداث نیروگاه‌های برق خودتامین و خورشیدی، احداث تصفیه‌خانه‌های اختصاصی آب، سرمایه‌گذاری در حوزه اکتشاف، بومی‌سازی تجهیزات و ماشین‌آلات و... اشاره کرد. در وصف همت بالا و سخت‌کوشی تحسین‌برانگیز فولادمردان ایرانی همین بس که علی‌رغم حملات ددمنشانه و ناجوانمردانه دشمن آمریکایی صهیونی به کارخانجات بزرگ فولادی کشور در جریان جنگ تحمیلی اخیر، آن‌ها لحظه‌ای دست از تلاش و کوشش خود برنداشتند و مصمم‌تر از قبل در مسیر پیشرفت و توسعه گام برداشتند.

راه‌اندازی گوره شماره ۸ فولاد مبارکه به عنوان بزرگ‌ترین فولادساز ایران طی ۴۵ روز و بدون حضور حتی یک کارشناس خارجی را می‌توان مهر تاییدی در این راستا برشمرد. آنچه در پایان باید بر آن تاکید کرد، اینکه فعالان صنعت فولاد تمام تلاش خود را با هدف پالندگی و توسعه صنعتی و اقتصادی کشور طی این سال‌ها به کار گرفته‌اند و بر این اساس می‌طلبند که دولت و بخش‌های مرتبط همچون وزارتخانه‌های صمت، نیرو و... تدابیر لازم جهت رفع موانع و چالش‌های پیش‌روی صنایع فولادی کشور را ببندیشند؛ چراکه فولاد می‌تواند آینده روشن‌تری را برای صنعت و اقتصاد ایران در سال‌های آتی رقم بزند و زمینه‌ساز درخشش هرچه بیش‌تر نام مقدس جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شود.

از مونتاز خودرو تا تسلط بر زنجیره ارزش؛ نفوذ موبیرگی چین در صنعت خودروسازی جهان

در دسرساز می شود

نفوذ چین در صنعت خودروسازی جهان دیگر تنها به توسعه صادرات و گسترش حضور برندهایی همچون BYD، جیلی و چری در بازارهای بین المللی محدود نمی شود.

نرم افزارهای خودرویی، نیمه هادی ها و فناوری های پیشرفته تولید قطعات نیز به طور قابل توجهی گسترش داده اند. به اعتقاد کارشناسان، چین اکنون در بسیاری از فناوری های مرتبط با حمل و نقل آینده و خودروهای مبتنی بر انرژی های نو از مزیت رقابتی فناورانه برخوردار است و بسیاری از برندهای غربی برای بهره گیری از این توانمندی ها به دنبال همکاری با شرکت های چینی هستند.

چین؛ کارخانه تولید خودرو جهان

اگرچه بسیاری از بزرگترین تولیدکنندگان قطعات خودرو در جهان شرکت های چینی نیستند، اما بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید آن ها در خاک چین مستقر شده است. به عنوان نمونه، شرکت آلمانی بوش در حال حاضر نزدیک به ۳۰۰ واحد تولیدی در سراسر جهان در اختیار دارد که ۳۴ واحد آن در چین فعالیت می کنند. شرکت ژاپنی دینسو نیز از حدود ۳۰۰ سایت تولیدی خود، ۲۲ واحد را در چین مستقر کرده است. این آمار نشان می دهد که شرکت های چندملیتی، تولید در چین را به بخش جدایی ناپذیر زنجیره ارزش جهانی خود تبدیل کرده اند. مزیت چین تنها به هزینه پایین نیروی کار محدود نمی شود، بلکه عواملی نظیر تراکم بالای تامین کنندگان، زیرساخت های لجستیکی پیشرفته، دسترسی گسترده به مواد اولیه و مقیاس عظیم تولید، جایگاه این کشور را در صنعت خودرو تثبیت کرده است.

تسلط بر مواد اولیه صنعت خودرو

برتری صنعتی چین از بخش های بالادستی زنجیره تامین نیز نشأت می گیرد. این کشور بخش قابل توجهی از ظرفیت فرآوری جهانی مواد معدنی و فلزات مورد نیاز صنعت خودرو، به ویژه مواد اولیه مورد استفاده در باتری ها و فناوری های الکتریکی سازی را در اختیار دارد. کارشناسان معتقدند رمز موفقیت چین در آن بوده که برخلاف بسیاری از رقبای، تمرکز خود را صرفاً بر مونتاژ خودرو قرار نداده و همزمان به ایجاد زنجیره های تامین یکپارچه و توسعه صنایع بالادستی پرداخته است. از سال ۲۰۱۲ تاکنون، چین جایگاه بزرگترین تولیدکننده خودرو در جهان را حفظ کرده و این موفقیت تا حد زیادی مرهون شبکه گسترده تولید، دسترسی به مواد اولیه و ظرفیت عظیم فرآوری صنعتی این کشور بوده است.

ظهور انتقال معکوس فناوری در صنعت خودرو

نمونه های متعدد از این تحول در صنعت جهانی خودرو قابل مشاهده است. همکاری های میان شرکت جیلی و رنو با همکاری های مشترک میان شرکت های SAIC و جنرال موتورز نشان می دهد که خودروسازان چینی دیگر صرفاً پذیرنده فناوری نیستند، بلکه به تامین کنندگان دانش فنی، فناوری های نوین و ظرفیت های تولیدی برای شرکت های غربی تبدیل شده اند. این تغییر پارادایم تا حد زیادی نتیجه برنامه ریزی صنعتی بلندمدت چین است؛ رویکردی که طی بیش از سه دهه و از طریق برنامه های توسعه پنج ساله به طور مستمر دنبال شده است. سیاست گذاری متمرکز در حوزه تولید، نوآوری و فناوری های انرژی های نو، به شرکت های چینی امکان داده تا فراتر از مونتاژ خودرو حرکت کرده و در تمامی حلقه های زنجیره ارزش صنعت خودرو جایگاه موثری به دست آورند. کارشناسان معتقدند یکی از مهم ترین مزیت های رقابتی چین، شکل دهی به شبکه ای گسترده و یکپارچه از تامین کنندگان قطعات و مواد اولیه است؛ مزیتی که رقبا به سادگی قادر به تکرار آن نیستند.

برتری چین در بخش خودروهای مبتنی بر انرژی های نو

قدرت واقعی چین بیش از هر بخش دیگری در بازار خودروهای مبتنی بر انرژی های نو شامل خودروهای تمام الکتریکی و هیبریدی نمایان شده است. این کشور طی سال های گذشته موفق شده اکوسیستمی عظیم از تولیدکنندگان قطعات، مواد اولیه و فناوری های مرتبط ایجاد کند که علاوه بر کاهش هزینه های تولید، سرعت نوآوری را نیز افزایش داده است. در همین رابطه شرکت CATL یکی از برجسته ترین نمونه های این موفقیت به شمار می رود. این شرکت که هم اکنون بزرگترین تولیدکننده باتری خودروهای الکتریکی در جهان محسوب می شود، تامین کننده سیستم باتری بسیاری از خودروسازان مطرح جهانی از جمله تسلا و استلانتیس است و نقشی راهبردی در بازار جهانی خودروهای الکتریکی ایفا می کند. در عین حال نفوذ چین تنها به تولید باتری محدود نیست. شرکت های چینی در سال های اخیر حضور خود را در حوزه هایی نظیر توسعه سامانه های الکترونیکی خودرو،

به گزارش نماد اقتصاد، نفوذ چین در صنعت خودروسازی جهان دیگر تنها به توسعه صادرات و گسترش حضور برندهایی همچون BYD، جیلی و چری در بازارهای بین المللی محدود نمی شود. امروز، رد پای صنعت خودرو چین را می توان در تقریباً تمامی خودروهای تولید و عرضه شده در جهان مشاهده کرد؛ به گونه ای که به اعتقاد کارشناسان، تقریباً هیچ خودرویی در بازار جهانی وجود ندارد که دست کم بخشی از قطعات آن در چین تولید نشده یا از فناوری های توسعه یافته توسط شرکت های چینی بهره نبرده باشد. آریک رامیرز، مدیر منطقه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب در موسسه Urban Science معتقد است چین در تمامی برندها و بخش های صنعت خودروسازی نفوذ کرده است. به گفته وی، هر خودرو به طور متوسط از ۹ تا ۱۰ هزار قطعه تشکیل شده و حداقل ۱۵ درصد از این قطعات منشأ چینی دارند. از این منظر، دیگر نمی توان هیچ خودروسازی را یافت که به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم به زنجیره تامین چین وابسته نباشد.

سه دهه سرمایه گذاری برای تسلط بر صنعت خودرو

ریشه این نفوذ گسترده به بیش از سه دهه پیش و شکل گیری همکاری های مشترک میان خودروسازان غربی و شرکت های چینی بازمی گردد. مشارکت هایی نظیر همکاری میان شرکت های فولکس واگن و SAIC (یا پروژه مشترک Beijing Jeep) در ابتدا با هدف انتقال دانش فنی، فناوری های تولید و تجربه مهندسی به طرف چینی شکل گرفت. در آن دوران، شرکت های چینی برای تسریع فرایند صنعتی شدن و دستیابی به فناوری های پیشرفته، به مشارکت با خودروسازان بزرگ جهان نیاز داشتند اما اکنون، این راهبرد وارد مرحله ای کاملاً متفاوت شده است؛ مرحله ای که در آن شرکت های چینی نه تنها به فناوری و دانش فنی مستقیم نقل دست یافته اند، بلکه توانسته اند برندها، پلتفرم ها و سیستم های تولیدی رقابت پذیری را در مقیاس جهانی توسعه دهند. رامیرز معتقد است مسیر همکاری های صنعتی در سال های اخیر دستخوش تغییر اساسی شده و جهان امروز شاهد شکل گیری سرمایه گذاری های مشترک معکوس است؛ فرایندی که در آن این بار شرکت های غربی برای دسترسی به فناوری ها و ظرفیت های تولیدی چین به همکاری با شرکت های چینی روی آورده اند.

صعود برندهای چینی در بازارهای بین‌المللی

یکپارچگی زنجیره ارزش و مزیت‌های تولیدی، زمینه‌ساز توسعه بین‌المللی خودروسازان چینی نیز شده است. بازار مکزیک نمونه روشنی از این روند به شمار می‌رود. با وجود اعمال تعرفه‌هایی تا سقف ۵۰ درصد برای خودروهای وارداتی از کشورهای که توافق تجارت آزاد با مکزیک ندارند، برندهای چینی همچنان در حال افزایش سهم خود از این بازار هستند. در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶، خودروسازان چینی موفق شدند ۱۱٫۲ درصد از بازار خودرو مکزیک را در اختیار بگیرند و برای نخستین بار از این نظر به رقیبی برای خودروسازان آلمانی تبدیل شوند. در این دوره، ۹۰ برند چینی در مجموع ۴۲ هزار و ۸۰۸ دستگاه خودرو در بازار مکزیک به فروش رساندند که نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۵، رشدی ۲۵٫۳ درصدی را نشان می‌دهد. برآوردهای انجمن‌های صنعتی حاکی از آن است که خودروهای تولیدشده در چین در این بازه زمانی حدود ۲۲٫۹ درصد از کل فروش خودرو در بازار داخلی مکزیک را به خود اختصاص داده‌اند. این رقم در صورت لحاظ کردن برندهایی که آمار فروش خود را به صورت عمومی منتشر نمی‌کنند، به حدود ۲۸ درصد افزایش می‌یابد.

آینده صنعت خودرو در سایه زنجیره تامین چینی

تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد رقابت در صنعت خودرو دیگر صرفاً بر سر طراحی خودرو یا توسعه برندهای جدید نیست، بلکه کنترل زنجیره تامین، دسترسی به مواد اولیه و توانایی توسعه فناوری‌های نوظهور به مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قدرت صنعتی تبدیل شده‌اند. چین طی سه دهه گذشته موفق شده است با سرمایه‌گذاری مستمر در حوزه تولید، مواد اولیه، فناوری و زیرساخت، موقعیتی ایجاد کند که امروز تقریباً تمامی خودروسازان جهان به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم به آن وابسته باشند. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد آینده صنعت خودرو بیش از هر زمان دیگری با توانمندی‌های صنعتی و فناوریانه چین گره خورده است.

آینده صنعت نفت و گاز بریتانیا در گرو کربن زدایی



انرژی های تجدیدپذیر؛ مزیت را هب ردی ایران برای تامین برق تولید

مخالفان سیاست های کربن زدایی معتقدند مجموعه ای از مقررات جدید، جذابیت سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز بریتانیا را کاهش داده است. توافق نامه «گذار دریای شمال» شرکت های فعال در بخش بالادستی را موظف کرده تا سال ۲۰۳۰ میزان انتشار ناشی از عملیات تولید خود را به نصف کاهش داده و کربن سوزی های خود را به طور کامل متوقف کنند. علاوه بر این، رای اخیر دیوان عالی بریتانیا شرکت های نفت و گاز را موظف کرده است که در ارزیابی های زیست محیطی پروژه های خود، اثرات ناشی از مصرف محصولات نهایی نفتی و گازی را نیز مورد بررسی و مدیریت قرار دهند. از سوی دیگر، دولت حزب کارگر نیز تاکنون بر سیاست عدم صدور مجوزهای جدید اکتشاف نفت و گاز پایبند مانده است. در کنار این موضوع، فعالان صنعت، پرداخت مالیات موسوم به «مالیات بر سودهای غیرمنتظره انرژی» را نیز یکی از عوامل بازدارنده سرمایه گذاری می دانند؛ میلی که از سال ۲۰۲۲ اعمال شده و نرخ مالیات بر سود فعالیت های بالادستی را به حدود ۷۸ درصد رسانده است.

واقعیت بازار؛ نفت ارزان تر از سیاست های اقلیمی

با این حال، بسیاری از موسسات مشاوره ای، تحلیلگران بازار و حتی مدیران صنعت نفت، روایت متفاوتی از دلایل اصلی کاهش اشتغال ارائه می کنند. در سال ۲۰۱۴ و همزمان با سقوط قیمت جهانی نفت تا محدوده ۵۰ دلار برای هر بشکه، صنعت نفت دریای شمال وارد دوره ای از تعدیل گسترده نیروی انسانی شد. تنها بین آغاز افت قیمت نفت و پایان سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۲۰ هزار شغل از دست رفت و طی سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نیز حدود ۴۰ هزار فرصت شغلی دیگر حذف شد. این تعدیل های گسترده

در اوج رونق صنعت در سال ۲۰۱۴، حدود ۴۵۳ هزار شغل به طور مستقیم و غیرمستقیم به صنعت نفت و گاز فراساحلی وابسته بود. با این حال، روند نزولی تولید و سرمایه گذاری در سال های بعد موجب شد بسیاری از شرکت ها به دنبال تنوع بخشی به فعالیت های خود و ورود به حوزه هایی نظیر تولید هیدروژن، انرژی های تجدیدپذیر و فناوری های جذب و ذخیره کربن حرکت کنند. با وجود این، آمارها نشان می دهد تنها ۷ شرکت از مجموع ۸۷ شرکت فعال این صنعت تاکنون سرمایه گذاری قابل توجهی در حوزه انرژی های تجدیدپذیر انجام داده اند.

سیاست های کربن زدایی و فشار بر صنعت نفت

مخالفان سیاست های کربن زدایی معتقدند مجموعه ای از مقررات جدید، جذابیت سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز بریتانیا را کاهش داده است. توافق نامه «گذار دریای شمال» شرکت های فعال در بخش بالادستی را موظف کرده تا سال ۲۰۳۰ میزان انتشار ناشی از عملیات تولید خود را به نصف کاهش داده و کربن سوزی های خود را به طور کامل متوقف کنند. علاوه بر این، رای اخیر دیوان عالی بریتانیا شرکت های نفت و گاز را موظف کرده است که در ارزیابی های زیست محیطی پروژه های خود، اثرات ناشی از مصرف محصولات نهایی نفتی و گازی را نیز مورد بررسی و مدیریت قرار دهند. از سوی دیگر، دولت حزب کارگر نیز تاکنون بر سیاست عدم صدور مجوزهای جدید اکتشاف نفت و گاز پایبند مانده است. در کنار این موضوع، فعالان صنعت، پرداخت مالیات موسوم به «مالیات بر سودهای غیرمنتظره انرژی» را نیز یکی از عوامل بازدارنده سرمایه گذاری می دانند؛ میلی که از سال ۲۰۲۲ اعمال شده و نرخ مالیات بر سود فعالیت های بالادستی را به حدود ۷۸ درصد رسانده است.

همزمان با تشدید روند گذار جهانی به انرژی های پاک، سیاست های دستیابی به برابری انتشار کربن صفر به یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در صنعت نفت و گاز تبدیل شده اند. در بریتانیا، همانند آنچه پیش تر در صنعت پالایش نفت مشاهده شد، بخشی از فعالان صنعت نفت فراساحلی و برخی تشکلهای کارگری، سیاست های زیست محیطی و محدودیت های مرتبط با کربن زدایی را عامل اصلی از بین رفتن فرصت های شغلی در این صنعت می دانند، در عین حال بررسی روندهای اقتصادی و تحولات بازار جهانی انرژی، تصویری متفاوت ارائه می دهد.

به گزارش نهاد اقتصاد، همزمان با تشدید روند گذار جهانی به انرژی های پاک، سیاست های دستیابی به برابری انتشار کربن صفر به یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در صنعت نفت و گاز تبدیل شده اند. در بریتانیا، همانند آنچه پیش تر در صنعت پالایش نفت مشاهده شد، بخشی از فعالان صنعت نفت فراساحلی و برخی تشکلهای کارگری، سیاست های زیست محیطی و محدودیت های مرتبط با کربن زدایی را عامل اصلی از بین رفتن فرصت های شغلی در این صنعت می دانند اما بررسی روندهای اقتصادی و تحولات بازار جهانی انرژی، تصویری متفاوت ارائه می دهد. یک دهه کاهش اشتغال در صنعت نفت دریای شمال طبق آمار بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ حدود ۲۶۰ هزار فرصت شغلی مرتبط با صنعت نفت و گاز فراساحلی در بریتانیا از بین رفته است. اگرچه تعداد کارکنان شاغل به صورت مستقیم در سکوها نفتی و فعالیت های بالادستی به چند ده هزار نفر محدود می شود اما این صنعت از طریق زنجیره های تامین، خدمات مهندسی، حمل و نقل، لجستیک و بخش خدمات اشتغال غیرمستقیم گسترده ای ایجاد کرده است.

محافظه کار پیشین بریتانیا طی سال های گذشته صدها مجوز جدید نفت و گاز صادر کرد، اما این اقدام نیز نتوانست روند نزولی صنعت را متوقف کند. حتی در سناریویی که دولت تمامی تعهدات کربن زدایی خود را کنار بگذارد، صدور گسـترده مجوزهای جدید و افزایش سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز نیز احتمالا تاثیر محدودی بر روند کلی صنعت خواهد داشت؛ زیرا عوامل تعیین کننده اصلی در سطح بازار جهانی و ساختار تقاضای انرژی در حال تغییر هستند.

چالش مدیریت انتقال نیروی کار

بریتانیا عملا وارد مرحله گذار به تجدیدپذیرها شده است، اما نسبت دادن تمامی کاهش فرصت های شغلی به اهداف فرایند کربن زدایی می تواند تصویری نادرست از واقعیت های صنعت ارائه دهد و توجه ها را از نقش شرکت های نفتی در تعدیل گسترده نیروی کار منحرف کند. منتقدان معتقدند تکیه صرف بر حفظ وضعیت فعلی و درخواست از همان شرکت هایی که طی یک دهه گذشته باعث حذف صدها هزار شغل شده اند، راهکار مناسبی برای حمایت از کارکنان صنعت نفت نخواهد بود. در مقابل، برخی کارشناسان و فعالان کارگری بر این باورند که دولت باید نقش فعال تری در مدیریت فرایند گذار از جمله از طریق افزایش مالکیت عمومی در بخش انرژی، تدوین برنامه های جامع بازآموزی نیروی کار و هدایت سرمایه گذاری ها به سمت صنایع جدید کم کربن ایفا کند.

آینده اشتغال در عصر گذار به تجدیدپذیرها

آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد، نه توقف روند گذار به تجدیدپذیرها، بلکه مدیریت صحیح و عادلانه آن است. در شرایطی که رکوردهای دمایی در بسیاری از نقاط جهان به طور مستمر شکسته می شود و قشارها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای افزایش یافته است، سیاست گذاران ناگزیر خواهند بود میان امنیت انرژی، اشتغال و اهداف زیست محیطی توازن برقرار کنند. موفقیت این فرآیند در گرو آن خواهد بود که دولت ها، شرکت های انرژی و نهادهای کارگری بتوانند مسیر انتقال به اقتصاد کم کربن را به گونه ای طراحی کنند که ضمن حفظ رقابت پذیری صنایع، امنیت شغلی نیروی کار نیز تا حد امکان تضمین شود.

موجب شد حجم کار کارکنان باقی مانده افزایش قابل توجهی پیدا کند؛ به طوری که مدیران صنعت از رشد ۴۲ درصدی بهره وری نیروی کار نسبت به سال ۲۰۱۴ سخن می گفتند. بین سال های ۲۰۱۷ تا آغاز سال ۲۰۲۰ وضعیت اشتغال در صنعت نفت فراساحلی تا حد زیادی تثبیت شد و تعداد کارکنان مستقیم سکوهای نفتی در حدود ۵۰ هزار نفر باقی ماند.

همه گیری کرونا و موج جدید تعدیل نیرو

شیوع ویروس کرونا و سقوط مجدد تقاضای جهانی برای انرژی، ضربه دیگری به صنعت نفت بریتانیا وارد کرد. تنها در نخستین سال همه گیری، حدود ۳۵ هزار شغل دیگر در این صنعت از بین رفت؛ اتفاقی که بار دیگر مستقیما به افت قیمت نفت و کاهش تقاضا در بازار جهانی مرتبط بود. پس از پایان محدودیت های ناشی از همه گیری، صنعت نفت تا حدودی از افزایش قیمت انرژی و پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین منتفع شد و شاهد بازگشت نسبت نسبی سرمایه گذاری ها بود. با این حال، نوسانات مجدد قیمت نفت مانع از شکل گیری یک دوره رونق پایدار شد. تا سال ۲۰۲۳، صنعت نفت و گاز بریتانیا موجب ایجاد حدود ۲۰۰ هزار فرصت شغلی شد؛ رقمی که همچنان فاصله قابل توجهی با اوج تاریخی این صنعت داشت. حتی افزایش قیمت نفت ناشی از تنش های ژئوپلیتیکی اخیر در خاورمیانه و اختلالات احتمالی در تردد نفتکش ها از تنگه هرمز نیز نتوانسته روند بلندمدت کاهش فعالیت های نفتی در بریتانیا را متوقف کند.

آیا سیاست های اقلیمی مقصر اصلی هستند؟

تحلیل روندهای تاریخی نشان می دهد بخش عمده کاهش اشتغال در صنعت نفت و گاز بیش از آنکه ناشی از سیاست های اقلیمی باشد، نتیجه واکنش شرکت ها به نوسانات بازار جهانی نفت، فشار برای کاهش هزینه ها و نبود برنامه ریزی دولتی برای ایجاد مشاغل جایگزین بوده است. برخی معتقدند اگر دولت بریتانیا توجه بیشتری به حفظ صنعت نفت و گاز نشان می داد و تمرکز کمتری بر انرژی های تجدیدپذیر و اهداف فرایند کربن زدایی داشت، بخشی از این مشاغل حفظ می شدند. با این حال، در مقابل می توان استدلال کرد که در چنین شرایطی، حتی فرصت های شغلی ناشی از انرژی های تجدیدپذیر، پروژه های پرچین تاسیسات نفتی و فناوری های جدید انرژی نیز به طور کامل محقق نمی شد. نکته قابل توجه در همین رابطه اینکه دولت



فولاد صنعت بناب؛ بازیگر کلیدی در بازار مقاطع طول فولادی کشور

مجتمع فولاد صنعت بناب به عنوان یکی از بازیگران کلیدی بازار مقاطع طول فولادی در کشور شناخته می شود که هم زمان با تولید و عرضه این محصولات در داخل، حضور موثری در بازارهای صادراتی نیز داشته است.

به گزارش **نما اقتصاد**، صنعت فولاد یکی از صنایع کلیدی در جوامع مختلف محسوب می شود که تاثیر بسزایی در توسعه زیرساخت ها، حمل و نقل و صناعی همچون خودروسازی، ساختمان سازی، نفت، گاز و پتروشیمی دارد. این صنعت به عنوان یکی از پیشران های رشد اقتصادی، اشتغالزایی گسترده ای را به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته ایجاد و زنجیره ای از صنایع بالادستی و پایین دستی را فعال کرده است.

بر همین اساس، توسعه صنعت فولاد همواره یکی از شاخص های مهم پیشرفت صنعتی کشورها شناخته شده و رشد تولید این فلز استراتژیک در دستور کار فولادسازان جهان قرار گرفته است.

ایران با برخورداری از منابع غنی سنگ آهن، جایگاه قابل توجهی را طی سالیان اخیر در صنعت فولاد جهان به دست آورده و ضمن تولید ۳۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تن فولاد در پایان سال ۲۰۲۵، در جایگاه دهم برترین تولیدکنندگان فولاد دنیا ایستاده است.

اگرچه صنعت فولاد کشور در این سال ها با چالش های متعددی همچون محدودیت های انرژی و نوسانات بازار دست و پنجه نرم کرده است اما همچنان ظرفیت بالایی برای توسعه اقتصادی، ارزآوری و ایجاد ارزش افزوده بیشتر دارد و می تواند نقش مهمی در تحقق رشد اقتصاد ملی ایفا کند.

در این بین، مسئله حائز اهمیت حرکت فولادسازان به سوی تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بالاتر و در ادامه فروش آن در بازارهای داخلی و صادراتی است. در حالی که شرکت های مطرح فولادی جهان مشغول تولید محصولات فولادی خاص هستند، ضرورت تحقق این مهم در کارخانجات فولادی کشور بیش از پیش احساس می شود.

ازجمله محصولات فولادی که می تواند علاوه بر تامین نیاز داخل، زمینه ساز رشد صادرات و ارزآوری به کشور، آن هم در شرایط حساس فعلی اقتصادی شود، میلگرد است. طبق آمار ارائه شده توسط انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، ۱۰ میلیون و ۶۳۱ هزار تن میلگرد در پایان سال ۱۴۰۴ توسط فولادسازان داخلی تولید شده که این میزان تقریباً برابر با مدت مشابه سال گذشته (۱۰ میلیون و ۶۴۱ هزار تن) بوده است.



درخشش مجتمع فولاد صنعت بناب در بازار مقاطع طول فولادی

میلگرد یکی از مهم‌ترین مقاطع طول فولادی در صنعت ساختمان‌سازی است که به عنوان یکی از محصولات نهایی فولادی در بورس کالای ایران عرضه می‌شود. مجتمع فولاد صنعت بناب به عنوان یکی از برجسته‌ترین تولیدکنندگان مقاطع طول فولادی با تمرکز بر ارزش آفرینی و عرضه محصولات متناسب با نیاز مشتریان، به بازیگری مطرح در بازار میلگرد و عرضه این محصول در بورس کالا تبدیل شده است.

این مجتمع با توجه به نیاز مشتریان، توانایی تولید انواع میلگرد (سایزهای ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۴ تا ۳۲) و همچنین انواع تیرآهن بر پایه استانداردهای ملی و بین‌المللی را دارد و در حال حاضر یکی از محبوب‌ترین برندها در بورس کالای ایران به شمار می‌آید. براساس آمارهای منتشرشده در سامانه کدال، مجتمع فولاد صنعت بناب در سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۳ موفق به فروش ۴۵۰ هزار و ۶۲ تن میلگرد و ۳۰ هزار و ۵۰۷ تن تیرآهن شده و درآمد ۱۱۹ هزار و ۳۱۶ میلیارد و ۵۸۶ میلیون ریال حاصل از فروش داخلی میلگرد و هفت هزار و ۵۱۷ میلیارد و ۳۷۸ میلیون ریال حاصل از فروش داخلی تیرآهن را کسب کرده است.

این شرکت همچنین در بازه زمانی فوق، موفق به فروش ۲۱ هزار و ۲۷۵ تن میلگرد در بازارهای صادراتی شده که این مهم، درآمد پنج هزار و ۳۴ میلیارد و ۵۹۹ میلیون ریال را به همراه داشته است. درآمد عملیاتی مجتمع فولاد صنعت بناب در سال مالی منتهی به ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۳ به ۱۲۶ هزار و ۸۳۳ میلیارد و ۹۶۵ میلیون ریال رسیده و این شرکت عملکرد قابل‌قبولی را از خود در این مدت بر جای گذاشته است.

مجتمع فولاد صنعت بناب در مسیر توسعه

علاوه بر مقاطع طول فولادی، شرکت صنعت فولاد بناب در زمینه تولید شمش فولادی نیز فعالیت دارد و سالیانه حدود ۵۰۰ هزار تن از این محصول را تولید می‌کند. شمش فولادی تولیدشده در این شرکت به طور مشخص در تولید میلگرد و تیرآهن مجتمع مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این لحاظ، فولاد صنعت بناب چالش چندان در تامین ماده اولیه مورد نیاز کارخانه نورد خود ندارد. شرکت فولاد صنعت بناب هم‌اکنون طرح‌های توسعه‌ای متنوعی را در دست اجرا دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به برنامه اصلاح ترمیکس خطوط نورد و افزایش توان کوره‌های ذوب اشاره کرد. در همین راستا، این شرکت در اردیبهشت ماه سال جاری ساخت شهرک دانش‌بنیان و پاک گسترش فولاد شهریار در مجاورت شهرک صنعتی بناب را آغاز کرد که گامی بلند در مسیر توسعه توسعه صنعتی و پایدار استان آذربایجان شرقی محسوب می‌شود. این پروژه بزرگ که با هدف ایجاد بستری مدرن برای واحدهای صنعتی

پیشرفته، کم‌مصرف و سازگار با محیط زیست طراحی شده، قرار است بر پایه فناوری‌های نوین و رویکردهای دانش‌بنیان بنا شود. مساحت این شهرک غیردولتی بالغ بر ۸۰ هکتار برآورد شده است که می‌تواند نقش کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید و تقویت زیرساخت‌های تولیدی شهرستان بناب ایفا کند. لازم به ذکر است که شرکت گسترش فولاد شهریار از سال ۱۳۹۹ به عنوان مجری طرح‌ها و پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای مجتمع فولاد صنعت بناب آغاز به کار کرده است. پروژه‌های تعریف شده در این شرکت شامل احداث کارخانه تولید اکسیژن و گازهای صنعتی با ظرفیت تولید پنج هزار مترمکعب در ساعت برای تولید گازهای اکسیژن، نیتروژن و آرگون؛ احداث خط ریلی به طول چهار کیلومتر و ایستگاه بارگیری و اتصال آن به راه‌آهن سراسری؛ تامین و تصفیه آب و پساب موردنیاز طرح‌های توسعه‌ای بناب با ظرفیت ۸۰ لیتر بر ثانیه؛ برق‌رسانی ۱۵۰ مگاواتی و احداث کارخانه تولید فروسیلیس با ظرفیت ۲۵ هزار تن در سال است.

مفهومی فرای لوکس بودن؛

لبنیات ارگانیک به سبب خرید مصرف‌کنندگان افزوده می‌شود

با افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان برای محصولات غذایی سالم و سازگار با محیط‌زیست، صنعت جهانی لبنیات ارگانیک به یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد بازار مواد غذایی تبدیل شده است.

قدرت برچسب پاک در تغییر الگوی مصرف

یکی از مهم‌ترین ترندهای صنایع غذایی در سال‌های اخیر، گسترش مفهوم برچسب پاک یا Clean Label بوده است. مصرف‌کنندگان امروزی به دنبال محصولاتی هستند که ترکیبات ساده، با منشأ تولید مشخص و حداقل میزان فرآوری را داشته باشند. لبنیات ارگانیک به‌طور طبیعی با این انتظارات همسو است. در همین رابطه وجود برچسب گواهی ارگانیک در مصرف‌کنندگان این اطمینان را ایجاد می‌کند که محصول بر اساس استانداردهای مشخص تولید شده و الزامات مربوط به شرایط زیست‌محیطی حیوانات، کیفیت خوراک و فرایندهای تولید پایدار در آن رعایت شده است. همین نیاز روزافزون به شفافیت باعث شده تولیدکنندگان مواد غذایی به توسعه محصولات ارگانیک و اصلاح فرایندهای تولید خود روی آورند. در این میان انتظار می‌رود در سال‌های آینده نیز محصولات دارای برچسب پاک همچنان یکی از مهم‌ترین محرک‌های رشد بازار لبنیات ارگانیک باقی بمانند.

پایداری؛ عامل تعیین‌کننده در انتخاب مصرف‌کنندگان

در سال‌های اخیر، ملاحظات زیست‌محیطی به یکی از عوامل کلیدی تصمیم‌گیری خریداران تبدیل شده است. مصرف‌کنندگان بیش از گذشته به اثرات زیست‌محیطی تولیدات کشاورزی، مصرف منابع طبیعی و پایداری زنجیره تامین توجه دارند. دامداری ارگانیک به دلیل کاهش وابستگی به نهاده‌های شیمیایی، حفظ سلامت خاک، حمایت از تنوع زیستی و مدیریت پایدار زمین، از نگاه مصرف‌کنندگان حامی محیط‌زیست جایگاه مطلوبی پیدا کرده است. افزون بر این، استانداردهای سخت‌گیرانه‌تر در حوزه ایجاد شرایط زیست‌محیطی مطلوب حیوانات، از جمله دسترسی دام‌ها به چراگاه و شرایط نگهداری مناسب‌تر، بر جذابیت این محصولات افزوده است. مجموعه این مزایا موجب شده لبنیات ارگانیک نه تنها به عنوان یک انتخاب غذایی سالم، بلکه به عنوان گزینه‌ای مسئولانه از منظر حمایت از محیط‌زیست و روش‌های تولید پایدار شناخته شود.

لبنیات ارگانیک چیست؟

محصولات لبنی ارگانیک از دام‌هایی به دست می‌آیند که مطابق با استانداردهای کشاورزی ارگانیک پرورش یافته‌اند. در این شیوه تولید، استفاده از هورمون‌های مصنوعی، آنتی‌بیوتیک‌های روتین، خوراک‌های اصلاح‌شده ژنتیکی و بسیاری از نهاده‌های شیمیایی ممنوع است. در مقابل، دامداری ارگانیک بر اصولی همچون چرای طبیعی دام، حفظ تنوع زیستی، سلامت خاک و مدیریت پایدار منابع تاکید دارد. محصولات این بخش شامل شیر، ماست، پنیر، کره، خامه و طیف گسترده‌ای از فرآورده‌های لبنی است که هر سال بر تنوع آن‌ها افزوده می‌شود. اگرچه همچنان درباره تفاوت‌های دقیق تغذیه‌ای میان محصولات ارگانیک و غیرارگانیک دیدگاه‌های علمی متفاوتی وجود دارد، اما آنچه بیش از هر عامل دیگری رشد این بازار را تحت تاثیر قرار داده، اعتماد مصرف‌کنندگان به فرآیند تولید ارگانیک و حس برتری کیفی این محصولات نزد مصرف‌کننده است؛ سرمایه‌ای که امروز به یکی از ارزشمندترین دارایی‌های صنعت لبنیات ارگانیک تبدیل شده است.

مصرف‌کنندگان سلامت‌محور؛ موتور محرک بازار

افزایش آگاهی عمومی نسبت به سلامت و تغذیه از مهم‌ترین عوامل رشد بازار لبنیات ارگانیک محسوب می‌شود. مصرف‌کنندگان امروزی بیش از هر زمان دیگری نسبت به ترکیبات مواد غذایی، فرایند تولید، ارزش تغذیه‌ای و پیامدهای احتمالی مصرف آن‌ها حساسیت نشان می‌دهند. لبنیات ارگانیک به دلیل تولید شدن بدون هورمون‌های مصنوعی، آنتی‌بیوتیک‌های غیرضروری، سموم کشاورزی و بسیاری از افزودنی‌های شیمیایی، برای این گروه از مصرف‌کنندگان جذابیت بالایی دارد. این موضوع به‌ویژه در میان والدینی که به دنبال تغذیه سالم‌تر برای فرزندان خود هستند، اهمیت بیشتری یافته است. در همین راستا، داده‌های بازار نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد مصرف‌کنندگان جهان در مدیریت سلامت خود رویکردی فعال و پیش‌گیرانه دارند. حدود ۵۷ درصد معتقدند حفظ سلامت در دوران سالمندی نسبت به پنج سال گذشته اهمیت بیشتری پیدا کرده و ۵۵ درصد نیز آمادگی دارند ماهانه بیش از ۱۰۰ دلار برای تغذیه سالم‌تر و مراقبت‌های بهداشتی هزینه کنند. چنین روندهایی چشم‌انداز روشنی را برای توسعه پایدار بازار لبنیات ارگانیک ترسیم می‌کند.

به گزارش **نما اقتصاد**، گزارش روزافزون به محصولات دارای «برچسب پاک» (Clean Label)، روش‌های تولید سازگار با محیط‌زیست و غذاهای با ارزش تغذیه‌ای بالا، جایگاه لبنیات ارگانیک را در سبب غذایی خانوارها بیش از گذشته تقویت کرده است. در سال‌های اخیر الگوی انتخاب مواد غذایی در میان مصرف‌کنندگان دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. امروزه ترکیبات محصولات، شیوه تولید، استانداردهای زیست‌محیطی و میزان پایداری زنجیره تامین، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های خرید ایفا می‌کنند. در این میان، لبنیات ارگانیک به عنوان یکی از مهم‌ترین بهره‌برداران این تحول رفتاری، جایگاه ویژه‌ای در بازار جهانی غذا به دست آورده است. محصولاتی که زمانی تنها در بازارهای محدود و میان مصرف‌کنندگان سلامت‌محور عرضه می‌شدند، اکنون به بخشی از جریان اصلی صنایع غذایی تبدیل شده‌اند. شیر، ماست، پنیر، کره و خامه ارگانیک امروز از سوی بسیاری از مصرف‌کنندگان به عنوان گزینه‌هایی سالم‌تر، ایمن‌تر و سازگارتر با محیط‌زیست نسبت به محصولات لبنی متداول شناخته می‌شوند. این تغییر نگرش، فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی را برای فعالان صنعت غذا ایجاد کرده است.

بر اساس گزارش موسسه Renu Research، ارزش بازار جهانی لبنیات ارگانیک از ۲۸٫۷۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ به ۴۷٫۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۴ خواهد رسید. همچنین پیش‌بینی می‌شود این بازار در فاصله سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۴ با نرخ رشد مرکب سالانه ۵٫۶۸ درصد توسعه یابد. افزایش آگاهی عمومی نسبت به سلامت، رشد تقاضا برای محصولات عاری از مواد شیمیایی، توسعه شبکه‌های توزیع و حمایت دولت‌ها از کشاورزی ارگانیک از مهم‌ترین عوامل محرک این رشد به شمار می‌روند.

در شرایطی که سلامت، پایداری و شفافیت به سه اولویت اصلی مصرف‌کنندگان تبدیل شده‌اند، لبنیات ارگانیک نیز به سرعت در حال تثبیت جایگاه خود به عنوان یکی از ارکان اصلی آینده صنایع غذایی است.

چالش‌های پیش روی صنعت

با وجود چشم‌انداز مثبت، صنعت لبنیات ارگانیک همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است. هزینه‌های بالای تولید، الزام به رعایت استانداردهای سخت‌گیرانه، تامین خوراک ارگانیک دام و فرایندهای نظارتی پیچیده، قیمت تمام‌شده این محصولات را افزایش می‌دهد. در نتیجه، قیمت بالاتر نسبت به محصولات لبنی متداول همچنان یکی از موانع اصلی گسترش مصرف، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، محسوب می‌شود. علاوه بر این، محدودیت ظرفیت تولید، پیچیدگی زنجیره تامین و دشواری توزیع گسترده نیز از دیگر چالش‌های این صنعت به شمار می‌روند.

آینده‌ای فراتر از یک ترند موقت

بازار لبنیات ارگانیک دیگر صرفاً یک مد زودگذر یا ترند موقتی در صنایع غذایی نیست؛ بلکه نمادی از تغییر عمیق در نگرش جهانی نسبت به سلامت، پایداری و مصرف مسئولانه به شمار می‌رود. مصرف‌کنندگان امروز محصولات را انتخاب می‌کنند که علاوه بر کیفیت و ارزش تغذیه‌ای، با ارزش‌های شخصی، دغدغه‌های زیست‌محیطی و اصول اخلاقی آن‌ها نیز همخوانی داشته باشد. لبنیات ارگانیک دقیقاً در نقطه تلاقی این نیازها قرار گرفته است. با توجه به پیش‌بینی رشد ارزش بازار لبنیات ارگانیک از ۲۸٫۷۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ به ۴۷٫۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۳۴، این صنعت فرصت‌های قابل توجهی را برای تولیدکنندگان، خرده‌فروشان و سرمایه‌گذاران فراهم خواهد کرد. از همین رو، لبنیات ارگانیک دیگر یک بازار خاص و محدود نیست؛ بلکه به یکی از جریان‌های اصلی آینده صنایع غذایی تبدیل شده است؛ مسیری که به سوی تغذیه سالم‌تر، کشاورزی پایدارتر و مصرف مسئولانه‌تر حرکت می‌کند. این نسخه برای انتشار در وبسایت خبری، مجله اقتصادی یارسانه‌های تخصصی حوزه کشاورزی و صنایع غذایی مناسب‌تر است و از نظر لحن رسانه‌ای، انسجام ساختاری و استاندارد‌های نگارشی در سطح حرفه‌ای‌تری قرار دارد.

ماست، پنیر و خامه؛ ستاره‌های رو به رشد بازار

در میان محصولات لبنی ارگانیک، ماست ارگانیک یکی از سریع‌ترین نرخ‌های رشد را تجربه می‌کند. محبوبیت پروبیوتیک‌ها، افزایش توجه به سلامت دستگاه گوارش و گرایش به رژیم‌های غذایی پرپروتئین، از مهم‌ترین عوامل این رشد هستند. پنیر ارگانیک نیز به تدریج به یک محصول لوکس تبدیل شده است. مصرف‌کنندگان این محصول را با کیفیت بالاتر، طعم مطلوب‌تر و اصالت بیشتر مرتبط می‌دانند. رشد آشنایی خانگی و افزایش تقاضا برای غذاهای خاص و بین‌المللی نیز به توسعه این بازار کمک کرده است. همچنین خامه ارگانیک به دلیل کاربرد گسترده در شیرینی‌پزی، نوشیدنی‌های تخصصی و غذاهای لوکس، با افزایش تقاضای قابل توجهی روبه‌رو شده است.

بسته‌بندی پایدار؛ مزیت رقابتی جدید

امروزه در بازار، کیفیت محصول تنها عامل رقابت نیست. مصرف‌کنندگان به اثرات زیست‌محیطی بسته‌بندی نیز توجه ویژه‌ای دارند. به همین دلیل، استفاده از بسته‌بندی‌های قابل بازیافت، سبک‌تر و کم‌مصرف به یکی از مزیت‌های رقابتی مهم برندهای فعال در حوزه لبنیات ارگانیک تبدیل شده است. بسته‌بندی‌های انعطاف‌پذیر، کارتن‌های قابل بازیافت و فناوری‌های نوین استریل‌سازی از جمله راهکارهایی هستند که ضمن حفظ کیفیت محصول، به کاهش اثرات زیست‌محیطی نیز کمک می‌کنند.

نوآوری؛ پیش‌ران توسعه بازار

نوآوری محصول یکی از عوامل کلیدی توسعه صنعت لبنیات ارگانیک به شمار می‌رود. تولیدکنندگان با هدف پاسخگویی به نیازهای متنوع مصرف‌کنندگان، محصولات جدیدی از جمله شیرهای طعم‌دار ارگانیک، ماست‌های پروبیوتیک، فرآورده‌های بدون لاکتوز، محصولات پرپروتئین، نوشیدنی‌های فراسودمند و ترکیبات لبنی گیاهی را روانه بازار کرده‌اند. این نوآوری‌ها ضمن جذب مشتریان جدید، به افزایش مصرف در میان مشتریان فعلی نیز کمک کرده‌اند. همچنین بهبود فناوری‌های بسته‌بندی، افزایش ماندگاری محصولات و توسعه برندهای لوکس، نقش مهمی در رشد این صنعت ایفا می‌کنند.

گسترش شبکه توزیع و دسترسی آسان‌تر

امکان خرید لبنیات ارگانیک دیگر تنها به فروشگاه‌های تخصصی محدود نیست. امروزه این محصولات در سوپرمارکت‌ها، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، هایپرمارکت‌ها و پلتفرم‌های تجارت الکترونیک به راحتی در دسترس مصرف‌کنندگان قرار دارند. توسعه زیرساخت‌های خرده‌فروشی مدرن و رشد تجارت آنلاین، نقش مهمی در افزایش دسترسی به این محصولات داشته است. به همین دلیل، بازار لبنیات ارگانیک توانسته از محدوده مشتریان خاص فراتر رفته و مخاطبان گسترده‌تری را جذب کند.

خاورمیانه در مسیر ساخت و ساز هوشمند با ورود ربات های پیشرفته

صنعت ساخت و ساز: آزمایشگاه فناوری های آینده

داگلاس زوریک، مدیر ارشد دیجیتال، Innovo Group، پروژه های در حال اجرای این شرکت را بستری مناسب برای توسعه و مقیاس پذیری فناوری های پیشرفته توصیف کرده است. به گفته وی، نوآوری برای این مجموعه یک پروژه جانبی یا نمایشی نیست، بلکه صنعت ساختمان به عنوان بستری برای تجاری سازی و عملیاتی سازی فناوری هایی در نظر گرفته می شود که قادر است آینده محیط های ساخته شده در امارات را متحول کند. وی تاکید کرد که همکاری با شرکت FieldAI بخشی از راهبرد این شرکت برای هدایت موج تحول دیجیتال صنعت ساخت و ساز از منطقه خاورمیانه به شمار می رود.

خاورمیانه؛ بازار راهبردی نسل جدید ربات ها

شرکت FieldAI که در سال های اخیر پروژه های متعددی را در صنایع ساختمانی و صنعتی در نقاط مختلف جهان اجرا کرده، خاورمیانه را یکی از مهم ترین بازارهای آینده فناوری های رباتیک می داند. علی آقا، مدیرعامل این شرکت، معتقد است مأموریت اصلی شرکت FieldAI انتقال قابلیت های هوش مصنوعی از فضای نرم افزاری و محیط های کنترل شده به محیط های واقعی و عملیاتی است؛ محیط هایی که بخش عمده فعالیت های فیزیکی اقتصاد جهانی در آن ها انجام می شود. به اعتقاد وی، منطقه خاورمیانه طی یک دهه آینده به یکی از مهم ترین کانون های توسعه فناوری های رباتیک و هوش مصنوعی در جهان تبدیل خواهد شد و پروژه های بزرگ و پیچیده ای همچون Ghaf Woods فرصت مناسبی برای آزمایش و توسعه این فناوری ها فراهم می کنند.

هم راستا با راهبردی ملی هوش مصنوعی امارات

اجرای این پروژه در راستای اهداف راهبردی ملی هوش مصنوعی ۲۰۳۱ امارات نیز ارزیابی می شود؛ برنامه ای که هدف آن تسریع به کارگیری فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی در صنایع کلیدی و تثبیت جایگاه امارات به عنوان یکی از قطب های جهانی این فناوری است. صنعت ساخت و ساز با وجود سهم قابل توجه در اقتصاد جهانی، همچنان یکی از صنایعی است که کمترین بهره را از فناوری های دیجیتال در میان صنایع بزرگ جهان برده است. همین مسئله موجب شده شرکت های فعال در این حوزه بیش از گذشته به سمت استفاده از هوش مصنوعی، رباتیک و اتوماسیون برای افزایش بهره وری، ارتقا ایمنی نیروی کار، بهبود کنترل کیفیت و کاهش زمان اجرای پروژه ها حرکت کنند.

ربات هایی برای محیط های غیر قابل پیش بینی

برخلاف ربات های صنعتی متعارف که معمولاً در محیط های کنترل شده کارخانه ای و بر اساس برنامه ریزی های ثابت فعالیت می کنند، فناوری توسعه یافته توسط FieldAI برای فعالیت در محیط های پویا و دائماً در حال تغییر طراحی شده است. کارگاه های ساختمانی از جمله پیچیده ترین محیط های عملیاتی برای سامانه های رباتیک محسوب می شوند؛ محیط هایی که در آن حضور همزمان نیروی انسانی، تجهیزات سنگین، مسیرهای متغیر، ناهمواری های زمین و تغییر مداوم چیدمان پروژه، نیازمند درک مستمر شرایط محیطی و تطبیق لحظه ای ربات ها با وضعیت پیرامونی است. ربات های جدید با اتکا به سامانه های هوش مصنوعی و قابلیت تصمیم گیری مستقل، قادر خواهند بود بدون نیاز به برنامه ریزی ثابت و از پیش تعیین شده، محیط را تحلیل کرده و متناسب با شرایط موجود واکنش نشان دهند.

آغاز فعالیت با نظارت هوشمند و جمع آوری داده

بر اساس برنامه ریزی انجام شده، نخستین مرحله استقرار این فناوری برانجام وظایفی همچون پایش خودکار پیشرفت پروژه، مستندسازی لحظه ای فعالیت های عمرانی، نقشه برداری محیطی و جمع آوری داده های میدانی متمرکز خواهد بود. بخش قابل توجهی از این فعالیت ها ماهیتی تکراری، زمان بر و در برخی مواقع دشوار برای نیروهای انسانی دارند؛ موضوعی که در شرایط آب و هوایی گرم و طاقت فرسای تابستان های امارات اهمیت بیشتری پیدا می کند. استفاده از ربات ها در چنین شرایطی می تواند ضمن کاهش فشار عملیاتی بر نیروی کار، دقت و سرعت ثبت اطلاعات پروژه را نیز افزایش دهد.

از حمل مصالح تا هماهنگی میان چندین ربات

دو شرکت اماراتی Innovo Group و FieldAI اعلام کرده اند که در مراحل بعدی، دامنه وظایف ربات ها به حوزه هایی فراتر از پایش و جمع آوری اطلاعات گسترش خواهد یافت. بر همین اساس، مدیریت لجستیک کارگاه، جابه جایی مصالح، انجام عملیات فیزیکی پیچیده و هماهنگی همزمان میان چندین ربات از جمله قابلیت هایی است که به مرور زمان و با استفاده از پلتفرم هوش مصنوعی جامع شرکت FieldAI به این سامانه ها افزوده خواهد شد. این موضوع می تواند ساخت و ساز را از صنعتی وابسته به نیروی کار فیزیکی به صنعتی مبتنی بر داده، اتوماسیون و تصمیم گیری هوشمند تبدیل کند.

صنعت ساخت و ساز خاورمیانه در آستانه ورود به مرحله ای تازه از تحول دیجیتال قرار گرفته است؛ مرحله ای که در آن ربات های مجهز به هوش مصنوعی قرار است در کنار نیروی انسانی و ماشین آلات سنگین در پروژه های عمرانی فعالیت کنند. توافق همکاری میان یک شرکت اماراتی و یک توسعه دهنده بین المللی رباتیک، سرآغاز به کارگیری سامانه هایی است که برخلاف ماشین های صنعتی متعارف، قادر به درک لحظه ای محیط های پویا، ناهموار و پیچیده پروژه های عمرانی هستند. نخستین میدان آزمایش این فناوری، یک پروژه بزرگ مقیاس در دبی خواهد بود که در آن، ربات ها ابزاری مأموریت های نظارتی، مستندسازی و نقشه برداری را بر عهده می گیرند و به تدریج به سوی انتقال مصالح و ایجاد هماهنگی میان ناوگانی از ربات های خودکار پیشروی می کنند.

به گزارش نهاد اقتصاد، صنعت ساخت و ساز خاورمیانه در آستانه ورود به مرحله ای تازه از تحول دیجیتال قرار گرفته است؛ مرحله ای که در آن ربات های مجهز به هوش مصنوعی قرار است در کنار نیروی انسانی و ماشین آلات سنگین در پروژه های عمرانی فعالیت کنند. در همین راستا، شرکت اماراتی Innovo Group با شرکت فعال در حوزه رباتیک و هوش مصنوعی FieldAI توافق همکاری جدیدی را امضا کرده اند تا نسل جدیدی از ربات های چندمنظوره مبتنی بر هوش مصنوعی را در پروژه های ساختمانی واقعی به کار گیرند.

نخستین مرحله از این همکاری در پروژه Ghaf Woods متعلق به شرکت توسعه گر املاک Majid Al Futtaim در دبی اجرایی خواهد شد؛ پروژه ای با ارزش تقریبی ۶۶۲ میلیون دلار که به عنوان نخستین نمونه استفاده عملیاتی از ربات های عمومی مبتنی بر هوش مصنوعی در یک محیط ساختمانی فعال در منطقه خاورمیانه شناخته می شود.



شرکت توسعه معادن فولاد خوزستان

توسعه معادن پایندگی صنعت تعالی کشور

www.ksmdc.ir

info@ksmdc.ir

تلفن: ۰۲۱-۴۱۰۸۹۲۲۲

آدرس: تهران، ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، خیابان پردیس غربی، پلاک ۵۵، طبقه ۲

Khouzestan Steel Mines Development co.



previously one of the world's leading exporters, saw its share decline. Some ASEAN industries, such as garments and apparel, likely benefit from cheaper intermediates from Chinese factories, but these gains are insufficient to overcome price and competition headwinds in final markets.

China is following a different trajectory from prior industrialisers. Its continuing success with lower valued-added manufactures makes it more difficult for developing ASEAN members to capture gains from the growth of labour-intensive manufactured exports. ASEAN's manufacturing industries will need to invest and innovate at a comparable pace to China if they are to remain competitive. As technology advances, the lure of cheap labour becomes less decisive. Robotisation is progressing in ASEAN's middle-income economies, primarily in leading export sectors — automobiles in Thailand, semiconductors in Malaysia and electronics in Vietnam. But, with the exception of Singapore, robot densities in ASEAN manufacturing firms remain very low relative to China and the OECD. High fixed costs of switching to automated and AI-driven production techniques mean that adoption occurs first and primarily in major manufacturing plants and is beyond the reach of many ASEAN manufacturing enterprises. The limited supply of workers with skills for automated production systems is another constraint.

ASEAN governments should focus on public goods such as infrastructure, education and trade facilitation. More industry-specific policies, like local content requirements, do not appear promising as labour cost shares diminish and foreign investors maintain discretion over their choice of host country. The law of endowment-based comparative advantage still holds, pushing ASEAN's less advanced economies further into complementary activities such as natural resource extraction, agriculture and tourism — sectors that lack opportunities for dynamic growth, interindustry externalities, expanded skills demand or research and development-driven innovation.

A more radical view is that export-oriented manufacturing should no longer be regarded as the 'escalator to development' and that policymakers should instead centre growth strategies around the green energy transition and productivity gains in non-traded services. But these activities cannot deliver growth that is fast enough for long enough to sustain an economy's transition to higher income status. Non-traded service industries face the limits of the domestic economy — unlike manufactured exports' virtually unlimited growth potential.

Beijing's continuing drive for a 'dual circulation' economy creates a development dilemma for ASEAN. The region's economies cannot delink from China, but the manufacturing surpluses inherent in China's policies threaten to curtail their path from industrialisation to development. Sustaining economic dynamism and autonomy is now one of ASEAN's most pressing and perplexing challenges.

CHINA'S MANUFACTURING BOOM MOVES THE GOALPOSTS FOR SOUTHEAST ASIAN DEVELOPMENT

China's manufacturing boom moves the goalposts for Southeast Asian development China's sustained manufacturing dominance is reshaping ASEAN's development prospects.

Unlike previous industrialisers, China has retained competitiveness in low-value manufacturing through industrial policy, supply chain integration and automation, limiting ASEAN's ability to capture global market share. As technology reduces the advantage of cheap labour, ASEAN economies must invest in skills, infrastructure and productivity and navigate its dependence on China's manufacturing ecosystem.

China's rapid rise as an exporter of advanced products — including electric vehicles, photovoltaics and batteries — is dominating headlines. Less appreciated is that as these high-tech, high-skill exports expand, China's dominance in global markets for low-tech, labour-intensive goods has been much slower to decline compared to the cases of East Asian predecessors like Japan and South Korea. This has considerable implications for industrialisation in Southeast Asia's emerging economies.

Despite rising labour costs and a declining blue-collar labour force, China still accounts for roughly one-third of global apparel and footwear exports and it remains the leading exporter of many assembled final goods like electrical equipment and consumer electronics. This reflects China's 'dual circulation' strategy for an autonomous manufacturing economy. The Made in China 2025 strategy declares Beijing's intent to make China a 'manufacturing powerhouse' in response to 'the severe challenge of a "two-way squeeze" from developed countries and other developing countries'.

Made in China 2025 industrial subsidies target high-end industries like automobiles, robotics and tech-intensive intermediate goods. Income growth and supportive policies have dramatically increased China's tertiary-educated labour force, meeting a necessary condition for increases in industrial sophistication. Other industrial policy initiatives aim to domesticate the entire manufacturing supply chain, such that knowledge spillovers and other externalities in high-tech industries are passed downstream as lower prices for inputs and capital equipment.

These measures, along with the persistent undervaluation of the yuan, help preserve the global competitiveness of China's low-end manufacturing industries, even as labour costs rise. The result is lower global product prices and reduced returns on investment, especially in economies with similar endowments, industrial structure and geography to China — that is, like middle-income ASEAN economies.

Another element of China's success is cost-lowering automation. Made in China 2025 prioritised robotics and other automation technologies with direct subsidies as well as sweeping state support for research and development, sharing of training data and adoption by producers. China is the world's largest robot producer — it has 43 per cent of the global stock of installed industrial robots and the intensity of their use in Chinese manufacturing is commensurate with that in far richer countries.

China's race to automation is complemented by rapid improvements in embodied artificial intelligence (AI). Downstream industries like automobiles and electronics assembly were early beneficiaries of automation and AI, but these tools are now spreading rapidly in China's textile and garment industries, where their adoption can generate substantial cost reductions.

These innovations help China maintain competitiveness in low-value-added production even as its economy becomes more sophisticated. China's share of global exports has ballooned since 2000, while the share of exports from low- and middle-income ASEAN economies has only increased from 6.7 per cent in 2000 to 8.9 per cent in 2024. Subsidies, supportive policies, supply chain externalities and automation are preserving or increasing China's competitiveness in industries like automobiles, electronics assembly and even textiles and garments, which account for a large share of ASEAN's industrial labour force.

Within

ASEAN, production volumes and export values of leading manufactured exports largely continue to expand. But the limits imposed on their potential expansion by ongoing competition from China are clear. UN trade flow data reveal that from 2017–24, China's global textiles and apparel market share increased 2.4 percentage points, while Cambodia's share increased by just 0.3 percentage points and those of Indonesia and Thailand declined by 0.2 and 0.1 percentage points respectively.

In machinery and electrical goods, China's share rose by 0.5 percentage points. Vietnam managed a more impressive 0.7 percentage point gain, but Indonesia and Cambodia's shares were unchanged and Thailand's declined by 0.2 percentage points. In the automotive industry, China's share rose an astonishing 7.5 percentage points, Indonesia and Vietnam managed only tiny gains and Thailand,



رواج پدیده گردشگری تکنولوژیک؛ صنعت توریسم به سمت گردشگری فناورانه حرکت می‌کند

در حالی که برای دهه‌ها سیلیکون ولی مقصد اصلی کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و فعالان فناوری برای آشنایی با تازه‌ترین نوآوری‌های جهان بود، اکنون چین به سرعت در حال تبدیل شدن به مرکز جدید گردشگری فناورانه است؛ پدیده‌ای که سفرهای کاری سنتی را به تجربه‌هایی آموزشی، تعاملی و مبتنی بر نوآوری تبدیل کرده است. در همین رابطه جهان شاهد پیدایش گونه‌ای نوین از سفرهای تجاری است که در آن، گشت‌وگذار در آزمایشگاه‌های هوش مصنوعی، خطوط تولید رباتیک و پارک‌های نوآوری، جایگزین اتاق‌های رسمی مذاکره شده است. این پدیده که می‌توان آن را گردشگری فناورانه نامید، حاصل هم‌گرایی عطش یادگیری میدانی در اکوسیستم‌های کارآفرینی نوظهور و بلوغ زیرساخت‌های صنعتی در اقتصادهای پیشرو است. چین با تبدیل کلان‌شهرهایی مانند شنژن، شانگهای و هانگژو به زیست‌بوم‌های زنده نوآوری، از این روند به عنوان اهرمی برای دیپلماسی و توسعه برند ملی خود بهره می‌برد. در سوی دیگر، کشورهایی نظیر هند با جمعیت انبوهی از بنیان‌گذاران استارت‌آپی و مدیران فناوری، به موتور محرک تقاضا تبدیل شده‌اند که دانش حاصل از مشاهده مستقیم فرایندها را بر تحلیل‌های نظری مرسوم ترجیح می‌دهند. این الگوی نوظهور، مرز میان گردشگری تجاری، انتقال دانش و بازاریابی مقصد را محو کرده و زنجیره ارزش تازه‌ای خلق نموده است؛ سفری که در آن، تجربه عملی از فناوری‌های پیشران، خود به جاذبه اصلی بدل شده و هم‌زمان، اقامت طولانی‌تر، هزینه‌کرد بالاتر و پیوندهای پایدار اقتصادی را به ارمغان می‌آورد.

به گزارش «نماذ اقتصاد»، در حالی که برای دهه‌ها سیلیکون ولی مقصد اصلی کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و فعالان فناوری برای آشنایی با تازه‌ترین نوآوری‌های جهان بود، اکنون چین به سرعت در حال تبدیل شدن به مرکز جدید گردشگری فناورانه است؛ پدیده‌ای که سفرهای کاری سنتی را به تجربه‌هایی آموزشی، تعاملی و مبتنی بر نوآوری تبدیل کرده است. افزایش تقاضا برای بازدید از مراکز توسعه هوش مصنوعی، رباتیک، خودروهای الکتریکی و فناوری‌های پیشرفته تولید، موجب شکل‌گیری نسل جدیدی از سفرهای تجاری در جهان شده است. در این میان، شهرهای پیشروی چین از جمله شانگهای، شنژن و هانگژو به مقاصد جذاب برای کارآفرینان، بنیان‌گذاران استارت‌آپ‌ها، سرمایه‌گذاران، دانشگاهیان و مدیران شرکت‌های فناوری از سراسر جهان تبدیل شده‌اند. هند یکی از مهم‌ترین بازیگران این روند نوظهور به شمار می‌رود. رشد سریع اکوسیستم استارت‌آپی این کشور باعث شده شمار فزاینده‌ای از متخصصان و فعالان فناوری هندی، به جای اتکا به گزارش‌های بازار یا مطالعات آنلاین، مستقیماً به مراکز نوآوری چین سفر کنند تا از نزدیک با آخرین دستاوردهای صنعتی و فناوری آشنا شوند. این تحول در شرایطی رخ می‌دهد که چین هم‌زمان با تسهیل سیاست‌های صدور ویزا، توسعه مسیرهای هوایی و سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های نوآوری، تلاش می‌کند جایگاه خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری تجاری و دانشی جهان تثبیت کند.

فرصت‌های اقتصادی برای صنعت گردشگری

رشد گردشگری فناوریانه فرصت‌های درآمدی جدیدی را برای شرکت‌های گردشگری، خطوط هوایی، هتل‌ها و برگزارکنندگان رویدادهای تخصصی ایجاد کرده است. این نوع سفرها معمولاً ارزش افزوده بالاتری نسبت به گردشگری سنتی دارند؛ زیرا شامل بازدیدهای اختصاصی، جلسات تخصصی، برنامه‌های آموزشی و فرصت‌های شبکه‌سازی حرفه‌ای هستند. افزون بر این، ترکیب بازدیدهای صنعتی با برنامه‌های فرهنگی و گردش شهری موجب افزایش مدت اقامت و میزان هزینه‌کرد گردشگران می‌شود؛ موضوعی که مزایای اقتصادی قابل توجهی برای مقاصد میزبان به همراه دارد.

آینده سفرهای کاری در عصر فناوری

ظهور گردشگری فناوریانه نشان می‌دهد مفهوم سفرهای کاری در حال تغییر است. در این الگوی جدید، هدف اصلی صرفاً برگزاری جلسات یا عقد قراردادهای تجاری نیست، بلکه در آن کسب تجربه عملی، یادگیری مستقیم و آشنایی با روندهای آینده اقتصاد جهانی اهمیت بیشتری یافته است. برای کشورهایمانند هند و همچنین بازارهای نوظهور در آسیا، اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای لاتین، این سفرها امکان ارزیابی فناوری‌های جدید، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و شناخت دقیق‌تر تحولات صنعتی را فراهم می‌کنند. در چنین شرایطی، چین به تدریج از یک مرکز تولید جهانی به مقصدی برای گردشگری دانش و نوآوری تبدیل می‌شود؛ جایی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده سفرهای تجاری و اقتصاد نوآوری جهان ایفا کند.

هند؛ موتور محرک تقاضای جدید

رشد کم‌سابقه اکوسیستم نوآوری هند در سال‌های اخیر نقش مهمی در توسعه گردشگری فناوریانه ایفا کرده است. با ثبت بیش از ۱۸۵ هزار استارت‌آپ، هند اکنون یکی از بزرگ‌ترین زیست‌بوم‌های کارآفرینی جهان را در اختیار دارد. همین موضوع نیاز به یادگیری میدانی و آشنایی مستقیم با نمونه‌های موفق جهانی را افزایش داده است. بسیاری از مدیران و کارآفرینان هندی معتقدند مشاهده عملی فرایندهای تولید، زنجیره‌های تامین، سیستم‌های اتوماسیون صنعتی و فناوری‌های نوظهور، ارزش بسیار بیشتری نسبت به مطالعه گزارش‌ها یا تحلیل‌های ثانویه دارد. به همین دلیل، سفر به مراکز فناوری چین به بخشی از استراتژی توسعه کسب‌وکار شرکت‌های نوآور هندی تبدیل شده است.

زمانی که مراکز فناوری به جاذبه گردشگری تبدیل می‌شوند

جاذبیت گردشگری فناوریانه تنها به بازدید از کارخانه‌ها محدود نمی‌شود. امروزه بسیاری از گردشگران تجاری برای مشاهده فناوری‌هایی مانند خودروهای خودران، ربات‌های صنعتی، سامانه‌های لجستیک هوشمند، پهپادها، فروشگاه‌های هوشمند و زیرساخت‌های حمل‌ونقل نسل جدید راهی چین می‌شوند. در واقع، نوآوری به یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازاریابی مقصد در صنعت گردشگری تبدیل شده است. همان‌طور که برخی کشورها بر جاذبه‌های طبیعی یا تاریخی خود تکیه می‌کنند، چین نیز از ظرفیت‌های فناوری و صنعتی برای جذب بازدیدکنندگان بین‌المللی بهره می‌برد.

در نتیجه، سفرهایی که زمانی صرفاً با هدف حضور در جلسات کاری انجام می‌شدند، اکنون به تجربه‌هایی چندوجهی تبدیل شده که بازدید از کارخانه‌های پیشرفته، پارک‌های فناوری، نمایشگاه‌های نوآوری، مراکز استارت‌آپی و جاذبه‌های شهری را در یک برنامه واحد ترکیب می‌کنند.

ظهور یک الگوی جدید در سفرهای تجاری

گردشگری فناوری، مفهومی فراتر از سفرهای کاری متعارف است. در این مدل، بازدیدکنندگان علاوه بر حضور در نشست‌های تخصصی، فرصت بازدید از خطوط تولید پیشرفته، مراکز تحقیق و توسعه، شتاب‌دهنده‌های استارت‌آپی و نمایشگاه‌های فناوری را نیز پیدا می‌کنند. این روند بازتابی از تغییرات گسترده در صنعت گردشگری جهانی است؛ جایی که سفرهای کاری بیش از گذشته بر یادگیری، تجربه عملی و توسعه شبکه‌های حرفه‌ای متمرکز شده‌اند. بر اساس ارزیابی نهادهای بین‌المللی گردشگری، پس از دوران همه‌گیری کرونا، تقاضا برای سفرهای تجاری تجربه‌محور و مبتنی بر انتقال دانش به‌طور محسوسی افزایش یافته است. چین نیز با تکیه بر مزیت‌های رقابتی خود در حوزه فناوری توانسته چندین شهر را به پرندهای جهانی نوآوری تبدیل کند؛ به گونه‌ای که شانگهای در حوزه هوش مصنوعی و فین‌تک، شنژن در صنایع الکترونیک، رباتیک و سخت‌افزار و هانگژو در تجارت دیجیتال، رایانش ابری و شهرهای هوشمند به مقاصد شناخته‌شده در سطح بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

منطقه ویژه اقتصادی خلیج فارس؛ پیشگام خلق ارزش در اقتصاد ایران

منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین منطقه ویژه اقتصادی در کشور، مأموریت خود را توسعه زیرساخت‌ها، ارائه خدمات پایدار، تسهیل عملیات صادرات و واردات برای جذب سرمایه‌گذاری مناسب، ایجاد اشتغال و ارتقای اکوسیستم اقتصادی و صنعتی قرار داده است.

توسعه متوازن و ایجاد اشتغال

در حال حاضر بخش قابل توجهی از مناطق ویژه اقتصادی در استان‌های کمتربرخوردار یا در مجاورت مرزها و بنادر کشور قرار گرفته‌اند و از این رو توسعه این مناطق علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم در حوزه صنعت، سبب رونق فعالیت‌های حمل و نقل، خدمات فنی، بازرگانی، انبارداری و سایر مشاغل وابسته نیز می‌شود. به همین علت، مناطق ویژه اقتصادی می‌توانند به کاهش شکاف توسعه‌ای میان استان‌ها، جلوگیری از مهاجرت معکوس نیروی کار و توزیع متوازن‌تر رشد اقتصادی در سطح کشور کمک کنند.

توسعه صادرات غیرنفتی و درآمد‌های ارزی

از دیگر مهم‌ترین اهداف ایجاد مناطق ویژه اقتصادی، توسعه صادرات غیرنفتی بوده است. استقرار صنایع صادرات‌محور در این مناطق، کاهش هزینه‌های لجستیکی و تسهیل فرآیندهای گمرکی، امکان حضور موثرتر

کشورهایی به شمار می‌آیند که ضمن توسعه هدفمند مناطق ویژه، سهم قابل توجهی از رشد صنعتی و صادرات خود را از این محل به دست آورده‌اند. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های مناطق ویژه اقتصادی، کاهش هزینه‌های تولید و تجارت است. به عبارتی، تسریع در تشریفات گمرکی، امکان ورود مواد اولیه با فرآیندهای ساده‌تر، دسترسی به زیرساخت‌های لجستیکی و کاهش زمان ترخیص کالا، موجب می‌شود هزینه نهایی تولید کاهش یابد و محصولات ساخت داخل، قدرت رقابت بیشتری در بازارهای جهانی پیدا کنند.

حلقه اتصال صنایع مادر به صنایع پایین دستی

از دیگر کارکردهای مهم مناطق ویژه اقتصادی، می‌توان به تکمیل زنجیره ارزش در صنایع بزرگ کشور اشاره کرد. ایران به واسطه برخورداری از ذخایر عظیم معدنی، منابع تفت و گاز و ظرفیت بالای تولید فولاد، از مزیت نسبی قابل توجهی در صنایع پایه برخوردار است اما بخش مهمی از ارزش افزوده این منابع زمانی ایجاد خواهد شد که صنایع پایین‌دستی در مجاورت صنایع مادر توسعه یابند.

ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در کنار مجتمع‌های فولادی، پتروشیمی، معدنی و پالایشگاهی، ضمن کاهش هزینه حمل مواد اولیه، امکان تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر را فراهم می‌کند و این موضوع علاوه بر افزایش درآمدهای صادراتی، وابستگی اقتصاد به صادرات مواد خام را نیز کاهش می‌دهد.

در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به توسعه صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری نیاز دارد، نقش مناطق ویژه اقتصادی بیش از پیش در کانون توجه سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی قرار گرفته است.

این مناطق که با هدف کاهش هزینه‌های تولید، تسهیل تجارت، توسعه صنایع صادرات‌محور و ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی ایجاد شده‌اند، می‌توانند به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق رشد پایدار اقتصادی، آن‌هم در شرایط حساس و بحرانی فعلی تبدیل شوند.

مناطق ویژه اقتصادی، بستری برای رونق تولید

مناطق ویژه اقتصادی محدوده‌ای هستند که در آن‌ها همگام با فراهم شدن زیرساخت‌های مناسب و اعمال مقررات تسهیل‌گر در حوزه‌های گمرکی، تجاری و اداری، شرایط برای استقرار واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی فراهم می‌شود.

فلسفه شکل‌گیری این مناطق، کاهش هزینه مبادله و افزایش سرعت انجام فعالیت‌های اقتصادی بوده است؛ مسئله‌ای که در اقتصاد امروز جهان یکی از مهم‌ترین عوامل جذب سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود.

در همین راستا، تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد هرگاه مناطق ویژه اقتصادی در کنار بنادر، شبکه ریلی، بزرگراه‌ها و مراکز تامین مواد اولیه ایجاد شوند، به موتور محرک توسعه صنعتی و صادرات آن کشور تبدیل خواهند شد. چین، امارات متحده عربی، کره جنوبی و ترکیه، از جمله



منطقه ویژه صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس

صادرات و واردات برای جذب سرمایه گذاری مناسب، ایجاد اشتغال و ارتقای اکوسیستم اقتصادی و صنعتی قرار داده است.

این منطقه به دنبال آن است که شرایط جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی و هدایت آن ها در جهت احداث واحدهای صنعتی و معدنی صنایع انرژی بر و فرآوری مواد معدنی و همچنین رشد توسعه اقتصادی، افزایش فرصت های شغلی، افزایش و توسعه فناوری های مدرن حوزه تولید، مهارت های مدیریتی، ارتقای کیفیت تولیدات و افزایش توان صادرات به منظور رقابت در بازارهای جهانی را فراهم کند.

چشم انداز تا افق ۱۴۱۰

منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس چشم انداز خود تا افق ۱۴۱۰ را توسعه منطقه اقتصادی و صنعتی سرآمد همگام با فراهم آوری زیرساخت ها و ارائه خدمات مورد نیاز برای تولید ۳۵ میلیون تن محصولات فلزی تعریف کرده و به دنبال آن است که به یکی از برترین مناطق ویژه اقتصادی در منطقه و جهان تبدیل شود.

منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس؛ قطب سرمایه گذاری در ایران

منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس در ۱۳ بزرگراه شهید رجایی در غرب بندرعباس واقع شده است. این منطقه با وسعت تقریبی پنج هزار هکتار در چهار سایت جنوبی، میانی، شمالی و توسعه به لحاظ جغرافیایی، تقسیمیم و هم اکنون با توجه به استقرار صنایع بزرگ، به قطب صنعت فولاد، آلومینیوم، آند، تخلیه و بارگیری مواد معدنی و نفتی تبدیل شده است.

در این راستا، تعداد ۸۲ شرکت با سرمایه گذاری تقریبی ۲۱ میلیارد دلار در ۹۳ درصد از سطح زمین های قابل واگذاری منطقه در حال تولید و فعالیت هستند و این مهم اشتغال زایی برای بیش از ۱۶ هزار نفر نیروی انسانی را به صورت مستقیم فراهم کرده است.

علاوه بر این، منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی و فلزی خلیج فارس مأموریت خود را توسعه زیرساخت ها، ارائه خدمات پایدار، تسهیل عملیات

تولیدکنندگان ایرانی در بازارهای بین المللی را فراهم خواهد کرد. در شرایطی که اقتصاد ایران طی سالیان اخیر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی را دنبال کرده است، افزایش صادرات محصولات صنعتی، معدنی، پتروشیمی و کالاهای دارای ارزش افزوده می تواند نقش تعیین کننده ای در تامین ارز کشور ایفا کند. از این لحاظ، مناطق ویژه اقتصادی یکی از مهم ترین ابزارهای تحقق سیاست توسعه صادرات غیرنفتی محسوب می شوند.

جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی

سرمایه گذاری، مهم ترین موتور محرک رشد اقتصادی بوده و سرمایه گذار پیش از هر چیز به دنبال ثبات، امنیت و زیرساخت مناسب است. در همین راستا، مناطق ویژه اقتصادی با فراهم کردن زمین صنعتی، زیرساخت های انرژی، آب، حمل و نقل و خدمات پشتیبانی، ضمن کاهش ریسک سرمایه گذاری، جذابیت بیشتری را برای سرمایه گذاران ایجاد می کنند.



به زودی ...
COMING SOON ...

جمع‌بندی و تحلیل عملکرد سال ۱۴۰۴

سال ۱۴۰۴ برای شرکت فولاد شهید جهان آرا روند سالی سرشار از جهش تولید، ارتقای فناوری، رشد بهره‌وری و توسعه زیرساخت‌ها بود.
تولید ۲۵۴ هزار تن اسلب عریض فولادی

دستاوردهای کلیدی عبارتند از:

افزایش بی‌سابقه در رکوردهای سکوئس ریزی و ذوب	
جهش در تولید روزانه، ماهانه و سالانه	⚙️
ورود به حوزه تولید فولاد آلیاژی	🔧
توسعه عملیاتی و زیرساختی (جاده دسترسی، محوطه‌سازی)	🏗️
تولید محصولات استراتژیک با ضخامت ۲۵۰ میلی‌متر	🔍
رشد ۱۲۰ درصدی تناژ نسبت به سال گذشته	100%
عبور از سقف تولید برنامه ریزی شده سالانه با ۲۲٪ رشد مازاد	⬆️

کسب این دستاوردها را به همه همکاران در فولاد شهید جهان آرا
سهامداران و ذینفعان تبریک عرض می‌کنیم

گام های بلند شرکت فولاد شهید جهان آرا در سال جهش تولید ۱۴۰۴



• تولید اسلب آلیاژی x۶۵

• تولید اسلب آلیاژی x۶۰

• تولید اسلب st۳۷ با ضخامت ۲۵۰ میلیمتر

• تولید اسلب S۲۷۵jr

• تولید اسلب ss۴۰۰

• تولید اسلب s۲۳۵

• تولید اسلب A۳۶

• تولید ۱۶ ذوب در یک روز

• تولید ۱۶ ذوب در یک سکوننس

• تولید نزدیک به ۳۵ هزار تن اسلب در بهمن ماه ۱۴۰۴

• صادرات ۱۵ هزار تن اسلب به کشورهای همسایه

• ثبت رکورد بالاترین زمان ریخته گری مداوم ۲۲ ساعت و ۲۰ دقیقه بدون توقف

• افزایش طول عمر نسوز کوره از ۱۰۰ ذوب در کوره به ۴۰۰ ذوب در هر کوره

• افزایش طول عمر نسوز پاتیل به ۱۰۰ ذوب در هر پاتیل

• کاهش مصرف نسوز از ۲۵ کیلوگرم در هر پر تن به ۶ کیلوگرم در هر پر تن

ajs.co.ir

شرکت فولاد شهید جهان آرا اروند
Arvand Jahan Ara Steel Co.

